



# اقتصاد صیادی (ماهیگیری) مازندران در دوره قاجار

مؤلف: محمد محسن پیلہ سوارچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**اقتصاد صیادی (ماهیگیری) مازندران در دوره قاجار**

**مؤلف:**

**محمد محسن پيله سوارچی**

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
<b>فصل اول</b> .....	<b>۵</b>
<b>کلیات</b> .....	<b>۵</b>
مقدمه.....	۶
دیباچه.....	۷
<b>فصل دوم:</b> .....	<b>۱۲</b>
<b>تاریخچه صیادی در دریای مازندران و اوضاع اقتصادی-اجتماعی مازندران در عصر قاجار</b> .....	<b>۱۲</b>
تاریخچه ماهیگیری.....	۱۳
مشخصات دریای مازندران.....	۱۷
رودخانه سفید رود (ماهی خاویار).....	۱۸
جغرافیای شهرها و ولایات (استان های) جنوبی دریای مازندران.....	۱۸
مازندران و اقلیم آن در سفرنامه ها.....	۲۰
ماهیگیری در دریای مازندران از ابتدا تا روی کار آمدن قاجارها.....	۲۲
شیلات و ماهیگیری در زندگی روزانه مردم مازندران.....	۲۴
اوضاع اقتصادی(معیشتی) و اجتماعی مازندران.....	۲۶
<b>فصل سوم:</b> .....	<b>۳۰</b>
<b>روند واگذاری امتیاز صیادی</b> .....	<b>۳۰</b>
پیشینه روابط تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار.....	۳۱
شیلات ایران در زمان حاج میرزا آقاسی.....	۳۵
شیلات در زمان صدارت امیرکبیر.....	۳۷
شیلات در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری.....	۴۰
قرارداد لیانازف (واگذاری امتیاز شیلات به لیانازف).....	۴۱
تأسیسات شرکت لیانازف در سواحل ایرانی دریای مازندران.....	۵۰
<b>فصل چهارم:</b> .....	<b>۵۳</b>
<b>پیامدهای واگذاری امتیاز صیادی بر اقتصاد و معیشت مردمان مازندران</b> .....	<b>۵۴</b>

۶۱	فاجعه گمش تپه .....
۶۴	حوادث انزلی .....
۶۶	روزنامه نسیم شمال و اعتراض به لیانازف .....
۶۷	<b>فصل پنجم:</b> .....
۶۸	<b>لغو قرارداد</b> .....
۶۸	شرکت لیانازف و جنگ اول جهانی .....
۷۲	تشکیل شرکت سهامی لیانازف .....
۷۴	لغو قرارداد لیانازف .....
۸۱	رسیدگی دولت ایران به بدهی شرکت لیانازف .....
۸۴	قرارداد شیلات پس از کودتا .....
۸۹	قوام السلطنه و مسئله شیلات و قرارداد لیانازف .....
۹۲	اختلافات داخلی وراث لیانازف .....
۹۵	انحلال شرکت لیانازف و تقسیم اموال آن .....
۹۶	فروش سهام مارتین لیانازف به شوروی .....
۱۰۱	نتیجه گیری .....
۱۰۴	ضمایم .....
۱۳۰	جداول .....
۱۳۳	تصاویر .....
۱۴۱	منابع و مؤاخذ .....

## پیشگفتار

ماهی از قرون بسیار قدیم از لحاظ غذائی و کالایی (تجاری) در خدمت بشر بوده و ماهیگیری یکی از قدیمی ترین مشاغل انسان بوده است. انسان کهن قرن های زیادی قبل از شروع به دامداری و زراعت به واسطه شکار حیوانات و ماهیان زندگی می کرد. با وجود این که ماهیگیری در سواحل جنوبی دریای مازندران از دوران کهن رواج داشته است، اما در عصر قاجار به دلیل گسترش ارتباطات ایران و روسیه و تجاری شدن بهره برداری از ماهیان این دریا و همچنین صادرات انواع ماهیان به روسیه موجب شد تا ماهیگیری که پیش از این تنها برای ارتزاق مردم انجام می شد، وارد مرحله تجاری شود. علاوه بر آن دست اندازی روسها بر منابع عظیم ماهیان ارزشمند دریای مازندران موجب شد تا کمپانی های متعددی در این حوزه به منظور تجارت ماهیانی این دریا شکل گیرد. در این کتاب، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به عملکرد اقتصادی دریای مازندران برای استان مازندران در دوره قاجار پرداخته شده تا به این سؤالات پاسخ داده شود که در این دوره، وضعیت اقتصاد دریایی (صیادی) مردمان مازندران که از راه صیادی و ماهیگیری گذران امور و زندگی می کردند چگونه بود و بعد واگذاری امتیاز صیادی و بهره برداری از دریای مازندران به اتباع خارجی، چه تغییری در وضعیت اقتصادی ماهیگیران و مردمان مازندران به وجود آمد. در این پژوهش سعی داشته، که به ابعاد کمتر شناخته شده این دریا (مازندران) از لحاظ اقتصادی سیاسی برای کشور ایران، چه در دوره تزارها و چه در دوره کمونیست ها و نقشی که این دریا در تحولات سیاسی ایران داشته نیز پرداخته گردد. می توان گفت که با توجه به مبادلات اقتصادی ایران با سایر کشورها به ویژه روسیه و ورود برخی از کالاهای خارجی از طریق دریای مازندران و همینطور وجود منابع غذایی و آبزیان بسیار مفید و گران قیمت مانند خاویار، باید این دریا دارای مزایای خاصی برای مردمان این منطقه داشته باشد.

# فصل اول

## کلیات

وضعیت صیادی و ماهیگیری مازندران در عصر قاجار مانند دوره های قبل از آن بود؛ درآمد حاصل از صیادی نیز مانند دوره های گذشته تفاوت محسوسی با زمان قاجار نداشت؛ البته شاید به خاطر برخی از موارد، مقدار کمی افزایش یا کاهش داشت ولی تأثیری در وضعیت درآمد مردمان و حکومت به وجود نمی آورد. با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و گسترش روزافزون اختراعات و ابتکارات و رشد و توسعه ماشین آلات صنعتی سبک و سنگین که تأثیر شگرفی بر وضعیت سیاسی و اقتصادی جهان نهاد، توسعه سریع کارخانجات و بهره بردای سریع و با کیفیت از مواد و محصولات و همینطور تولید و نگهداری غذاهای مختلف خوراکی، نیاز مبرم و زیاد به منابع خام، زمینه ورود قدرت های اروپایی را به دیگر کشورها مانند ایران مهیا کرد. در ایران تولیدات اقتصادی بیشتر کفاف نیازهای داخلی را می داد، محصولات دریایی و کشاورزی در داخل مصرف می شد و به علت نبودن زیرساخت های مهم در این بخش از قبیل فرآوری، ذخیره سازی بلند مدت و باکیفیت، راه و وسایل صادرات، نیازی به افزایش تولید احساس نمی شد. صنایع ایرانی نیز شامل صنایع دستی و ابتدایی بود و مانند صنایع کشورهای اروپایی و حتی عثمانی (ترکیه) پیشرفته نبود. این مسئله باعث فاصله گرفتن بیشتر ارزش واردات به صادرات شد. از طرفی به علت هزینه های بالای درباری (خصوصاً از دوران فتحعلی شاه قاجار) و نبود یک نظام جامع و درست اقتصادی در ایران به همراه ولخرجی های دربار و واگذاری شخص شاه، امتیازات پی در پی به دیگر افراد، شرکت ها، اتباع کشورهای پیشرفته و گرفتن وام ها از بانک ها و مؤسسات مالی اروپایی با بهره های بالا و عدم بازپرداخت آن ها نیز امتیازاتی مانند گمرکات شمال به روس ها و جنوب به انگلیسی ها داده می شد تا بخشی از مشکلات اقتصادی دربار(نه کشور یا حکومت) برطرف گردد. این شرایط باعث عقب مانده تر شدن اقتصاد ایران در این دوران شد. یکی از این امتیازات، امتیاز بهره برداری از منابع آبی و صیادی دریای مازندران به شخصی به نام استفان لیانازف، از اتباع کشور روسیه بود. این امتیاز که مربوط به دریای مازندران

بود، در اقتصاد مازندران و ایران دارای نقش قابل توجهی بود. این نقش با تحولات اقتصادی این زمان دنیا یعنی اقتصاد صنعتی در اروپا و ورود شرکت های غربی به ممالک شرقی برای تأمین مواد اولیه و بدست آوردن بازار فروش مناسب برای تولیدات خود پررنگتر می شد. این تحقیق بیشتر در پی جست و جوی علل، چگونگی و پیامدهای تحولات کلان اقتصادی در یک حوزه منطقه ای و ایالتی و تأثیر آن در حوادث ملی است.

## دیباچه

دریای شمال ایران در جهان با نام های متفاوتی معرفی شده است؛ در کشور های اروپایی و امریکایی و بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی آن را « دریای کاسپی » و ترک زبانان جهان آن را « دریای مازندران » می خوانند. در کشور های عربی نیز مدتی عنوان « بحر الخزر » رایج بوده است. از دو سه قرن پیش در تعدادی از کشورهای عربی آن دریا را به قزوین منسوب دانسته، نام « بحرالقزوین » بر آن نهادند. در ایران از حدود ۷۰ سال قبل، آن را « دریای مازندران » نامیده اند چنان که تا کنون نیز در نوشته ها و نقشه های جغرافیایی به همین نام آمده است. ماهیگیری و صید آبزیان و شکار حیوانات، در شمار نخستین فعالیت های انسانی به شمار می آید. انسان ها برای تأمین نیاز غذایی خود، مبادرت به صید و شکار می کرده اند. ماهیگیری یکی از منابع درآمد ساحل نشینان مرداب ها و رودخانه ها به شمار می رفت. پیشینه صید در شمال ایران، به عصر میان سنگی قدیم و دوره های بعدی یعنی نوسنگی و آغاز عصر کشاورزی می رسد. استخوان های فک خزری از غار کمر بند در بهشهر متعلق به ۸-۶ هزار سال پیش از میلاد مسیح به دست آمده است. در دوران اسلامی، دریا جزو انفال محسوب می شد و عواید آن به دولت وقت می رسید. در زمان عبدالله بن طاهر، در سال ۲۵۰ ق (سلسله طاهریان)، ۱۸,۵ درصد مالیات و درآمد ۷ میلیون درهمی طبرستان از مال الاجاره صیدگاه های ماهیان و شکارگاه های مرغان و پرندگان دریایی و تالابی تأمین می شد.



شیلات شمال با وجود دریای مازندران و گوناگونی رودخانه های بزرگ و کوچک، تنوع ماهیان موجود در آن، همواره مورد توجه اهالی منطقه بوده و از نظر اقتصادی در زندگی منطقه ای و فرامنطقه ای و حتی در سطح ملی و بین المللی، اهمیت حیاتی داشته است.

موقعیت اقتصادی منحصر به فرد شیلات شمال سبب شده تا ملت های هم جوار دریای مازندران، به آن توجه ویژه داشته باشند. از عصر صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق) به بعد، دریای مازندران به عنوان منبعی اقتصادی و پلی ارتباطی نگریسته می شد. در این زمان، بازرگانان و ماهیگیران روسی مستقیماً با اخذ مجوز صید از مقامات محلی، به صورت نامحدود از انواع ماهی های کرانه های ایران در دریای مازندران بهره برداری می کردند؛ به ویژه اینکه، ماهیان خاویاری گران بهای دریای مازندران که به علل مذهبی مورد توجه ایرانیان مسلمان نبود (به علت نداشتن پولک)<sup>۱</sup> خود زمینه را بیشتر برای روی آوردن اتباع روسی جهت بهره برداری از ذخایر جنوبی دریای مازندران فراهم می نمود و حاکمان محلی هم به نوبه خود، هر رودخانه و یا هر قسمت از دریا را با استفاده از موقعیت خود به اتباع تزاری اجاره می دادند.

همزمان با افول سلسله صفویه در ایران، پتر کبیر در ۱۱۰۱ ق/ ۱۶۸۹ م در روسیه قدرت را به دست گرفت که تسخیر ایران و رسیدن به خلیج فارس، جزئی از نقشه های او بود. در راستای این سیاست و یک قرن بعد، روس ها طی دو دوره جنگ های اول (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق)<sup>۲</sup> و دوم (۱۲۴۱-۱۲۴۳ق)<sup>۳</sup> و با انعقاد قرارداد گلستان و ترکمنچای، امتیازات و سرزمین هایی را از ایران گرفتند و از این مقطع تاریخی، حق کشتیرانی در دریای مازندران برای ایرانیان از میان رفت و بخش

<sup>۱</sup> - در دین اسلام خوردن ماهیانی که پولک نداشته باشند، ممنوع است.

<sup>۲</sup> - فصل پنجم عهد نامه گلستان: کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای مازندران تردد می نمایند، به دستور سابق مآذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جنوب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود. کشتیهای جانب ایران هم به دستور سابق مآذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد. کشتیهای عسکریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیدق در دریای مازندران بوده اند، حال نیز محض دوستی اذن داده می شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سواهی دولت روس کشتیهای جنگی در دریای مازندران نداشته باشد. (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی)<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> - فصل هشتم قرارداد ترکمنچای: سفاین تجارتي روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادي بر درياي خزر به طول سواحل آن سير کرده، به کناره هاي آن فرود آیند و در حالت شکست کشتي در ايران اعانت و امداد خواهند يافت و همچنين کشتيهاي تجارتي ايران را استحقاق خواهد بود که به قرار سابق در بحر خزر سير کرده، به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتي به همان نسبت استعانت و امداد خواهند يافت. در باب سفاین حربيه که علم هاي عسکریه روسیه دارند، چون از قديم بالانفراد استحقاق داشتند که در بحر خزر سير نمایند، لهذا همین حق مخصوص کما في السابق امروز به اطمینان به ایشان وارد مي شود، به نحوي که غير از دولت روسیه هیچ دولت ديگر نمي تواند در بحر خزر کشتي جنگي داشته باشد. (مؤسسه بين المللی مطالعات دریای مازندران)

کوچکی برای قایق‌ها باقی ماند. با شروع عصر امتیازگیری دول خارجی در ایران، در قراردادهایی که میان اروپاییان با دولتمردان قاجار منعقد می‌شد، حضور روس‌ها در دریای مازندران، نمود بیشتری داشت. این امر ناشی از این واقعیت بود که روس‌ها وسایل و امکانات صیادی بیشتر و پیشرفته‌ای داشتند و شرکت‌های حمل و نقل در اختیار آن‌ها بود. از سوی دیگر، میزان پرداختی آن‌ها از تیول‌داران ایرانی بالاتر بود.

میرزا حسین خان سپهسالار در تنظیم و تنسيق شیلات شمال، تلاش وسیعی را انجام داد. بعد از واگذاری شیلات به او، قراردادی را با استپان لیانازف و شرکایش امضاء کرد و شیلات شمال را در اختیار آن‌ها قرارداد. شرکت شیلات لیانازف، کار پرسود خود را در تمام گستره سواحل دریای مازندران، از آستارا در غرب تا رود اترک در شرق استان مازندران آغاز کرد و از بابت این امتیاز فوق‌العاده پردرآمد، سالانه ۵۰ هزار تومان به ناصرالدین شاه می‌پرداخت. ناصرالدین شاه بعد از برکناری میرزا حسین خان سپهسالار، آن امتیاز را به پسر خود، کامران میرزا سپرد و او هم آن را طی قراردادی به استپان لیانازف واگذار کرد.

طبق قرارداد جدید لیانازف، روس‌ها امتیاز ماهیگیری تمامی سواحل دریای مازندران و رودخانه‌های آن را در شمال به دست آوردند و هیچ‌یک از مردم شمال حق ماهیگیری و فروش آن را در بازار بدون کسب اجازه از شرکت لیانازف نداشتند. تنها منطقه‌ای که شامل این قرارداد نمی‌شد، منطقه سرتک (خلیج گرگان و میان کاله) بود که روس‌ها حق ساختن هیچگونه تأسیسات ماهیگیری در آن نداشتند (یکی از دلایل آن به علت موقعیت اجتماعی آن که زادگاه آقا محمد خان قاجار بود و نباید بیگانگان بر آن حاکم می‌شدند). این امتیاز از زمان واگذاری آن به لیانازف‌ها تا خاتمه آن و تا پایان واگذاری آن به روسیه کمونیستی، بارها تمدید شد. در دوران تصدی و سلطه لیانازف‌ها بر شیلات شمال، اختلافات و درگیری‌های زیادی میان صاحبان امتیاز و ساکنان شمال بر سر صید و صیادی به وجود آمد. این امر پیامدهایی را در پی داشت، به ویژه اینکه دولت مردان روسیه، در همه موارد اختلاف، حمایت همه جانبه‌ای از لیانازف‌ها داشتند.

شواهد گویای آن است که مردمان منطقه از این قرارداد رنج های بسیار و آسیب های فراوان دیده بودند، به طوری که در شعبان ۱۳۳۹ق. /مه ۱۹۲۱ م. ۶۲ نفر از صیادان انزلی به نمایندگی از ۷۰۰۰ صیادی که در حوالی مرداب انزلی زندگی می کردند، در نامه ای شکوه آمیز به وزیر فواید عامه، از ظلم و ستمی که شرکت صیادی لیانازف بر آنها وارد کرده بود، به تفصیل توضیح دادند که بخشی از آن چنین است:

«مکرر به دولت متبوعه خود تظلم کردیم ولی از نقطه نظر اینکه شاید دولت هم به واسطه فشارهای خارجی نمی توانست اقدامی بکند، ساکت مانده و شب و روز دعا می کردیم که تنها این اجاره (مدت امتیاز لیانازف) تمام شود و ما بیچارگان راحت بشویم تا اینکه دعای ما به اجابت رسیده، موانع خارجی برطرف و به واسطه تخطیات لیانازف از مواد کنترات، دولت موفق به الغای کنترات آنها گردید. اینک از آن مقام منیع استدعا می نمائیم که چنانچه دولت بخواهد مجدداً کنتراتی با ورثه لیانازف ها یا دیگری ببندد، باید حال ما بیچارگان را در نظر گرفته و مراعات نکات فوق الذکر را نمود...».

صیادان یادشده، ضمن بیان سختیهای خاص صید در دریا، نوشته بودند که اصلی ترین ماهی که آنها از دریا صید می کنند، ماهی سوف<sup>۱</sup> است که شرکت لیانازف آن را به زور به نام ماهی حرام و با قیمتی که خود تعیین می کند، خریداری می نماید. برای هر هزار قطعه ۱۲.۵ تومان می پردازد. در حالی که قیمت واقعی آن ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان است.

در جریان انقلاب مشروطه که عین الدوله، صدراعظم مستبد ناصرالدین شاه، در مسیر سقوط قرار گرفته بود، روس ها و آربکف (از نوادگان لیانازف) از حمایت دولت قاجاری دست برنداشتند و با بستن قراردادی جدید (۱۳۲۴ق) و مبلغ اجاره و بهره ای کمتر، توانستند امتیاز را تا سه سال دیگر (۱۳۲۷ق) تمدید نمایند و با پرداخت مبلغ اجاره (۱/۳۷۰/۰۰۰ فرانک) به صورت یکجا به عین الدوله که به دلیل مضیقه مالی و بی پولی خزانه دولت، دچار مشکلات عدیده ای شده بود، کمک مؤثری نمایند. از سوی دیگر، در دوره بعدی، با واگذاری شیلات شمال به دولت

<sup>۱</sup> - این ماهی که از ماهیان آبهای شور و شیرین به نام Percidae است، در قسمتهای جنوبی دریای مازندران زندگی می کند و از کمیاب ترین ماهیان اقتصادی شیلات شمال به شمار می رود.

روسیه کمونیستی، در قالب قرارداد شرکت ماهیگیری مختلط، وضعیت کم و بیش مشابهی را داشت.

در دوران پهلوی اول این قرارداد به مدت ۲۵ سال تمدید شد که در نهایت در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ش، شیلات در ایران ملی اعلام شد و تمامی اموال درآمد آن به مالکیت دولت ایران درآمد و دیگر هیچ شخص یا شرکت خارجی اجازه تصرف در آن را نداشت.

در این کتاب، هدف این است که به اوضاع اقتصاد صیادی مردمان مازندران در دوره زمامداری حکومت قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) خصوصاً بعد از قرارداد لیانازف و اعطای حق بهره برداری از منابع دریایی و صیادی آن به لیانازف روسی پردازد.

## **فصل دوم:**

**تاریخچه صیادی در دریای مازندران و اوضاع  
اقتصادی-اجتماعی مازندران در عصر قاجار**

## تاریخچه ماهیگیری

ماهی از قرون بسیار قدیم، از لحاظ غذایی به بشر خدمت کرده و ماهیگیری یکی از قدیمی ترین مشاغل انسان بوده است. انسان قدیم قرن های زیادی قبل از شروع به دام داری و زراعت به واسطه شکار حیوانات و ماهیگیری زندگی می کرد.

رودخانه ها، دریاچه ها و سواحل دریاها، جائیکه ماهی و دیگر آبزیان از قبیل نرم تنان و غیره فروان داشتند، انسان را به طرف خود کشیده و در تغییر مکان، مبادلات، جنگ و ستیز میان اقوام مختلف عمل مهمی را انجام می داده و رودخانه ها، دریاچه ها و دریاها علاوه بر صید ماهی، از حیث حمل و نقل نیز طرف توجه بوده اند.

طبق اطلاعات تریپیف<sup>۱</sup>، انسان عصر حجر، در بعضی نواحی ماهی را برای خوراک خود استعمال می کرده است. مثلاً در اروپای شمالی و وسطی در میان باقیمانده های آشپزخانه، استخوان ها و چنگک های صید ماهی که از استخوان ساخته شده، پیدا گشته است. آثار نامبرده در اقصی نقاط جهان به مقدار زیادی به دست آمده است.

پروفسور اینوستراسنستف<sup>۲</sup> در میان آثار ما قبل تاریخ در اطراف دریاچه لادوگا<sup>۳</sup>، استخوان هائی پیدا کرده که به تشخیص ماهی شناس معروف کسلر<sup>۴</sup> متعلق به ماهی های کورگونوس<sup>۵</sup> بوده است.

انسان قدیمی ماهی را در روی آتش برشته کرده و یا خام به مصرف می رسانده است. خوردن ماهی خام نیز هنوز در میان برخی انسان ها مانند اسکیموها متداول است.

چنانچه از نوشته های تورات استنباط می گردد، یهودی ها از خیلی قدیم ماهی را به مصرف خوراک می رساندند و با پیروی از قوانین موسی که ماهی های بی پولک (فلس) را حرام کرده،

<sup>۱</sup> - N.Taurpaev.

<sup>۲</sup> - Inoctrantoev.

<sup>۳</sup> - Ladoga.

<sup>۴</sup> - Kessles.

<sup>۵</sup> - Coregonuc.

از خوردن اینگونه ماهیها خودداری می نمودند و بعدها قانون مزبور در دین اسلام نیز وارد گردیده است.

به موجب نقشه ای<sup>۱</sup> که منجم مشهور یونانی بطلمیوس<sup>۲</sup> در قرن سوم بعد از میلاد تهیه کرده<sup>۳</sup>، مللی که در شرق رود مصر و در سواحل دریای سرخ و خلیج فارس مسکن داشته اند، فقط از ماهی تغذیه می کرده اند ولیکن فقط در بین ملل متمدن قدیم از قبیل یونانیان و رومیان، ماهیگیری و آلات صید منقوش گردیده است.

در دوره ارسطو ماهیگیری بیش از پیش توسعه پیدا کرده است و کالای ماهی مورد توجه بازرگانان واقع شده است. این بود که نامبرده در کتاب تاریخ حیوانات<sup>۴</sup> خود راجع به ماهی شناسی نیز شرحی درج نمود و حیوانات را به هشت دسته تقسیم کرد که ماهی یکی از دسته های مزبور بوده است. ارسطو راجع به ماهی به طور کلی اطلاعات صحیحی داشته و آنرا از حیوانات مهره دار دیگر دریائی از قبیل نهنگ<sup>۵</sup> و سگ دریائی<sup>۶</sup> و غیره از یک طرف و از حیوانات غیر مهره دار از طرف دیگر، مجزا کرده و نشانه های اصلی ماهی ها را مشخص نموده است.

ماهی های شیلاتی دنیای قدیم عبارت بودند از: مارماهی، تاس ماهی، ماهی خاردار، قزل آلا، سفره ماهی (أسبه)، ساردین آشوا و غیره که امروزه نیز مورد توجه می باشد، در خصوص ماهی و ماهیگیری به خط هیر گلیف<sup>۷</sup> که مرسوم مصریان قدیم (چهار هزار سال قبل از میلاد) بوده، نوشته هایی موجود است. در میان نقش های اکتشافی خط قدیم مصری تصویری از ماهی، "دام ماهیگیری" طناب و غیره که مربوط به رشته ماهیگیری است، یافت می شود. عکس هائی از مصریان قدیم موجود است که مردان در حال اشتغال به بریدن ماهی نشان می دهد.

۱- Geographike Hyphegesis.

۲- Claudios Ptolemy.

۳- درباره زمان حیات بطلمیوس در میان پژوهشگران اختلاف وجود دارد. اغلب معتقدند او طی ۱۰۰ تا ۱۸۰ م، زندگی کرده است؛

۴- Historical animal.

۵- Whale.

۶- Phoque.

در مصر عمده ماهیگیری در قنوات، رودخانه نیل، دریاچه ها، دریای مدیترانه و دریای سرخ انجام می گرفته است. به طوری که هرودوت می نویسد:

«مصریان ماهی را در آفتاب خشک کرده و می خوردند.» بعدها شور کردن ماهی نیز متداول گردید.

ماهی کاراتینا<sup>۱</sup> که از رودخانه نیل صید می شد، مدت مدیدی برتری خود را در مقابل محصولات دیگر ماهی شور که به یونان صادر می کردند، محفوظ داشت. در دریاچه ماریو، شیلات ماهی متعلق به زن فرعون توتماس چهارم<sup>۲</sup> و هر روز یک تالنت<sup>۳</sup> سود می داد. شغل اصلی فنیقی ها از قرون قدیم زراعت، دامداری و ماهیگیری بود. آنان با وسایل نسبتاً کامل خود در دریای مدیترانه و خارج از آن صید می کردند.

با گذشت زمان تهیه کالاهای مختلف ماهی در یونان و روم ترقی کرده و مصرف کننده عمده ماهی در آنوقت شهرهای آتن و رم، بیزانس (نام قدیم استانبول) بوده. در دریای مدیترانه (آزوف و سیاه) و دریای مازندران ماهی را صید و در تغارسنگی شور می کردند. برای شور کردن و نگهداری و حمل ماهی یونانیان و رومیان قدیم از خمره های گلی استعمال می کردند که نظیر آن تا به حال در سواحل ایران (دریای مازندران) برای شور کردن ماهی سفید متداول است.

به طور اجمال می توان گفت در دنیای قدیم ماهی به شکل تازه خشک و شور و ترش و گاهی هم پوشیده از برف و یخ نگهداری می شد. یکی از نویسندگان قدیم موسوم به الثان<sup>۴</sup> که سه قرن قبل از میلاد زندگی می کرد، می نویسد:

« در دریای مازندران فیل ماهی<sup>۵</sup> صید و شور و سپس خشک و بدین شکل به اکباتان (همدان) حمل می شده است.»

---

۱- Caratina

۲- Thutmose IV

۳- Talent واحد پول یونان قدیم بود و نقره ای آن ۲۸ هزار فرانک و طلائی آن ۱۰ برابر قیمت دارد. (دایره المعارف کاتولیک، جلد پنجم)

۴- Aelian



گوشت و چربی را از ماهی مزبور قطعه قطعه نموده، پس از شور کردن و خشک نمودن به فروش می رساندند. از کیسه شنای آن چسب تهیه می کردند. چسب مزبور به اندازه ای محکم و براق و مرغوب بود که صنعتگران آنرا با موفقیت کاملی برای احتیاجات مختلف مصرف می کردند و به خصوص برای چسباندن استخوان های فیل به یکدیگر جهت تهیه اسباب بازی به کار می بردند.

متأسفانه از ماهیگیری ایران قدیم اطلاعات مفصل تری در دست نیست ولی از آنچه ذکر شده در قرن چهارم اولین اطلاع را ابوالقاسم بن حوقل از مردم بغداد در سال ۳۴۰ ق در کتاب *صورة الارض* داده است. وی در این کتاب با تشریح دریای مازندران و ترسیم حدود گیلان (دیلم) و طبرستان ویژگی های مردمان این دو منطقه و نحوه زندگی نوع گویش ها، غذاها و اشتغال آنان را می نویسد.

«دریای مازندران محدود است از مشرق به قسمتی از دیلم و طبرستان و گرگان و بخشی از بیابان واقع در میان گرگان و خاورزم، و از مغرب به اران و حدود سریر و بلاد خزر و بخشی از بیابان غزان، از شمال به بیابان غزران و در ناحیه سیاه کوه، از جنوب به گیلان (جیل) و دیلم و سرزمین هایی که نزدیک آن است.....»

توسعه و ترقی ماهیگیری با ازدیاد اهالی و بسط صنایع کاملاً مربوط بوده است. ترقی صنعت از دو جنبه به تکامل ماهیگیری کمک کرده و از یک طرف تمرکز جمعیت زیاد در محل محدود که شهر نامیده می شود، مستلزم استفاده از هر گونه صنایع خوراکی و من جمله ماهی بوده است.

از طرفی دیگر ترقی صنایع، ماهیگیری را تقویت نموده است، بدین ترتیب که اولاً به وسیله ساختن کشتی های تجاری و موتوری و وسایل مکانیکی، صید ماهی را، تسهیل نموده و ثانیاً با ساختن راه آهن و کشتی های دریایی در حمل و نقل ماهی صید شده، کمک زیادی به عمل آمده است.

«جانب شرقی دریای مازندران بهری از دیلمان و طبرستان و گرگان و حدود آن و بهری از بیاخوارزم دارد. و جانب غربی ازان و موقان، حدود سریر و دیار خزر و بهری از بیابان غزیه. جانب شرقی بیابان غزیه به ناحیت سیاه کوه. جانب جنوبی باگیل و دیلمان و آن حدود دارد. این حدود دریا به هیچ پیوسته نیست و اگر کسی خواهد کی گرد این دریا بگردد هیچ چیز او را باز ندارد مگر رود آب خوش کی درین دریا می افتد. و آب این دریا آبی شورست و تاریک. قعر این دریا گل سیاه است به خلاف دریای قلزم و دریای پارس-کی

در دریای پارس جایی بود که در قعر آب سنگ های سپید بتوان دیدن از روشنی آب و آب این دریا سیاه و تاریک بود. از این دریا هیچ چیز نخیزد از معنی مروارید و مرجان و آنچه بدین ماند. و جز به بازرگانی کی از شهر به شهر شوند درین دریا منفعتی نیست و ماهی بسیار گیرند.»

### **مشخصات دریای مازندران**

دریای مازندران، بزرگترین دریاچه درون خشکی در کره زمین، در آسیای باختری و شمال مرکزی ایران، در ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۰/۷ دقیقه پهنای شمالی و ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۵۱ دقیقه در ازای خاوری نسبت به روز گرنویچ قرار گرفته است.

درازای دریای مازندران از شمال به جنوب، ۱۲۰۴ کیلومتر، میانگین پهنای آن، ۳۲۰ کیلومتر، و درازای خط کرانه ای آن، ۶۵۰۰ کیلومتر است، که ۶۵۷ کیلومتر کرانه ایران، ۸۲۰ کیلومتر کرانه آذربایجان، ۱۹۰۰ کیلومتر کرانه قزاقستان و بقیه کرانه روسیه و ترکمنستان است.

گنجایش آب دریای مازندران برابر ۷۷ هزار کیلومتر مکعب و میانگین عمق آن ۱۸۰ متر است. مهمترین خلیج های دریای مازندران عبارتند از: قیزلار در شمال، مان قشقلال، قازاخ، قارابوغازگل، ترکمن باشی، ترکمن در خاور، آقراخان، قزل آغاچ در باختر و انزلی و گرگان در جنوب. دریای مازندران حدود ۵۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد، که کل پهنه آن، حدود ۳۵۰ کیلومتر مربع است.

نواحی ماهیگیری مازندران به طور کلی بسته به اهمیت رودخانه ای است که از آن ناحیه به دریا می ریزد. زیرا تجمع ماهی و در نتیجه صید روی هم رفته بستگی به عامل مزبور دارد. به همین علت است که مهمترین ناحیه صید ماهی در دریای مازندران ناحیه ولگا بوده و در ایران نیز صید در سه نقطه اساسی زیر بیشتر است: خلیج ترکمن باشی (پهلوی سابق) به علت ورود رودخانه های زیاد در آن (محل صید ماهی سوف، کپور، سیم و غیره)

### رودخانه سفید رود (ماهی خاویار)

خلیج گرگان به علت ورود رودخانه قره سو در آن و رودخانه گرگان در نزدیکی آن (محل اصلی صید ماهی کلمه<sup>۱</sup> و بعضی انواع دیگر ماهی)

دریای مازندران از مهمترین مناطق ماهیگیری دنیا است و بنابر تحقیقات دانشمندان روسی، مخصوصاً پروفیسور کنیوویچ<sup>۲</sup> و پروفیسور برک<sup>۳</sup>، ماهی های دریای مازندران و رودخانه هائی که در آن می ریزد، عبارتند از ۱۸ تیره<sup>۴</sup> و ۴۸ جنس<sup>۵</sup> و بیش از ۱۵۰ نوع، عمده گونه هائی که برای خوراکی استعمال می شود، در حدود ۹۰ گونه بوده ولی آنهائی که به مقدار قابل توجهی صید می گردند، کمتر هستند.

میان ماهی های دریای مازندران از جمله در سواحل ایران نوع معابر و نیمه معابر مهم می باشد، زیرا همه ساله به مقدار زیادی صید می شوند.<sup>۶</sup>

خانواده تاس ماهیان که چهارگونه آن (دراکول-شیب-تاس ماهی-فیل ماهی) در کرانه ایران صید می شوند و ماهی سفید و بعضی دیگر جزو این دسته بوده و اساس صید مردمان شمال را تشکیل می دهد.

ماهی های نیمه معابر در مناطق مجاور مصب رودخانه بستر بوده و برای تخم ریزی وارد رودخانه می شوند و آن ها نیز سهم قابل توجهی در صید ساحل ایران در دریای مازندران دارند. کپور<sup>۷</sup>، سیم، اسبله، سوف و بعضی دیگر جزو این دسته می باشند.

---

۱- Rutilus.

۲-Knipovitch.

۳-Berc.

۴-Famille.

۵-Gence.

۶- ماهی های معابر آن هائی هستند که در دریا زندگی کرده ولی برای تخم ریزی با گله های بزرگ به رودخانه وارد می شوند و اغلب در منطقه ای از دریا که مجاور با مصب رودخانه است، در خود مصب و بالاخره در قسمت پائین روخانه صید می شوند. این ماهی ها پس از انجام تخم ریزی در رودخانه به دریا باز می گردند و همینطور در سال های بعد عمل تکرار می شود و بچه ماهی ها نیز که در رودخانه از تخم در آمدند، پس از توقف کم و بیش زیاد به دریا رفته و موقعیکه به حد بلوغ می رسند مثل والدین خود برای تخم ریزی به رودخانه وارد می شوند. صدرخانلو، همان، ص ۹.

v-Carpe.

## جغرافیای شهرها و ولایات (استان های) جنوبی دریای مازندران

جنوب دریای مازندران شامل سه ولایت گیلان و مازندران و گلستان می باشد. رایینو مازندران را به سیزده ناحیه، شامل: تنکابن، کلارستاق، چالوس، کلاردشت، مرزن، آباد، کجور، نور، بارفروش (بابل کنونی)، مشهدسر (بابلسر کنونی)، ساری، فرح آباد (از توابع ساری)، اشرف (بهشهر کنونی)، لاریجان، هزارگریب (از توابع ساری) تقسیم می کند. مازندران بین سواحل جنوبی دریای مازندران و رشته کوه های البرز، در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه، ۳۰ ثانیه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه واقع شده است. ملگونف روسی مازندران را به چهار بلوک عمده شامل: اشرف، ساری، بارفروش، آمل تفکیک می کند. در سفرنامه ها و منابع جغرافیایی عصر قاجار، حد شرقی آن بلوک رودسر (از محله های تابع استرآباد) یا جرکلباد و شاکوه، و حد غربی آن رودخانه سرخانی یا سرخانی رود (مرز بین مازندران و گیلان در عصر قاجار) که به سفید همیشه مشهور می باشد، گزارش شده است.

طول مازندران تقریبی، در خط مستقیم، ۲۷۰ کیلومتر از شرق به غرب است. عریض ترین قسمت آن در مشهدسر (بابلسر کنونی) است که پهنای آن به ۱۳۱ کیلومتر می رسد. یک سوم این منطقه جلگه و بقیه کوهستانی است و فاصله ی کوه تا دریا در نقاط مختلف متفاوت است. گیلان استان کوچکی در ایران، که شمال آن به دریای مازندران محدود است و در جنوبش، رشته کوه هایی است که آن را از عراق (عجم) جدا می کند. در مغربش آذربایجان و در مشرقش مازندران است. حد متوسط مدار آن، خیلی نزدیک به ۳۷ درجه است، طول جغرافیایی رشت، تقریبی ۴۷ درجه از نصف النهار پاریس است.

استرآباد نام کهن شهرستان کنونی گرگان در استان گلستان است. در سده های نخستین اسلامی، استرآباد مرکز ایالتی به همین نام در دوره صفویه، قاجار و اندکی پس از آن بوده است. در باب وجه تسمیه این شهر روایت های متعددی وجود دارد. به گفته ابن اسفندیار، چون خربندگان

گرگین بن میلاد در موضعی که چرا خور اسبان و استرانشان (الاغ یا خر) بود، مقام گرفتند، آن محل را استراباد به معنی جایگاه استران نامیدند. جزء اول نام این شهر را استر دانسته اند که به زعم آنان نام بانی شهر بوده و به نظر می رسد که اشاره ای به استر، برادرزاده مردخای یهودی همسر خشایارشا پادشاه هخامنشی باشد. شماری دیگر نیز واژه استر را مخفف ستاره و به معنی کوکب و ستاره گرفته اند. این شهر از دوره صفوی با القاب دارالفتح، دارالملک و سپس دارالمؤمنین خوانده شده بود. استرآباد در شمال رشته کوه البرز و جنوبی شرقی دریای مازندران واقع شده است. از غرب محدود بود به دریای مازندران و از جنوب به یک رشته ارتفاعات بلند در نواحی دامغان و بسطام و از شرق در طول جغرافیای ۵۸ درجه رودخانه آشور این منطقه را از دهستان مجزا می نماید.

### مازندران و اقلیم آن در سفرنامه ها

در سفرنامه های عصر قاجار و مسافرانی که به ایران آمده و از مناطق مختلف ایران بازدید کرده اند اطلاعات جالب توجهی به دست می رسد. برخی از این سفرنامه نویسان به ولایات شمالی ایران رفته اند و اطلاعات جالبی را یاد داشت نموده اند

بنجامین نخستین سفیر امریکا در ایران در سفرنامه خود از مازندران اینگونه آورده است :

«...در دامنه های شمالی این سلسله جبال رطوبت دریا جمع شده، ابر و مه زیادی به وجود می آورد و باران های متصل و متوالی در این مناطق می بارد. نهرها و رودخانه هایی در قسمت های مختلف جاری شده و پس از مشروب کردن اراضی ایالات شمالی به دریا می ریزند. رطوبت زیاد در کرانه های خزر و دامنه های شمالی البرز موجب سرسبزی و حاصلخیزی این مناطق شده ... راه هایی که به دریا منتهی می شود، از وسط جنگل هایی سبز و خرم که نظیر آن را در کمتر نقطه ای از جهان می توان یافت، می گذرد ...»

اراضی حاصلخیز واقع در سواحل جنوبی دریای خزر استعداد زیادی برای کشت برنج دارند... یکی دیگر از محصولات صادراتی ایران، ابریشم است. ابریشم ایران سابقه تاریخی داشته و

تجارت ابریشم این کشور دارای شهرت جهانی است. محصول ابریشم ایران ۲۲ هزار عدل<sup>۱</sup> که سهم مازندران ۲ هزار عدل بوده است. بنجامین در جای دیگر کتاب خود آورده است:

۱- واحد شمارش پنبه، پارچه و کاغذ که هر عدل معادل یک من شاهی و معادل ۶۵ پوند می باشد. (سفرنامه بنجامین).

« در شمال ایران گردو خوب عمل می آید و یکی از اقلام صادراتی ایران را تشکیل می دهد ... در جنگل های زیبا و پرشکوه شمال که من از آنها عبور کردم، انواع مختلف درختان از قبیل نارون، چنار، گردو، انار، بلوط، افاقیا، توت وجود دارد، چوب درختان جنگلی ایران هر ساله به مقدار زیاد به روسیه صادر می شود».

لسترنج نیز در مورد مازندران در کتاب خود گفته است:

«منطقه کوههای مرتفع، که قسمت عمده آن از جبال البرز واقع در امتداد ساحل جنوبی دریای مازندران تشکیل می شود و در خاور و شمال قومس، نزد جغرافی نویسان قدیم عرب به نام طبرستان معروف بود. کلمه "طبر" در زبان بومی به معنی کوه و بنابراین طبرستان به معنی کوهستانی است».

برای مثال رایینو در سفرنامه خود در مورد اقلیم مازندران چنین آورده است:

« از لحاظ جغرافیایی این ایالت را می توان به دو منطقه متمایز تقسیم کرد. یکی جلگه های پر درخت که اراضی آن پست و باتلاقی و غیرقابل عبور است ... دیگر ارتفاعات و جبال مشجری است که در قسمت شمالی البرز وجود دارند ... هوای آن بسیار متغیر است و از روی میزانی طبیعی به فصل های مرطوب یا خشک و یا سرد و گرم تقسیم نشده است ... میزان بارندگی در این ایالت ۵ برابر جنوب ایران است و از ماه دسامبر تا آوریل (آذر تا اردیبهشت) پر باران ترین و سرد ترین ماه ها است ...». «می گویند در سراسر این ایالت بین دامنه تپه ها و دریا دهات پرجمعیت و بزرگ است که در میان جنگل ها واقع و اطراف آن ها را کشتزارهایی فرا گرفته اند که قسمت عمده اش برنج کاری است، چون آب و هوای مازندران برای کشت آن بسیار مساعد است».

با مطالعه این اطلاعات و آگاهی های می توان فهمید که مازندران در عصر قاجار چه ویژگی هایی داشته و درارای چه خصوصیتی بوده است. البته باید توجه داشت برخی از نوشته های

سفرنامه نویسان از ایران (مازندران) حاصل نگاه و دیدگاه آنان در فرهنگ زندگی خودشان در سرزمینشان است و به دلیل ناآشنایی با فرهنگ ایران شاید، عملی را ناپسند و عجیب (مانند عزاداری در ماه محرم) بدانند و این موضوعات دلیلی بر درستی تمامی گفته ها نوشته های آنان از ایران نیست، ولی می توان با برداشتی درست و واقع بینانه به اطلاعات ارزشمندی دست یافت.

### **ماهگیری در دریای مازندران از ابتدا تا روی کار آمدن قاجارها**

واژه شیلات که از شیل (shil) گیلکی گرفته شده، در فرهنگ معین به معنی «آب بندی است که در پهنای رودخانه ها برای صید ماهی با چوب می سازند.» جهانگیر سرتیپ پور این واژه را به گونه دیگر تعریف می کند، وی شیل را دیواره ای می داند که بر گذرگاه ماهگیری سازند. ولی محمد پاینده، شیل را چنین توصیف می کند:

هر چند واژه شیلات ترکیبی نادرست از «شیل» گیلکی و «ات» علامت جمع عربی هست، نامی است که بر مجموع دستگاه های "صید" و "توزیع" و "فروش" ماهی در دریای مازندران نهاده شده است. مراکز عمده شیلات ایران عبارتند از: آستارا، بندرانزلی، حسن کیاده، مشهدسر (بابلسر)، خواجه نفس، خلیج گرگان (در مصب رود قره سو) و گمش تپه.

یکی از منابع ثروت هر کشوری که دسترسی به آب های گرم دارد، انواع و اقسام ماهیانی است که در مجاورت سواحل آن کشور بسر می برند. در زمان های قدیم حق صید ماهی تابع هیچ گونه قوانین و حد و حدود ثابت و مشخصی نبود. بلکه بعدها فواصلی از سواحل هر کشور را به عنوان حق انحصاری صید ماهی به رسمیت شناختند و در بقیه مکان ها این حق، به تشکیلات و امکانات کشورها و شرکت های صید کننده بستگی داشت. درآمد عمده بعضی از کشورها از همین منبع تأمین می شد و در برخی از کشورها نقش و اهمیت کمتری دارا می باشد. در ایران منابع غذایی بدست آمده از ماهی، اهمیت ویژه ای در زندگی مردم شمال کشور ایفا می کرده است.

پیشینه بهره برداری از آبزیان سواحل دریاهای ایران (دریای مازندران، خلیج فارس و دریای مکران) و اقیانوس هند، به انسان های ماقبل تاریخ و غارنشین می رسد که تاریخ آن بیش از ۱۰

هزار سال پیش از میلاد مسیح تجاوز می کند. ولی آنچه از نظر مقررات دولتی و نظارت قوانین کشوری در مورد شیلات ایران (شمال) در دست هست، مربوط به زمان طاهریان است.

بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب، معروف به "ابن اسفندیار"، در "تاریخ طبرستان" خود صورتی از خراج طبرستان هنگام سلطنت طاهریان نوشته که جمع آن بالغ بر ۱۳/۶۳۰/۰۰۰ درهم است. از این مبلغ، درآمد مربوط به مرغ و ماهی دریا و ادویه به ۱/۳۰۰/۰۰۰ درهم می رسد. در هنگام خلافت عباسیان مالیات به گونه های مختلف علاوه بر خمس و زکات از مردم گرفته می شد که یکی از انواع آن، کلیات ماهیگیری بوده است.

گیلان و مازندران در پناه کوه های البرز حتی پس از تمکین از خلفای عباسی، جدا از مرکز به صورت مستقل یا نیمه مستقل اداره می شدند. از این رو، به مرکز خلافت مالیاتی نمی پرداختند. بنابراین، مالیات ماهیگیری و شیلات در نهایت، عاید امیران و سرکردگان محلی می شد. در طول تاریخ، از زوال دولت ساسانی تا استقرار سلطنت صفویان، گیلان فقط دوبار، در زمان مغولان از مرکز تبعیت نمود که هر بار مدتی کوتاه بود و درآمد استان یکجا به خزانه حاکمان مغول فرستاده می شد که نامی از درآمد و مالیات شیلات در بین نبوده است.

بعد از اینکه صفویان، گیلان و مازندران را تابع مرکز کردند، درآمد شیلات نیز قهراً به خزانه مرکزی وارد گشت. در زمان حکومت صفویان درآمد محل از صورت کالایی بیرون آمد و به صورت نقد به پایتخت فرستاده می شد. در دوره صفویه به ویژه در زمان شاه عباس کبیر، ایران در مجموع رونق و آبادانی بسیار یافت. اما گیلان و مازندران دچار ویرانی شد و اجاره شیلات در این زمان به حدی بود که مستأجران را ورشکسته می کرد.

"آدام اولتاریوس" دانشمند و سیاح آلمانی در سال (۱۰۱۴ق/۱۶۳۵م) در رأس هیئت اعزامی "دوک هلشتاین"<sup>۲</sup> از طریق گیلان و مازندران و سواحل دریای مازندران، در مورد صید ماهی و اهمیت آن در ایران می نویسد:



« از آنجایی که دریای مازندران دارای ماهی فراوان است، رودخانه های منتهی به آن به ماهیگیران اجاره داده

۱-Adaem uoliaruic.

۲-Douk heleshatian.

می شود و از این رهگذر برای پادشاه ثروت بسیار می آید. گاهی اوقات صیادان ستم ها می بینند و زیان بسیار متحمل می شوند. زمانی که من در شهر کسکر<sup>۱</sup> بودم، مردی به نام شمسی که برای اجاره بهاء پنج رودخانه می بایست هشت هزار تالیر<sup>۲</sup> بپردازد، به علت محدودیت صید در آن سال مجبور شد که دو هزار تالیر نیز ضرر کند.» پس از تهاجم افغان ها و آشفستگی و هرج و مرج در اوضاع و احوال کشور، به تبع شمال کشور نیز دچار ویرانی شده و درآمدی حاصل دولت نمی گشت. حضور روس ها به رهبری پتر کبیر و اشغال شمال ایران و سپس خروج آن ها و آمدن نادرشاه کمی اوضاع را بهتر کرد. آوردن شخصی به نام کاپیتان جان التون<sup>۳</sup> انگلیسی (معروف به جمال بیگ)<sup>۴</sup> و دستور ساخت چند کشتی جنگی به ایشان می توانست وضعیت صیادی را بهتر کند ولی با مرگ نادر شاه و همینطور مرگ جان التون (شاید قتل ایشان) این اتفاق نیفتاد و شمال ایران کماکان به شکل سابق بود در دوره زندیه نیز به همان منوال سابق در دوره های قبل بود و اوضاع و احوال ماهیگیری تا روی کار آمدن قاجارها بدان گونه بود که سابقاً بود.

### شیلات و ماهیگیری در زندگی روزانه مردم مازندران

هر منطقه از ایران فرهنگ غذایی خاص خود را داشته و فرهنگ غذایی ایرانیان در هم تنیده با مسائل و دیدگاه های اجتماعی و فرهنگی و باورها بوده است و رویکردی ساده به سیر کردن شکم نبوده است. با وجود دریای مازندران، به طور طبیعی محصولات دریایی در ولایات مازندران و گیلان طرفدار داشته و در سفره مردم این ولایات بوده است، ولی با توجه به اعتقادات مذهبی مردم در مصرف برخی از ماهی ها مانند خاویار محدودیت به خرج می دادند چنانکه در گزارش پولاک اینگونه آمده است: «از انواع ماهی، تنها آن هایی مصرف می شدند که فلس،

باله و اسکلت استخوانی داشتند.» مکنزی نیز گفته: «در چالوس مازندران مقداری زیادی ماهی حرام نیز وجود داشت ولی مسلمانان آنان را نمی خوردند چون فلس نداشتند.» ماهی در والیات

۱- Kesker یا گسکر ناحیه ای در شمال که اکنون به «گسکر محله» معروف است.

۲- تالیر (taler) نام یک سکه نقره ای بزرگ (آلمانی) است که در قرون شانزدهم تا نوزدهم نقش مهمی در گردش پول در اروپا و تجارت بین المللی ایفا می کرد.

۳- Captain John Elton.

گیلان و مازندران، با قدری برنج غذای منحصر به فرد اهالی به شمار می رفت. در این نواحی ماهی را نمک سود کرده و دود می دادند. از انواع خرچنگ فقط یک نوع کوچک را نمک سود و خشک می کردند. آن را از خلیج فارس بدست می آوردند و در می گساری ها مصرف می کردند تا بر لذت شراب خوری بی افزاید و به آن میگو می گفتند. در جزیره ی آشوراده صید ماهی خاویار رواج بسیار داشته و گزارش بروگش نشان می دهد که ایرانیان خاویار را از این ماهی به دست می آوردند و آن را دور نمی ریختند و و به عنوان نوعی خوراک از آن استفاده می کردند.

اوژن اوپن نحوه صید خاویار را چنین بیان می کند:

«آن روز یکی از کشتی ها بادبانش را برافراشته بود و بعد از دخول در محوطه مصب رودخانه در امتداد بارانداز پیش می رفت. ماهیان صید شده را که از جمله چهار ماهی اوزون برون بسیار بزرگی نیز میان آن ها بود به کنار ساحل انداخت. کارگران شیلات بدون درنگ تخم های خاویار آن ها را که رنگ قهوه ای داشتند بیرون کشیدند و آن ها را شسته و از الک گذراندند. بعد کارگری با ضربه تبر، سر ماهیان را شکافت، شکمشان را باز کرد استخوان های وسطی را خرد نمود و از میان آن ها مغزشان را بیرون آورده آنگاه ماهیان مهیا بودند، که نمک سود شده و به حاجی طرخان حمل کردند.»

## اوضاع اقتصادی (معیشتی) و اجتماعی مازندران

اوضاع معیشتی مردم در نقاط مختلف ایالات ایران با یکدیگر متفاوت بود. به نظر داری تاد<sup>۱</sup> مازندران بسیار خوش و خرم و آباد بود. او قریه اسک را مکانی آباد، معتبر و معمور (آباد) مشاهده کرد و یا بارفروش (بابل) را شهر بزرگ و آباد و محله های مابین بارفروش و آمل را محله های مرغوب و معتبر توصیف نمود. سرنا در زندگی مردم روستاهای بین مشهدسر و بارفروش، آسایش و اعتدالی مشاهده کرده و گشادگی و تنعم خانه کدخدای یکی از روستاهای همین مسیر، توجه او را جلب نموده بود. از نگاه لاوات<sup>۲</sup> اهالی روستای ایراه {در مسیر اسک به لاسیم} بسیار با مکتب بودند. همه آن ها لباس های نو و تمیز در بر داشتند و هیچ یک از آنان حاضر نشدند در ازای دریافت پنج قران، راهنمایی آن ها را بپذیرد. به عقیده لاوت رعایای مملکت ایران آسوده و نیک بخت بودند و اگر در بعضی دهات رعیت فقیر و بی چیز بودند، یا یک بلای طبیعی بر آن ها نازل شده است، یا به واسطه آن بود که حاکم ظالمی داشتند.

ابوت در مسیر جاده هراز، روستاییانی را مشاهده کرده بود که ظاهر غم انگیزی داشتند و بسیار فقیر به نظر می رسیدند. اما وضع عمومی مردم در روستاهای پرنعمت رینه و اسک و نوا خوب به نظر می رسید. به گفته بروگش<sup>۳</sup> در روستاهای مسیر فیروزکوه در حوالی گدوک، مردم غالباً فقیر بودند و فروش برنج مخارج آن ها را تأمین نمی کرد. با این وجود، سر و وضع آن ها تمیز بود و افراد خوش برخوردی بودند. به نظر مکتزی مردم نواحی شرق مازندران نسبت به غرب این ایالت فقیر تر بودند و علت آن احتمالاً حملات مداوم تر کمانان و ناامنی های این بخش از ایالت بود.

مردمی که در منطقه حاشیه دریای مازندران زندگی می کردند نسبت به ساکنان دیگر مناطق ایران از رفاه و سطح زندگی مطلوب تری برخوردار بودند، که علت آن وضعیت آب و هوایی مطلوب و داشتن شرایط مساعد برای زندگی کشاورزی و دامپروری بود. در این باره کلنل لاوات می گوید:

«از دهات عرض راه که ما از آن ها عبور کردیم این مطلب را دقت کردیم و دیدیم که رعیت

۱- Elliott Darcy Todd.

۲- Bresford Lavat.

۳- Heinrich Karl Brugsch.

های این دهات لباس خوب داشتند و همه سیمین و فربه بودند و این فقره بدلیل آنست که رعایای مملکت ایران آسوده و نیک بخت و متمول هستند. اگر در بعضی دهات رعیت فقیر و بی چیز باشند بلاشک یک سبب خارق العاده دارد، یا آنکه به واسطه آنست که حاکم ظالمی داشته اند»

ابوت در گزارشش از دومین دیدار خود از دریای مازندران در سال ۱۸۴۸-۱۸۴۷ نوشته بود که:

«صید سگ ماهی در دهانه رود تجن در نزدیکی ساری، هنوز توسط یکی از ارمینیان روسی انجام می شود که من او را در سال ۱۸۴۴ م در آنجا دیدم هرچند که مدت اجاره ای که قبلا به او واگذار شده بود، منقضی شده است. گمان می کنم که او در قبال آن سالانه ۲۴۰ تومان تأدیه می کند و حدود ۱۶۰ تومان هم اضافی بخاطر صید ماهی در رودخانه های هراز، بابل، تالار و دو یا سه نهر مجاور دیگر پرداخت می نماید گفته می شود که محصول آن در بازار آستاراخان به ۸۰۰۰ تومان می رسد که از آن بایستی هزینه گزافی هم کسر شود»

ترکمنان در قسمت شرقی آسترآباد، اغلب، به طور قاجاق به صید ماهی می پرداختند و خاویار آن را به قیمت بالایی می فروختند و درآمد بسیار خوبی از این راه به دست می آوردند. صید خاویار ایران در انحصار بازرگانان روسیه بود. و خاویار را به حاجی طرخان و استامبول می فرستادند.

یکی دیگر از منابع درآمد مردم در ولایات جنوبی دریای مازندران، شکار پرندگان و حیوانات جنگلی یا غیر اهلی و مرغان دریایی بوده است. کرزن طی گزارش مشروحی در این باره گفته

است:

« حیوانات وحشی در این منطقه فراوانند چنان که در جنگل های کوهستانی و دامنه های آن، ببر خیلی درشت دارد که مایه ی وحشت گله و رمه است، ولی به انسان حمله نمی کند. بیوزپلنگ، گرگ، خرس، خوک وحشی، شغال، انواع آهو و بز وحشی از حیوانات عمده ی شکاری هستند. قرقاول و ایبا در بین پرندگان شکاری در مرداب ها و آب های کم عمق دریا، و دسته های مرغابی و مرغ های نوک دراز و ماکیان دیده می شد.»

کارلاسرنا از شکار اردک و پرندگان دیگر، از جمله قرقاول، در مرداب انزلی سخن به میان می آورد، به نظر می رسد منظور او از اردک، مرغابی بود. او از صادرات گوشت و پر این پرنده به روسیه، به قیمتی نازل، جفتی چهل سانتیم، سخن گفته است، هر سانتیم معادل یک صدم فرانک بود.

اکثریت ساکنان مشهدسر ماهیگیر و کشاورز بودند. رود بابل که مشهدسر را آبیاری می کرد ماهی بسیار داشت. هنگامی که دریا متلاطم بود، مصب رودخانه که در دریای مازندران بود بسیار صعب العبور می گشت. ماهیگیری در همه شیلات آن رودخانه در اجاره آرامنه بود. ماهی ها را در مشهدسر نمک سود می کردند و از طریق هشرخان به روسیه می فرستادند. زورق های ماهیگیران شکلی کاملاً محلی داشت و کوچک و باریک بود. ماهیگیران هنگام کار می ایستادند و تورهای خود را در آب می افکندند. این قایق ها کولاز نامیده می شدند.

در ساری گاهی از رودخانه (تجن) ماهی گرفته و برای فروش به بازار می آوردند. یک نوع ماهی بود که در آن شهر آن را کفور (کپور) می نامیدند. ماهی سفید از آن بهتر بود ولی به خوبی ماهی رشت نبود. فروش ماهی نمک سود یکی از راه های تأمین درآمد مردم فرح آباد نیز به شمار می رفت. فرح آباد به علت ماهیگیری در آن که به مبلغ ۵۰۰ تومان اجاره داده می شد، شهرت داشت. ماهیگیران روسی از حاجی ترخان به آن جا می آمدند و به ماهیگیری اشتغال داشتند. در کرانه دریا در سمت راست تجن، ایستگاه ماهیگیری «واتاگا» با یک انبار برای نگهداری ماهی ها وجود داشت. رودخانه بابل که از سوادکوه سرچشمه می گرفت ماهیان حلال زیادی داشت و

امتیاز صید آن را به مبلغ ۲۰۰ تومان اجاره داده بودند. ماهیگیران محلی تقریباً صد نفر بودند و هر کدام سالیانه دو تومان و پنج قران بابت اجاره ماهیگیری می پرداختند. به غیر از ماهی حلال، مقدار زیادی استروژن هم صید می شد. شخصی به نام سهراب خان امتیاز ماهیگیری سرخ رود را گرفته بود و انواع ماهی هایی که مسلمانان می خوردند را صید می کرد و ماهی خاویار را هم برای مصرف بازار روسیه نگه می داشت. این شخص امتیاز ماهیگیری از تنکابن تا گرگان را از عمیدالملک، حاکم گیلانات اجاره کرده بود و سالیانه ۲۳۵۰ تومان به او پرداخت می کرد و حاکم در عوض سالیانه ۳۴۰۰۰ به علاوه ۳۰۰۰ تومان به دولت شاه پیشکش می پرداخت و حتماً شصت هزار تومان از فروش خاویار و غیره استفاده می کرد و در این معامله بهره ای به دست می آورد. رودخانه تجن نیز از جمله رودهایی بود که در اجاره سهراب خان بود. سمت چپ این رودخانه محل ماهیگیری روس ها کمک می کردند و منتظر بودند که روس ها بیایند. در سال تقریباً چهار کشتی به فرح آباد می آمد و حساب می کردند که سالیانه ۱۵۰۰۰ پوند ماهی شور و ۱۰۰ پوند خاویار و ۲۰ الی ۳۰ ورقه میکا از آن جا به دست می آید. میرزا ابراهیم نام «سهراب خان» را در سفرنامه خویش به صورت «میر ابوتراب خان» درج نموده و آورده است که این شخص صاحب به نام دالگا در نزدیکی دریای فرح آباد بود که انبار نمک و قصاب خانه و اشپل ساز خانه و انبار پیرپاس در آن جا قرار داشت.

## **فصل سوم:**

# **روند واگذاری امتیاز صیادی**

## پیشینه روابط تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار

همزمان با اضمحلال قدرت و عظمت سلسله صفویه در ایران، امپراتوری جدیدی به رهبری پتر کبیر در مرزهای شمالی کشور ایران ظهور کرد که تسخیر ایران و رسیدن به خلیج فارس جزئی از نقشه های جهانگیرانه وی بود. قبل از پتر کبیر، مناسبات ایران و روسیه بیشتر جنبه تجارتی داشت. سفرایی که روس ها به ایران می فرستادند، بازرگانان عمده بودند که عنوان سفیر یافته بودند تا از قیود و مقررات آزاد باشند و اعزام نخستین سفیر کبیر روسیه مربوط به سال ۱۵۶۱/ق ۹۶۸م می باشد. سفیر کبیر هم نماینده ژان چهارم بود و هم نماینده الیزابت ملکه انگلستان، این سفارت نخستین عمل مشترک انگلیس و روسیه در ایران بود.

حکومت روسیه که به مدد مرز مشترک آبی و خاکی و اهمیت و اعتبار خاص تجارت با ایران، به هر طریق می کوشید خود را به ایران نزدیک کند. از طرفی شوق رسیدن به آب های گرم خلیج فارس که از مسائل مورد علاقه حاکمان این کشور بود، باعث شد نفوذ به ایران، جزئی از نقشه «پتر کبیر» باشد.

در دوره فتحعلی شاه و همزمان با حکومت الکساندر اول (جانشین پل اول) به علت ضعف و بی اطلاعی حکومت ایران، سیسیانف<sup>۱</sup> ژنرال روس، در سال ۱۲۱۷/ق ۱۸۰۲م به منظور تصرف قفقاز در نواحی گرجستان و در راستای وصیت نامه پتر، به ایران حمله کرد که سرآغاز جنگ های دوره اول ایران و روس گردید. سرانجام پس از ده سال جنگ و درگیری، در تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۲۸/ق ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳م پس از مذاکراتی که با حضور سفیر انگلیس سر گور اوزلی<sup>۲</sup>، میرزا



ابوالحسن خان ایلچی و نیکولا رتیسچوف<sup>۳</sup> (نماینده روسیه) در گلستان از توابع قراباغ صورت گرفت. در ۱۱ فصل و مقدمه نوشته شد که مواد ۹، ۸، ۵ و ۱۰ آن مربوط به امور بازرگانی بوده: فصل پنجم: کشتی های دو طرف اجازه خواهند داشت به سواحل یکدیگر در دریای مازندران نزدیک شده و تردد نمایند.

---

۱-sissianov.

۲-Sir Gore Ouseley.

۳-Nikolai Retischov.

فصل هشتم: تجار دو دولت اجازه خواهند داشت که بدون هیچ مانعی به امر تجارت پردازند. فصل نهم: باج و گمرک اموال تجار دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران می روند، از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک ولایت گرفته، از آنجا با اموال مذکور به هر ولایت ایران که بروند، دیگر چیزی مطالبه نگردد، به همین نحو باج و گمرک تجار ایران که به بنادر ممالک روسیه می برند، اختلافی به هیچ وجه نداشته باشند.

فصل دهم: بعد از انتقال اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به سرزمین طرفین به تجار طرفین اجازه داده شد که اموال خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده، دیگر از مسئولین گمرک انتظار می رود که ملاحظه نمایند تا معطلی و تأخیر در تجارت وقوع نیابد.

جنگ های دوره دوم ایران و روسیه، مدت بیست ماه به درازا کشید که در ۵ شعبان ۱۲۴۳ق/ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸م معاهده "ترکمنچای" بر ایران تحمیل شد. بر اساس این معاهده، ایران می بایست علاوه بر از دست دادن بخش هایی از قلمروش (ایروان و نخجوان)، مبلغ ده کرور طلا (پنج میلیون تومان) یا بیست میلیون روبل به عنوان غرامت جنگی به روسیه می پرداخت. در این عهدنامه به مسئله تجارت و بازرگانی اهمیت ویژه ای داده شد. عهدنامه تجاری منضم به عهدنامه ترکمنچای به این گونه است:

۱- آزادی تجار هر دو کشور برای تجارت ۲- دریافت پنج درصد حق گمرک از دو طرف ۳- اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگری در جنگ باشد، تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهند بود که از امتعهٔ خود را به آن مملکت ثالث ببرند ۴- تبعهٔ روس حق دارند در ایران خانه برای سکنی و انبار برای وضع امتعه، به اجاره یا کلیت بگیرند و متعلقان دولت ایران نمی‌توانند عتفاً به آن مکان‌ها وارد شوند، مگر با اجازهٔ کنسول یا وکیل روسیه که ایشان در وقت ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشند.....

از مهمترین نتایج عهدنامهٔ ترکمنچای برای ایران این بود که ایران، در اثر امضای این معاهده با روسها به صورت دولت نیمه مستقلی درآمد و مجبور به قبول دخالت‌های کشورهای اروپایی در امور داخلی خود شد و از لحاظ اعتبار و شخصیت سیاسی تنزل کرد. از این دوره به بعد، دیگر به عنوان یک کشور مستقل به حساب نمی‌آمد و از امتیازات استقلال بی‌بهره ماند. علاوه بر این، به میدان رقابت‌های اقتصادی کشورهای اروپایی تبدیل شد و روسیه به وسیله این عهدنامه جای پای محکمی برای هدف‌های آتی خود به دست آورد.

بعد از حکومت فتحعلی شاه، در دورهٔ سلطنت محمد شاه، دولت روسیه برای بدست آوردن پایگاه‌های نظامی در دریای مازندران، دولت ایران را تحت فشار قرار داد. دولت روسیه از ایران می‌خواست که به کشتی‌های جنگی آن‌ها اجازه داده شود تا در مرداب انزلی لنگر اندازند و همچنین شیلات و صید ماهی در دریای مازندران را به اتباع روسیه واگذار کند. سرانجام روس‌ها توانستند در هسترخان (آستراخان) در ورودی رود ولگا، پایگاه دریایی ایجاد کرده و دریای مازندران و ساکنان اطراف آن را سخت زیر نظر بگیرند. آن‌ها همچنین توانستند جزیره آشوراده را از دست ایران بیرون آورده و به پایگاه نظامی خود تبدیل کنند.

در چنین اوضاع و احوالی، سرمایه‌داران و ماهی‌گیران روسیه که از دیرباز به جنوب دریای مازندران رفت و آمد داشتند، آزادی بیشتری بدست آوردند. از یادداشت‌های رابینو، کنسول بریتانیا در رشت، چنین بر می‌آید که در آغاز، ماهیگیران روسی به مناطقی همچون

«نوارود»، «گرگان رود»، «سفیدرود» می آمدند و با دادن هدایای ناچیز و بی ارزشی مانند پوست های خز و سنجاب و غیره به حاکمان و فرمانداران محلی، اجازه ماهیگیری می گرفتند.

هولمز<sup>۱</sup> که در حدود سال ۱۲۵۹ق / ۱۸۴۴م و در زمان سلطنت محمد شاه از ایران دیدن کرده، در شرحی در کتاب «کلیاتی درباره کرانه های دریای مازندران»، اوضاع ماهیگیری در سواحل دریای مازندران را چنین توصیف می کند:

---

۱- William Richard Holms.

«عده اتباع روس که به طور دائم در این محل (لنگرود و سفیدرود) تجمع داشته و صید ماهی می کنند، بسیار معدود است، چنانکه کلبه های این آبادی روی هم رفته از سی عدد تجاوز نمی کند و در سراسر آن فقط شش یا هفت انبار با سقف های بوریایی وجود دارد. در خلال ماه های فوریه و مارس و آوریل که فصل صید ماهی اوزون برون در حدود ۳۰۰ نفر روس برای کمک به کار ماهیگیری از هسترخان به ساکنان این آبادی می پیوندند. در آغاز ماه فوریه (هفته دوم بهمن ماه) تعداد ماهیانی که روزانه صید می شود، به ۲۰۰۰ عدد می رسد و سرانجام در خلال آوریل روزانه از ۳۵۰۰ تا ۳۸۰۰ عدد ماهی شکار می کنند. بر روی هم رفته، بیشترین ماهی را در حدود پانزده روز پیش از طغیان آب سفیدرود می گیرند. به گفته هولمز، مسئول شیلات در اواخر سلطنت فتحعلی شاه و اوایل سلطنت محمدشاه، میرابوطالب نامی بود که به علل گوناگون از جمله مدعی فقدان تأمین مالی و جانی تبعه روس شده بود. بر طبق برآورد این جهانگرد، نزدیک به سه هزار تومان در سال به دولت ایران حق امتیاز می داد.»

طبق گزارش چالز فرانسیس مکنزی، ماهیگیری در سواحل جنوبی دریای مازندران تا زمان حکومت محمد شاه قاجار، تابع هیچ گونه مقرراتی نبوده و صیادان و در کار خود کاملاً آزاد بودند. وی که در سال ۱۳۶۴-۵ ق / ۱۸۵۶-۷م به ایران سفر کرده، وضعیت ماهیگیری در سواحل ایرانی دریای مازندران را چنین توصیف می کند:

«در سرخ رود، سرحد بین آمل. بارفروش (بابل)، اجاره ماهیگیری ۲۰ تومان است. شخصی به نام سهراب خان امتیاز ماهی سرخ رود را گرفته و انواع ماهیانی که مسلمانان می خورند، صید می کند و ماهی خاویار را برای مصرف روسیه نگاه می دارد. این شخص امتیاز ماهیگیری از تنکابن

تا گرگان رود را دارد و سالیانه مبلغ ۲۳۵۰ تومان به حاکم می پردازد. بنابر نوشته وی، تعداد ماهیگیران روسی در دریای مازندران ۱۰۰۰ نفر می باشد و ایرانیان در تهیه خاویار از آنان کمک می گرفتند. قیمت خاویار در سال ۱۸۹۵م در آستاراخان هر پوند (۰/۴۵۳۶ کیلوگرم) ۱۱ تا ۱۲ روبل نقره بود.»

علاوه بر اجاره داران ایرانی، در زمان سلطنت فتحعلی شاه چند تن از اتباع روسیه تزاری، برخی با اجازه و عده ای بی اجازه دولت، در آب های ایرانی دریای مازندران ماهیگیری می کردند که معروف ترین آن ها عبارت بودند از: کفتانیکوف قراسیموف، عنایت ترکمن، میرابوطالب دریاییگی و استپان سوجایف.

### شیلات ایران در زمان حاج میرزا آقاسی

از نخستین کسانی که امتیاز شیلات دریای مازندران را دریافت کرد، حاج میرباقر و فرزندان وی که گیلانی الاصل بوده و برای تجارت به قفقاز می رفتند. بعد از جنگ های ایران و روس و عقد معاهده ترکمچای، حاج میرباقر به تابعیت روس درآمد و پس از مرگش، فرزندان و نوه های وی نیز مانند پدر به اجاره داری شیلات دریای مازندران روی آوردند. از وراثت حاجی میرباقر بعضی مانند میر ابوطالب، به تابعیت روسیه باقی ماندند و بعضی دیگر مانند میرزا اسماعیل و میرزا صادق تبعیت ایران را پذیرفتند.

اگر اجاره دار عمده شیلات تبعه ایران بود، نمی توانست بدون مساعدت و جلب نظر دولت روسیه از عمل خود نتیجه ای بگیرد. بدین جهت، همیشه اجاره داران ایرانی و مباشرین شیلات، به دولت ایران متوسل می شدند تا از طرق سیاسی، همراهی و کمک دولت روسیه را نسبت به خود جلب نمایند. چرا که نفوذ دولت روسیه در هیأت حاکمه ای ایران به حدی بود که اگر یک کارگزار مورد قبول آنها نبود، او را برکنار می کردند و یا اگر حاکمی برای آن ها نامقبول می نمود، برای وی جانشین می گذاردند.

یکی از ورقه هایی که در پرونده شیلات ایران در وزارت خارجه دیده می شود، مربوط به اجاره نامه ای است که به نام حاجی میرابوطالب خان گیلانی در سال ۱۲۵۲ق/۱۸۴۲م به مبلغ دو هزار

تومان تنظیم شده است. حاجی میرابوطالب خان چون از اتباع روسیه بود، توانست با کشتی باری خود با نام موسم (باد) اصفهان در سواحل روسیه پهلو بگیرد. در حالی که اگر تبعه ایران بود، از کشتیرانی در دریای مازندران محروم می شد. وی در ادامه چندین کشتی تجاری به نام های "تاتار"، "کاسپین"، "ترکمن" و "شاهنشاه" خرید و بر ناوگان حمل و نقل خود افزود و برای اینکه موجبات صید را به لحاظ وجود کارگر متخصص تأمین نماید، تعدادی از اهالی سالیان و لنکران را که به کار ماهیگیری آشنایی داشتند، به ایران کوچ داد.

اتباع روسیه در ایران دو گروه بودند، گروه اول که روسی الاصل و دسته دوم ایرانیان تابع روسیه، دسته اول به «روسان» و دسته دوم به «نو روسان» معروف شدند. سفارت روسیه همواره از این دو دسته به زیان اجاره داران ایرانی حمایت، اما در اختلافات این دو دسته بیشتر اوقات از روسان جانبداری می کرد.

اولین صدر اعظمی که با اجاره دادن شیلات دریای مازندران به روسیه مخالفت کرد "حاج میرزا آقاسی" بود. وی در تلاش بود تا آنجایی که امکان دارد از واگذاری شیلات به اتباع روسیه جلوگیری نماید. بدین سبب به حکام نواحی شمال ایران دستور داد که بدون اجازه او منطقه ای از شیلات را به اتباع روسیه اجاره ندهند، هنگامی که وی شنید اسماعیل خان میرزا آقاسی، مأمور دولت در استرآباد، شیلات استرآباد را به بازرگانان روسی واگذار نموده، سخت بر آشفت و نامه تند و سرزنش آمیزی به او نوشت و گفت:

«حکایت تازه شنیدم، خیلی به نظرم غریب آمد. از استرآباد روزنامه نوشته بودند که آقاسی نام آدم تو، شیلات استرآباد را به تجار روسی اجاره داده است. اگر این حکایت راست باشد، خدا می داند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد. در عوض این مدت مرا نیز نشناخته باشی، خیلی بعید است. من جهد دارم سایر شیلات را هم از دولت بهییه روسیه بگیرم. آدم تو برمی دارد شیلاتی که در دست ماست، به تجار روس اجاره می دهد. مجلاً می نویسم اگر این کیفیت اصل دارد، به ورود نوشته، آدمی بفرست آن آدمت که آقاسی نام دارد، از سر شیلات استرآباد (گرگان) بردارند و کس دیگر را مباشر این امر بکن که شیلات را از دست تجار روس بگیرد و دست

خودش باشد. اگر در حقیقت حرف بیجا و بی پای است، بنویس که مستحضر باشم. البته به زودی شرح این فقره را نوشته بفرست، تا بدانم، باقی والسلام»

حاجی میرزا آقاسی در ۱۲۵۲ق/۱۸۳۶م، طی نامه ای به وزیر مختار روسیه، هرگونه واگذاری و اجاره شیلات ایران را به اتباع روسیه بدون اجازه اولیای دولت را باطل می داند. وی برای تحکیم این فرمان شخصاً تمام شیلات را از محمدمشاه اجاره کرد و از آن به بعد سعی نمود در صورت پایان یافتن مدت اجاره، اتباع روسیه آن را تمدید نکند.

مقاومت حاجی میرزا آقاسی در مقابل دولت روسیه موجب گردید که دولت روسیه بر اساس نفوذ سیاسی خویش در ایران، اعمال قدرت نماید و هر وقت بین دولت ایران و مستأجرین شیلات تابع روسیه اختلافی پیش می آمد، به شدت از دعاوی اتباع خود پشتیبانی می کرد. سرانجام حاجی میرزا آقاسی به آخرین سنگر عقب نشینی رفت و چون دید نمی تواند کاری از پیش ببرد، چشم از استقلال شیلات و کوتاه ساختن دست دولت روسیه بست و اجازه بهره برداری از ماهیان سواحل دریای مازندران را در مقابل اجاره بهای سالیانه ۶۵۰۰ تومان به یکی از اتباع روسیه به نام «عبدل» واگذار نمود.

### شیلات در زمان صدارت امیرکبیر

ناصرالدین میرزا ولیعهد و جانشین محمدمشاه، پس از فوت پدر در سال ۱۲۶۴ق/۱۸۴۸م به کمک میرزاتقی خان امیرنظام، از تبریز به تهران آمده و در ۲۲ ذی القعدة ۱۲۶۴ق به عنوان ناصرالدین شاه قاجار بر مسند قدرت تکیه زد. وی، امیر نظام را به سبب لیاقت و کاردانی اش با لقب اتابک اعظم به صدارت برگزید.

میرزاتقی خان چندی بعد مفتخر به دریافت لقب "امیرکبیر" گشت.

یکی از کارهای مهم امیرکبیر در طول سه سال صدراعظمی خود، جلوگیری از توسعه نفوذ و کوتاه ساختن دست بیگانگان، از امور داخلی مملکت ایران بود. بعد از شکست های ایران از روسیه، نفوذ نمایندگان روس و انگلیس به قدری در ایران زیاد شده بود که کمتر کاری بدون

اجازه و صواب دید آنان انجام می گرفت. این نفوذ تنها در مسائل سیاسی مشهود نبود، بلکه نمایندگان مزبور در امور شخصی افراد ایرانی نیز دخالت می کردند. شاه و وزرا باید میل و اراده وزیر مختار روسیه را مانند وحی منزل و قانون جاری، محترم و مطاع می شناختند تا آن جا که اگر وزیری تحت حمایت ایشان قرار می گرفت، اگر مرتکب خلافی می شد، از تعرض دور بود و اگر برخلاف نظر آنان عمل می کرد، هیچ گاه در کارش پیشرفت نمی کرد و دیر یا زود باید مقام خود را ترک می گفت یا باید از جان و مال خود دست می شست. سروسامان دادن به وضعیت شیلات دریای مازندران و جلوگیری از دخالت نمایندگان سیاسی و کنسولی روسیه در آن، از مواردی بود که امیر کبیر توجه ویژه ای به آن نشان می داد.

در آغاز دورهٔ صدارت امیر کبیر، شیلات در دست "عبدل" نامی از اتباع روسیه بود. امیر درصدد برآمد اجاره نامهٔ او را فسخ و آن را به «میرزا خان دریاییگی»، از اتباع ایران واگذار کند. بدین سبب، امیر طی نامه ای به وزیر مختار روسیه ۱۲۶۵ق/۱۸۴۹م، ضمن اینکه غیر مستقیم تصمیم خود را به وی ابلاغ کرد از وی خواست که تسهیلات لازم را برای میرزا ابراهیم خان که باید اسباب ماهیگیری را از حاجی ترخان (آستاراخان) بیاورد، فراهم نماید.

«..عالی جناب میرزا ابراهیم خان دریاییگی دولت علیّه ایران از اینکه اسباب صیادی از حاجی ترخان بیاورد و تهیه و تدارک خود را از آن طرف نماید لهذا از آن جناب متوقع است که شرحی در سفارش او به حاکم حاجی ترخان مرقوم دارید..»

پرنس دالگورگی<sup>۱</sup>، وزیر مختار روسیه به این اقدام امیر کبیر اعتراض نمود و طی نامه ای به امیر نوشت: «...روزی که جناب سامی ارادهٔ ظاهر فرموده بودند که شیلات مزبوره را به عالی جاه مشارالیه واگذار فرمایند دوستدار به جانب سامی خاطر نشان نمود مراتب هایی از برای دولتین حاصل خواهد شد.»

وزیر مختار روسیه در این نامه به طور غیر مستقیم خاطرنشان نموده، به خاطر اختلافی که مابین ورثه میر ابوطالب خان وجود دارد، ممکن است که دولت روسیه به نفع اتباع خود برای حل و فصل اختلافات دخالت کند که این امر باعث زحمت دولت ایران خواهد شد. ولی این

---

۱-Prince Dalgurgy.

اعتراضات و هشدارها نتیجه نداد و عاقبت امیر اجاره عبدل را فسخ کرده و آن را به اجاره میرابراهیم خان واگذار نمود. به موجب قرارداد منعقد شده، مدت اجاره چهار سال بود مشروط بر اینکه اگر در پایان هر سال، میرزا ابراهیم در پرداخت اجاره بهاء تأخیر کند، دولت ایران حق فسخ اجاره وی را خواهد داشت.

با این اقدامات امیر کبیر، نظم تازه ای در امر شیلات داده شد. اما گاه اتباع روس، و گاه اقوام ترکمن مرزی به تحریک دریابگی روسیه در دریای مازندران، کارشکنی هایی در عملیات شیلات می کردند. به مدت دو سال شیلات شمال در دست میرزا ابراهیم خان بود. اما وی بدحسابی کرد و قسط اجاره بهاء را سر موعد پرداخت نکرد. از طرفی، برخی از خویشاوندان وی که به تابعیت روسیه درآمده بودند، ادعاهای مالی بر او داشتند و با همین دستاویز، سفارت روسیه حقوقی برای اتباع خود در شیلات شمال ایران مطالبه می کرد. امیر کبیر هم به موجب شرط اجاره نامه، آن را لغو نمود و از اواخر ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م شیلات را تحت کنترل مستقیم دولت درآورد. درآمد دولت از شیلات در سال ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م در زمان محمدشاه نزدیک به شش هزار و پانصد تومان بود و در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م. به مبلغ بیست و پنج هزار تومان افزایش یافت. امیر کبیر در ذیقعدۀ همان سال فسخ قرارداد میرزا ابراهیم خان را به کارپرداز حاجی ترخان اطلاع داده و از وی می خواهد که با مباشرین جدید شیلات همکاری نماید.

«...او [میرزا ابراهیم خان] از مستأجری و مباشری شیلات خلع و عزل و عالی جاه عزت همراهان میرزا اسماعیل و محمد ولی بیک را به مباشری امور شیلات تعیین نمودند. از آنجا که اکثر معامله داد و ستد آن ها با اهالی حاجی طرخان است و عمده و اسباب هم باید از آنجا بیاورند، لهذا به آن عالی جاه امر و مقرر می فرماییم که من بعد عالی جاها مشارالیه را مباشر شیلات دانسته،



هرگونه مهمی به آن عالی جاه اظهار نمایند، لازمه تقویت را به عمل آورده کوتاهی ننمایند و در عهده شناسند.»

### شیلات در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری

میرزا آقاخان نوری به خاطر آنگلو فیل (طرفدار انگلستان) بودن خود و رقابت انگلستان با روسیه، در دوران صدارت خود برای کوتاه ساختن دست روسها از سواحل دریای مازندران تلاش زیادی کرد. در مورد شیلات به منظور کم کردن نفوذ و تسلط دولت روسیه در عملیات ماهیگیری، با اجاره دادن شیلات به اتباع روسیه مخالفت می کرد همچنین در دوران صدارت وی نسبت به رعایا و ماهی گیران روسی از جانب مأمورین ایرانی سختگیری هایی به عمل می آمد. چنانچه وزیر مختار روس در نامه ای به میرزا آقاخان اعتراض خود را چنین بیان کرد:

«عملجات (کارگران) ماهیگیری از رعایای دولت روس که در کنار سفیدرود می باشند، از رفتار میرزا احمد نام نویسنده عالی جاه میرزا اسماعیل مباشر شیلات مزبور شاکمی می باشند، که او به آن ها استناد دزدی حتی فحش و دست درازی می کند. گذشته از همه این نوع حرکات، مانع می شود که هیچ چیز در اطراف نتوانند بخرند، به مقصود اینکه به قیمت سه مقابل، گران تر اشیاء دکان خود را بفروش برسانند. واضح این دستخط شارژ دافر اعلی حضرت امپراطوری مقیم دربار ایران، مکرر تقریراً و تحریراً از جناب... صدراعظم... خواهشمند شده بود که بفرمایند و نیز مجدداً همان خواهش را اظهار نمود لابد است با منتهای افسوس معلوم آنجناب... نماید که من بعد ها نیز متحمل این نوع ظلم و رفتار ناهنجار، واضح این دستخط را مجبور خواهد نمود که به مقام چاره، مرخص نمودن عمله (کارگر) روسیه از سفیدرود و خواهش قدغن من بعد از برای آمدن آن ها از هشترخان به سفیدرود برآید.»

اجاره داران ایرانی به علت نداشتن مهارت در کار ماهیگیری و کمبود وسایل حمل و نقل، همواره به دولت روسیه نیازمند بودند. گذشته از عامل برتری تکنیکی، روسیه تزاری به دریای مازندران به عنوان یک دریاچه داخلی بخش آسیایی خود می نگریست. حق انحصاری داشتن کشتی های

جنگی در این دریا، که از مواد عهدنامه ترکمنچای بود، روسیه را در این برداشت خود جسورتر و مصمم تر می نمود.

هر چند خطوط مرزی ایران در دریای مازندران بوسیله علائم مرزی که از آستارا تا خلیج حسنقلی محدود می گردد، ولی دولت روسیه حد و مرزی نمی شناخت و این دریا را ملک مطلق خود می دانست و حتی از مسافرت تنها کشتی ایران که کشتی سلطنتی کوچکی که متعلق به ناصرالدین شاه بود، جلوگیری می کرد. و حتی یک بار که این کشتی به سواحل باکو نزدیک شد، بنا به نوشته لرد کرزن، با توپ دل آن را سرنگون کرد و ماه ها در باکو به حال توقیف باقی ماند.

به هر حال، آقاخان نوری هم نتوانست در مقابل قدرت و نفوذ روس ها کاری از پیش ببرد و سر تسلیم فرود آورد. در سال ۱۲۷۵ق/۱۸۵۸م میرزا ابراهیم خان (دریابگی) دوباره خواستار اجاره شیلات شد. اما دولت ایران از سوابق کاری وی خرسند نبود. میرزا ابراهیم خان از عمیدالملک حاکم گیلان کمک خواست، عمیدالملک خود شیلات شمال را از دولت اجاره گرفت و در برابر سالی ۵۵۰۰ تومان به میرزا ابراهیم خان اجاره داد. میرزا ابراهیم خان با گرفتن لقب "دریابگی"، حق استفاده از این امتیاز را برای افراد خانواده اش حفظ کرد و کار ماهیگیری و اداره بندر انزلی تا سال ۱۲۹۳ق که استپان لیانازف موفق به کسب امتیاز شیلات شد، در دست وی باقی ماند.

### **قرارداد لیانازف (واگذاری امتیاز شیلات به لیانازف)**

مشکلات و درگیری ها تا روی کار آمدن میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م همچنان ادامه داشت. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۹ق/۱۸۷۱م به تشویق و ترغیب صدراعظم خود، میرزا حسین خان سپهسالار، امتیاز تأسیس راه آهن، استخراج تمام معادن ایران (به جز معادن قیمتی و فلزات زینتی) را به بارون جولویوس روتر<sup>۲</sup>، سرمایه دار انگلیسی سپرد. این امتیاز به گونه ای بود که حتی خود انگلیس ها، از چنین دست و دلبازی دولت ایران، ابراز تعجب می کردند،

لرد کرزن، سیاست مدار معروف انگلیسی، واگذاری امتیاز رویترا، نشان اوج نفوذ دولت انگلیس در دربار ایران می‌داند. وی معتقد است که در هیچ تاریخی اولیای امور ایران این اندازه

۱- به معنی امیرالبحر، آدمیرال یا دریاسالار که در دوره قاجاریه لقبی بود که به حکام و والیان سواحل دریا مانند شیخ نصیر خان دریابویی، حاکم بوشهر و احمد خان دریابویی، فرمانده کشتی جنگی پرسپولیس درخلیج فارس و دریای عمان می‌دادند و وظیفه آن‌ها حفظ و حراست از دریا و سواحل آن در مقابل حملات دزدان دریایی و کشورهای متخاصم و همینطور نظارت بر امور دریایی و ورود و خروج کشتی‌ها و کالاها به بنادر کشور بود.

۲- Barun Juluc Rouiter.

اظهار صمیمیت و دوستی نسبت به انگلستان نشان نداده‌اند. در حقیقت در مدت ده سال تمام-از سال ۱۲۸۰ق/۱۸۶۳م تا ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م- وزاری ایران کاملاً در دست سیاسیون انگلیسی بودند.

دولت روسیه نسبت به این قرارداد به شدت ابراز نگرانی کرد، در سفری که ناصرالدین شاه در ماه صفر ۱۲۹۰ق/آوریل ۱۸۷۳م به اروپا داشت، در مهمانی که الکساندر دوم<sup>۱</sup> در سن پترزبورگ<sup>۲</sup> به مناسبت ورود وی، ترتیب داده بود، اظهار تأسف کرد از اینکه بعضی از اشخاص تمایلت بسیار دوستانه نسبت به دولت روسیه ندارند. این سخن تزار همراه با برخورد سرد ملکه انگلیس<sup>۳</sup> در بریتانیا و همچنین مخالفت درباریان و علمای ایران نسبت به قرارداد رویترا، سبب شد تا ناصرالدین شاه، پس از بازگشت از سفر، سپهسالار را عزل و هم امتیاز را لغو کند.

بعد از آنکه مجدداً سپهسالار توانست نظر اعتماد ناصرالدین شاه را به خود جلب و عنوان صدراعظمی را دریافت کند، در روابط خارجی خود، بیشتر جانب دولت روسیه را می‌گرفت به طوری که امتیاز راه آهن جلفا تا تبریز را به آنان واگذار کرد. سپهسالار در تلگرافی به وزیر امور خارجه روسیه، به وی اطمینان داد که تمام تلاش خود را برای نزدیک تر کردن دو دولت به هم، انجام خواهد داد. به این ترتیب، سپهسالار چنان با دولت روسیه روابط صمیمانه‌ای برقرار کرد که سفارت روسیه، در اواخر زمامداری او، بزرگترین و جدیدترین پشتیبان وی به حساب می‌آمد.

میرزا حسین خان از هنگام کارپردازی ایران در تفلیس، در تلاش برای بدست آوردن امتیاز ماهیگیری دریای مازندران بود. تا اینکه در ذی الحجه ۱۲۸۶ق/مارس ۱۸۷۰م، ناصرالدین شاه با درخواست وی موافقت نمود و شیلات دریای مازندران را به مدت ۱۰ سال به وی اجاره داد. در اجاره نامه‌ای که بین سپهسالار و ناصرالدین شاه نوشته شد، آمده است:

«از جمادی الآخر ۱۲۹۳ قمری لغایت ده سال تمام کامل الشهود، تمامی کل شیلات و صید انواع ماهی بحر خزر را چه در گیلان و چه در مازندران و تنکابن و رودخانه های مخصوصه و مرداب و غیره، آنچه متعلق به دولت ایران است، با اجازه صحیحه شرعیه، در سال سی و یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره، به جانب میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) واگذار فرمودیم که همه

۱-Alexander II.

۲-از سالهای ۱۷۱۲ تا ۱۹۱۸ پایتخت روسیه بود.

۳-Alexandrina Victoria.

ساله، سالی هجده هزار تومان موجب خود را از مبلغ مزبور برداشته و مبلغ سیزده هزار تومان مابقی را به دولت کارسازی دارد.»

میرزا حسن خان سپهسالار به مدت چند سال، خود گرداننده امور شیلات شمال بود؛ تا اینکه در سال ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م بر آن شد که امتیاز شیلات را به یکی از اتباع روسیه واگذار نماید. وی در پاسخ به چرایی کارش، خرسند ساختن دولت روسیه و مجهز تر بودن آن ها به ابزار و وسایل صیادی نسبت به ایرانی ها را مطرح کرد. بر این اساس، در سال ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م شیلات دریای مازندران را به مدت ۵ سال در برابر اجاره سالانه ۵۰ هزار تومان به "پانومستوانی پاچوتنی گراژدنین استپان مارتینویچ لیانازف" واگذار نمود.

استپان مارتین اویچ لیانازف از بازرگانان بزرگ ارمنی-روسی بود که در ایالت حاجی ترخان سکونت داشت. افراد خانواده وی از قدیم به ماهیگیری و داد و ستد ماهی و خاویار اشتغال داشتند. بزرگ این خاندان از طرف دولت ایران لقب «مستشار التجار» گرفته بود. آنها به مراکز نفت قفقاز نیز دسترسی داشته و از سهامداران عمده نفت آنجا نیز بودند. اجاره داران بزرگ شیلات شمال (از جمله میرزا ابوطالب دریاییگی، ابراهیم خان دریاییگی) سال ها فرآورده های شیلاتی خود را به لیانازف و شرکایش می فروختند.

استپان لیانازف علاوه بر این، در مرکز هشترخان و نیز چند شهر دیگر روسیه تجارتخانه داشت. وی از سال ها قبل متوجه شیلات شمال شده بود، میرزا ابوطالب خان دریاییگی واسطه آشنایی

وی با اولیاء دولت ایران گردید و پس از عقد قرارداد شیلات، میرزا ابوطالب خان دریابگی کارگران و ماهیگیران خود را در اختیار لیانازف قرار داد.

بعد از عقد قرارداد طولی نکشید که به علت نپرداختن اجاره بهای سالیانه توسط لیانازف، میرزا حسین خان، دستور به توقیف وسایل ماهیگیری لیانازف را داد و از ادامه کارش جلوگیری نمود. سرانجام با پادرمیانی سفارت روسیه و مذاکراتی که بین دیستوی اتلونی استانسکی پاول شادمیرویچ ملک بیگلرف<sup>۲</sup>، نماینده لیانازف و میرزا حسین خان به عمل آمد، اختلافات رفع شد و

---

۱-Potomstrenniy Potchoting Grajdanin Stepan Martinovitch Lianazof.

۲-Deyestviteling Statskiy Pavelchadmirovitch Melik-Bgliyarov.

سازش نامه ای در ۷ ذی القعدة ۱۲۹۶ق/ ۱۴ اکتبر ۱۸۷۹، امضاء و مبادله گشت. طرفین از مطالبه خسارت و غرامت چشم پوشیدند. ملک بیگلراف متعهد شد که ظرف یک ماه سی و دو هزار تومان از لیانازف گرفته و به سپهسالار بپردازد و سپهسالار نیز دستور رفع توقیف اموال و وسائل کار لیانازف را صادر نماید و در همان روز قرارداد جدیدی میان بیگلراف که وکالتاً از سوی برادرش ایتاسکی ساوتنیک لوآرساب ملک بیگلرف<sup>۱</sup> و استپان مارتینویچ لیانازف و الکساندر آقا فونویچ ملیک آزارایاس<sup>۲</sup> با سپهسالار امضاء شد. مدت اجاره پنج سال و اجاره بهاء پنجاه هزار تومان تعیین شد. در این قرارداد اولاً همه رودهای ایرانی دریای مازندران جزو مورد اجاره بود، ثانیاً کلیه کالاهای وارده و صادره شیلات از عوارض گمرکی معاف بود ثالثاً هرگاه بیش از یک ماه در پرداختن اجاره بهاء تأخیر می کردند، بایستی ۱۲ درصد بهره می پرداختند. رابعاً اگر مستأجر می خواست صید ماهی حلال را خود عهده دار شود بر اجاره بها ۱۲ هزار تومان افزوده می شد.

امتیاز شیلات تا سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م که سپهسالار صدر اعظم بود، در دست وی قرار داشت. پس از برکناری او، ناصرالدین شاه امتیاز شیلات را به پسر خود کامران میرزا، فرماندار تهران، گیلان، مازندران و استرآباد (گلستان) واگذار کرد. سپهسالار در پاسخ به دستور بازپس گردانی امتیاز از سوی ناصرالدین شاه نوشت: « انتقال نامه ای که به قدر قوه سعی نموده ام که

به قاعده زاگون نوشته شده باشد و اصل اجاره و مال الاجاره و عمل را در آتیه به رضا و رغبت خودم انتقال به ذات مقدس همایون شاهنشاهی روحناه فدا نموده و از خود کلیتاً سلب اختیار و اقتدار و تصرف و مداخله را در امر شیلات در وجه مال الاجاره نموده ام. نوشته از جانب خود به سفارت روس نگاشته و این انتقال به ذات همایونی و سلب اختیار از خود را به همه جهت در نوشته مزبور اعتراف نموده، خواهش کرده ام که این اعتراف غلام خانه زاد را در انتقال و سلب اختیار از خودم در دفتر ثبت و به مسیو بیگلرف مستأجر رسماً اخبار نمایند که در آتیه سروکار خود را به هر که قبله عالم روحانفداه معین و منتخب خواهند فرمود، دانسته و مال الاجاره را در

---

۱-Statsky Sovoetnik Louarsab Melik Bglijarov.

۲-Alexander Aghafonovitch Melik-Azarianis.

اقساط معینه به همان شخص کارسازی داشته و قبض الوصول به جهت سند خود دریافت دارد.»

کامران میرزا، قبل از اینکه مدت قرارداد لیانازف تمام بشود، با لیانازف و شرکایش وارد مذاکره گردید که طی آن استفان لیانازف اجاره بهای شیلات را شش هزار تومان و کامران میرزا هم مدت اجاره را نیز به شش سال افزایش داد. قرارداد جدید را فقط استفان لیانازف امضاء و از شرکای سابقش اثری نبود و آن را در ۶ جمادی الثانی ۱۳۰۰ ق/۱۴ آوریل ۱۸۸۳ م امضاء نمود که مفاد آن بدین قرار است:

«عُرَّةُ جمادی الثانی ۱۳۰۰

کُنْدَرُخت<sup>۱</sup> قرارنامه

شهر دارالخلافة تهران. عرَّة ماه آپریل

سنه یک هزار و هفتصد و هشتاد و سه

ما در ذیل امضاء کنندگان و قول گذارندگان و کلای دولت علیّه ایران حضرت مستطاب ارفع اشرف والا، نایب السلطنه امیر کبیر، وزیر جنگ دولت علیّه ایران و فرمان فرمای تهران و گیلان و مازندران و استرآباد. دویم جناب مستطاب اجل اکرم افخم میرزا سعید خان مؤتمن الملک، وزیر امور خارجه دولت علیّه ایران به موجب اختیار و اقتداری که از دولت علیّه ایران دارند، از یک

جانب و رعیت روس پاطومستوینی پاچطخی غراژدائین استپان مارتینچ لیانازف، تاجر درجه اول حاجی ترخان، از جانب خود این کندرخت قرارنامه را منعقد نمودیم به شرایط ذیل:

شرط اول: حضرت مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر و جناب مستطاب وزیر امور خارجه بر حسب اجازه و کالتی که دارند، تمامی همگی کل شیلات و صیادی ماهی ایران را که مسمی به حلال و حرام است، از

رودخانه آستارا که سرحد دولت فخمیه روسیه است تا الی رودخانه اترک که سرحد دولت علیّه ایران است، به موعده شش سال کامل به اجاره صحیحه قطعیه به موسیو لیانازف واگذار نمودند و

---

۱- کُنْدِرُخت (Kündigung) به معنی مفاد یا تمام قرارداد است که در زبان آلمانی استفاده می شود. (فرهنگ لغات ایرانی به آلمانی)

دادند که ابتدای تاریخ اجاره آن از غره ماه اکتبر سنه آتیک هزار و هشتصد و هشتاد و چهار محسوب خواهد شد که وجه اجاره آن را هر ساله مبلغ پنجاه و شش هزار تومان پول قرانی ایران محسوب نموده، باید رسانیده کارسازی نماید.

شرط دویم: اجاره دار موسیو لیانازف متعهد و متقبل می شود که وجه اجاره را از بابت شیلات و عمل صید ماهی که در شرط اول مذکور است، مبلغ پنجاه و شش هزار تومان پول قرانی رایج ایران در هر یک سال در دو قسط مساوی که عبارت از پانزدهم ماه ایون (ژوئن) و پانزدهم ماه اوگوست (اوت) سنوات آتیه ذیل: سنه ۱۸۸۵، سنه ۱۸۸۶، سنه ۱۸۸۷، سنه ۱۸۸۸، سنه ۱۸۸۹، سنه ۱۸۹۰ مسیحی بوده باشد، به وکلای دولت علیّه ایران در دارالخلافه تهران کارسازی نماید.

اگر چنان چه اتفاقاً اجاره دار موسیو لیانازف وجه اجاره را در موعده اقساط معین کارسازی نماید، از برای هر قسطی از اقساط یک ماه مهلت داده خواهد شد، به شرط آن که به جهت اوقات پس افتاده تنزیل از قرار تومانی یک صد دینار در هر ماهی یعنی از صد دوازده (دوازده) در سال کارسازی نماید.

شرط سیم: کل اسباب پرپاس یعنی جمیع لوازم که از هر جهت از برای عمل و مصارف واتیکه های صیادی شیلات حمل به داخل نموده، آورده شود و هر قدر جنس ماهی و متفرقه متعلقه به

صید آن به خارج حمل و نقل شود، مباشرین گمرکخانه های دولت علیّه ایران از قرار اجاره سال های سابق از اجاره دار مذکور به هیچ وجه حق مطالبه و وجه گمرک نخواهد داشت.

شرط چهارم: محض ترقی و انتشار عمل صید ماهی به اجاره دار مذکور اجازه داده می شود که در تمام امتداد و مسافت واقع در میان رودخانه های آستارا و اترک به غیر از سرتک و میان قلعه واتیکه های جدید به غیر از آن هایی که الآن حاضر و موجود می باشند، ساخته دایر نمایند. ولی به شرطی که هر دفعه قبل از وقت به حضرت مستطاب وزیر امور خارجه اجازه بخواهند.

شرط پنجم: اگر چه در حسن سلوک و رفتار اجاره دار موسیو لیانازف نسبت به رعایای ایران شک و شبهه نیست، لکن اگر فی مابین کسان اجاره دار و اهالی دولت علیّه ایران حرفی و یا اختلافی واقع شود، اجاره دار مذکور تعهد می کند که کسان آن ها اول به حکام دولت علیّه ایران رجوع نمایند، یا این که به آن شخصی که به سمت کارپردازی از جانب دولت و حضرت والا معین و مأمور باشد، از برای امور متعلق به عمل شیلات

در صورتی که چنین شخصی در آن جا باشد، رجوع خواهد نمود.

شرط ششم: در صورت برهم خوردن هر یک از فصول به غیر از فصل پنجم این قرارنامه، که اسباب بر هم خوردن آن بشود باید مبلغ یک هزار منات پول اسکناس روسی به طرف مقابل به رسم جریمه کارسازی نماید و در مدت اجاره واتیکه ها<sup>۱</sup> و اسباب صیادی تمام آن ها مثل یک ضمانت به جهت دولت علیّه ایران باقی خواهد بود و مستأجر در مدت اجاره، این که این ها را به سایرین بفروشد یا انتقال نماید، حق ندارد.

شرط هفتم: بعد از اتمام موعد اجاره مذکور در قرارنامه، کلّ واتیکه ها و پرپاس ها یعنی اسباب و لوازم متعلق به شیلات و صید ماهی، ملک طلق اجاره دار می باشد و بعد از اتمام موعد، اجاره دار مستحق می باشد که قرارنامه با یک نفر شخص وکیل از طرف دولت علیّه ایران و یا اجاره دار جدید منعقد نموده، قراری در باب واگذار نمودن واتیکه ها و اسباب و لوازم مذکور را با ایشان بگذارند. ولی در صورتی که این قرارنامه با شخص وکیل دولت علیّه ایران و نه با اجاره دار



جدید سرنگرفت، آن وقت اجاره دار مختار و مستحق می باشد که واتیکه ها و اسباب و لوازم خود را برچیده، در مدت سه ماه از ایران حمل و نقل نمایند. اگر فورس مازور یعنی حادثه فوق العاده رخ نماید.

شرط هشتم: کندرخت یعنی قرارنامه حاضر در نسخین نوشته و به امضای طرفین رسیده. باید یک نسخه از آن در نزد اجاره دار باشد و نسخه دیگر آن باید تقدیم خدمت یکی از وکلای دولت علیّه ایران بشود.»

این قرارداد که در هشت ماده تنظیم شده بود، تمامی مواد آن شبیه قرارداد قبلی بود به جز

۱- تجهیزات

واگذاری حق "صید ماهی حلال" که به موجب شرط سوم قرارداد سابق، میرزا حسین خان سپهسالار برای خود محفوظ داشته بود و در پایان، قرارداد به امضای میرزا سعید خان، وزیر امور خارجه و کامران میرزا نایب السلطنه و استپان لیانازف رسید. در زمان انعقاد قرارداد فقط عده ای انگشت شمار می توانستند پیش بینی کنند که تا چند سال دیگر امتیاز لیانازف تقریباً به صورت انحصار خاویار در دنیا درخواهد آمد و این کسب و کار چه سود سرشاری برای تاجر روسی به بار خواهد آورد.

میرزا علی اصغر خان اتابک (امین السلطان) پس از عزل سپهسالار، با کمک انگلیسی ها پله های ترقی را به سرعت پیمود و توانست به مقام صدراعظمی ایران (۱۳۰۰ق) دست یابد. فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ق/۳۰ اکتبر ۱۸۸۸م با نفوذ و پادرمیانی به نفع دولت انگلستان صادر گشت. از طرف دیگر برای آرام ساختن دولت روسیه، قرارداد شیلات لیانازف را برای مدت پنج سال دیگر با اجاره بهای سالانه شصت هزار تومان تمدید کرد. میرزا علی اصغر خان اتابک ظرف ده ماه از تاریخ آزادی کشتیرانی در رود کارون، چند امتیاز مهم دیگر به انگلیسی ها داد که از میان آن ها، امتیاز "تأسیس بانک شاهنشاهی" و بهره برداری از مواد کانی

از همه چشم گیرتر بود. در مقابل، دولت روسیه امتیاز "بانک استقراضی ایران" و امتیاز "راه های شوسه" را به دست آورد.

امتیاز معروف به رژی در ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م. نقطه عطف زندگی سیاسی امین السلطان بود که لغو این امتیاز (۱۳۰۹ق/۱۸۹۱م) به آبرو و اعتبار بریتانیا آسیب سختی رساند؛ به همین خاطر، انگلیسی ها از وی روی برگردانند و به او بی اعتنایی نشان دادند. میرزا علی اصغر خان که به دنبال حامی جدیدی برای خود بود، به دولت روسیه روی آورد. نخستین اثر این چرخش سیاست، تمدید قرارداد لیانازف در ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ ق ۲۵/ سپتامبر ۱۸۹۳م بود. لیانازف که توانسته بود صید انحصاری خاویار ماهی در دریای مازندران را بدست آورد، تعهد کرد که سالیانه ۲۴ هزار و نیم امپریال روسی که هر یک عدد آن از قرار "بیست فرانک طلا" و جمعاً چهارصد و هشتاد هزار فرانک طلای فرانسوی به دولت ایران پردازد.

بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م)، مظفرالدین شاه به تخت سلطنت نشست ولی امین السلطان همچنان در صدارت باقی ماند. لیانازف هم یک سال بعد (۱۳۱۴ق/۱۸۹۶م) درگذشت و پسرش "گیورکی استفان لیانازف" جانشین وی در امور شیلات ایران گردید. گیورکی لیانازف با افزودن هزار و نیم امپریال به اجاره بهای سالیانه برای بعد از سال ۱۹۲۰م، قرارداد جدیدی با امین السلطان منعقد نمود و پنج سال دیگر اجاره را تمدید کرد. شرایط این قرارداد همان شرایط قرارداد سال ۱۳۱۱ ق بود مبلغ اجاره بها هر ساله از قراری بیست و پنج هزار و نصف امپریال روسی تعیین گشت، در ضمن مقرر گردید:

«اگر چنان که برای ترقی صیادی شیلات مسیو گیورگی لیانازف بخواهد برای خود شرکایی قرار بدهد، لهندا از این تاریخ به بعد مجاز و مختار است که هر وقت لازم بداند، از روی قانون مملکتی روسیه در انعقاد و دایر نمودن آن شراکت اقدام نماید.»

بعد از مرگ گئورگی لیانازف در ۷ صفر ۱۳۱۷ ق ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹م، سه پسر خردسال او به نام های "مارتین"، "استفان (اتین)" و "لئون" به عنوان وراث و مالکان جدید امتیاز شیلات شمال شناخته شدند و به سبب کم سن و سال بودن، شرکت لیانازف توسط سه نفر به نام های موسی آربکف، ماریوف و ملک آزاریانس که به عنوان وصی آنان معرفی شده بودند، اداره می شد. از

میان این سه نفر، به ملک آزاریانس، وکالت تمام عملیات شیلات داده شده بود. وی نیز پتروویچ واسکرسنکی<sup>۲</sup> را نزد عبدالمجید میرزا عین الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه برای تمدید قرارداد، به تهران فرستاد. در آن هنگام سراسر کشور را یکپارچه شور انقلابی در راه نهضت مشروطیت فراگرفته بود و خزانه دولت به شدت بی پول مانده بود. شتاب عین الدوله، برای اینکه هر چه زودتر پولی به دست آورد، چنان بود که حتی از واسکرسنکی معرفی نامه نخواست و تنها بعد از پنج روز از عقد قرارداد، معرفی نامه او از سفارت روسیه فرستاده شد.

پتروویچ وکیل وراثت لیانازف، طبق قرارداد ۱۷ صفر ۱۳۲۴ ق. ۱۲/ آوریل ۱۹۰۶ م. پیش از هر چیز تعهد کرد، ظرف ۱۵ روز اجاره بهای سه سال آینده شیلات (۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹) را که بالغ بر یک میلیون و سیصد و هشتاد هزار فرانک طلا می شد، به عین الدوله بپردازد و نیز مبلغ ۴۶۰ هزار

---

۱- Petrovich Vaskersenky

۲-Georgiy Stepanovitch Lianazov.

فرانک بابت اجاره بهای ۱۹۱۰ و همچنین ۳۶۰ هزار فرانک دیگر بابت سال ۱۹۱۱ را در ۱۵ آوریل ۱۹۰۸ پرداخت نماید. در برابر، شرط عجیبی به سود لیانازف ها تعیین شده و به این ترتیب که دولت ایران قراردادهای لیانازف ها را بدون رضایت آنان نمی توانست فسخ کند همین شرط در سال های آتی بهانه ای در دست لیانازف برای طرح دعاوی خود با دولت ایران مبدل گشت.

### **تأسیسات شرکت لیانازف در سواحل ایرانی دریای مازندران**

خانواده لیانازف بین سال های ۱۳۳۲-۱۳۰۷ ق/ ۱۹۱۴-۱۸۹۰ م، تبدیل به یکی از ثروتمندترین خانواده های بازرگان در ایران شده بود. آنان در مشهد سر (بابل سر) و انزلی و دیگر سواحل ایران، خانه های باشکوهی ساخته بودند.

استپان مارتین لیانازف پس از اینکه اجاره شیلات شمال ایران را بدست آورد، چون یکی از سرمایه داران بزرگ و از صاحبان عمده شیلات در شهر حاجی ترخان (آستاراخان) بود، بلافاصله اقدام به ایجاد تأسیساتی در سواحل مازندران و گیلان نمود. وی در ۵۲ نقطه سواحل ایران شعباتی تأسیس کرد و بهره برداری از تاس ماهی و ماهیان فلس دار را آغاز کرد. تأسیساتی که شرکت لیانازف در سواحل دریای مازندران ایجاد کرده بود، شامل کشتی های مجهز به

سردخانه، کارگاه های دود دادن و نمک سود کردن ماهی، واحدهای مسکونی، انبارها، تأسیسات اداری، کارخانه های برق، خطوط تلگراف و تلفن بود.

میرزا محمدعلی خان، حاکم و کارگزار دولت ایران در انزلی، طی گزارشی در ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ به وزارت خارجه، به امکانات و ساختمان های اداری لیانازف ها در سواحل دریای مازندران اینگونه اشاره می کند:

«در این مدت که فدوی در بندر انزلی اقامت داشته، موافق اطلاعاتی که حاصل نموده ام، اداره لیانازف ها از سنوات قبل تا کنون در تمام حدود شمالی ایران واقع در سواحل بحر خزر مؤسساتی دائر نموده. اخیراً با کمال سرعت از امتیاز مقرر در قراردادهای خود با دولت علیّه، حسن استفاده نموده و هر نقطه ابنیه موقتی خود را به بناهای محکم آجری و غیره مبدل و اداره خود را هر روز بیشتر منبسط می کند؛ چون در هر نقطه به موجب کنترات، اجازه ساختن مؤسسات جدید برای صید ماهی دارد، این اقدام او با کمال آسانی پیشرفت کرد. زمین های دولتی را تحت ادارات خود در می آورد. این اقدامات اداره مزبور منافع کثیره در آتیه برای آن اداره حاصل می نماید... لیانازف ها همواره خود را در اقدامات آزاد و بدون تفتیش و رسیدگی دولت می بینند و می تواند در اندک مدتی آنقدر مؤسسات جدید برپا نماید که در آتیه به نسبت ترقی مصالح و ابنیه قیمت آن ها بالغ بر میلیون ها گردد» شرکت لیانازف با ایجاد یک شبکه ماهیگیری در انزلی - که چهل دستگاه تور داشت - همه ساله، فصل زمستان اقدام به ماهیگیری در تالاب انزلی می نمود.<sup>۱</sup>

که تنها با فروش تخم ماهی (خاویار) و ماهی های حرام آن، اجاره بهای خود را می توانست پردازد. روزنامه حبل المتین (۱۰ ذی الحجه ۱۳۱۵ق) ثروت لیانازف را بالغ بر پنجاه میلیون منات ذکر کرده است. شرکت لیانازف به دلیل عدم اعتقاد به کارگران و صیادان ایرانی، تمام کارگران و وسایل مورد نیاز خود را از روسیه وارد می نمود.

به همین سبب تأسیسات شیلات در سواحل ایرانی دریای مازندران کاملاً رنگ و بوی روسی گرفته؛ بود به طوری که زبان روسی، از زبان های معمول آن مناطق بود. این شرکت جهت مراقبت از صید در آب های امتیازی خود، شیلات را به دو ناحیه استرآباد و آستارا تقسیم نمود و مقرراتی را در جهت صید و بهره برداری اعلام کرد:

«اجازه صید در کلیه آب های شمالی ایران که به دریای مازندران وارد می شوند، طبق قرارداد اجاری بدون محدودیت در اختیار کمپانی «لیانازف» گذارده شده، لیکن کمپانی لیانازف رأساً در

---

۱- تالاب یا خلیج انزلی به علت دارا بودن شرایط مناسب طبیعی، یکی از مناسب ترین مناطق تخم ریزی و پرورش ماهی در تمام طول سواحل شمال ایران بود.

رودخانه ها صید نمی کند بلکه تمام رودخانه های با اهمیت گیلان و مازندران را به خوانین محلی اجاره داده و مستأجران نیز می توانند صید خویش را به اشخاص دیگری واگذار نمایند. کمپانی اختصاصاً سواحل دریا، رودخانه های سفیدرود- بابل رود- میررود- تعجن رود- رود قره سو- استرآباد و خلیج های استرآباد و انزلی را در مالکیت اختیار خود خواهد داشت»

الحاق رودخانه ها و خلیج های انزلی و استرآباد به امتیاز بهره برداری لیانازف که به علت تسلط سیاسی، ایران را به پایگاه استعماری روسیه مبدل کرد و موجب گردید که حاکمیت روس ها در تمام آب های منطقه شمال ایران، روز به روز وسیع تر شود.

شرکت لیانازف در مدت بهره برداری از شیلات ایران، به شدت منابع دریایی ایران را به غارت برد؛ به طوری که پس از انقضای قرارداد آن، ذخایر ماهی آب های شمال ایران بی اندازه کاهش یافته بود. در مواردی حتی این منابع به کلی نابود شده بود چرا که این شرکت در مدت استیلا خود در شیلات هیچ گونه محدودیتی و ممنوعیتی را از نظر بهره برداری نداشت. شرکت لیانازف برای سال های ۱۹۲۵-۱۸۸۸ م مبلغی بیش از ۲۰ میلیون روبل هزینه کرد. درآمد

لیانازف فوق العاده بوده ولی در مقایسه با هزینه انجام شده، قابل توجه نبود. مهمتر از همه، صادرات خاویار بود. زیرا خاویار صید شده در سواحل ایران بهترین نوع آن محسوب می شود، لیانازف از حق اختصاصی خود چنان استفاده می کرد که در شمال ایران تهیه خاویار بدون داشتن دوست (پارتی) خوبی در میان فرستادگان روسی و یا بانک روس غیر ممکن بود. کلیه خاویار توسط لیانازف به بازارهای اروپائی ارسال می شد. روی هم رفته مبالغ مورد اشاره درآمد مستمری را نیز برای حکومت ایران به وجود می آورد. در سال ۱۹۰۳م استفان روی لیانازف به عنوان یکی از اتباع روس، توانست با تضمین مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ تومان، پیش پرداخت بانک شاهنشاهی به دولت ایران را تأمین کند.

## فصل چهارم:

# پیامدهای واگذاری امتیاز صیادی بر اقتصاد و معیشت مردمان مازندران

بدون تردید مهمترین مانع بهره برداری مستقل ایران از شیلات، فقدان امکانات صید و صیادی و افراد متخصص بود. حال آنکه روس ها نه تنها از این امکانات برخوردار بودند؛ بلکه به راحتی می توانستند با ایجاد موانعی، از بهره برداری مستقل دولت و اتباع ایران جلوگیری نمایند.

با ورود لیانازف ها به صحنه شیلات شمال و واگذاری امتیاز شیلات و حق گرفتن ماهیان حلال و حرام به آنها در سراسر سواحل دریای مازندران و رودخانه های آن، روندی بر منطقه حاکم گردید که تأثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اهالی و دست اندرکاران شیلات در پی داشت. از طرف دیگر، اوضاع بحرانی و بغرنج دولت مرکزی ایران از لحاظ مالی، سبب گردید که از این منابع ملی و خدادادی به خوبی استفاده نشود. شواهد نشان می دهد که فشار زیادی از ناحیه لیانازف ها بر مردمان این منطقه اعمال شده است. اسناد موجود، بازگوکننده وضعیت اسفبار برخورد لیانازف ها و عمال آنان بر صیادان و ماهیگیران این نواحی است. البته بسیاری از درگیری ها و اصطکاک ها به خاطر عدم اطلاع و توجیه اهالی، نسب به متن قرارداد لیانازف بود؛ این مسئله حتی در مورد کارگزاران و حاکمان برخی مناطق، صدق می کند. به طوریکه در

نامه ها و گزارش های ارسالی از سوی آنها به مرکز، کاملاً پیداست که اطلاع چندانی از قراردادها و محتوای آنها نداشتند.

عملیات ماهیگیری در شمال ایران معمولاً به سه طریق مختلف انجام می گرفت:

۱- قسمت عمده ماهیگیری که توسط اداره شیلات لیانازف انجام می گرفت که به آنان "تورچی" می گفتند.

۲- قسمت متوسط شامل رودخانه هایی بود که هر ساله توسط وزارت فواید عامه به مزایده، اجاره داده می شد و در گیلان به آن ها "کلهم" می گفتند و عموماً ماهی سفید صید می کردند.

۳- قسمت کوچک صیادی که آزاد بود و توسط بومی های محلی، به وسیله دام های کوتاه در آب های کم عمق انجام می گرفت که به آن ها "مالا" می گفتند که ماهی "سوف" و "سیم" و "سفید" مهم ترین صید آن ها بود.

از آنجاییکه صید ماهی حرام و حلال در شمال سواحل دریای مازندران و رودخانه های آن به لیانازف ها واگذار گردیده بود؛ بنابراین آن ها این حق را داشتند که در داخل رودخانه ها به صید ماهی بپردازند. در سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م، مردم شهر بار فروش در رودخانه باب الرود که به صید ماهی می پرداختند؛ عمال و گماشتگان لیانازفها، بندها و سدهایی را که اهالی در رودخانه جهت صید ماهی بستند، خراب کردند. به دنبال این اقدام وابستگان لیانازف ها، سر و صداهای زیادی از سوی اهالی از جمله صیادان، روحانیون و ملاکین بلند شد. در نتیجه نامه های اعتراض آمیزی از مردم و کارگزاری خارجه مازندران به وزارت امور خارجه ارسال گردید. بدین منظور در تاریخ صفر ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م. از کارگزاری خارجه مازندران نوشته ای جهت تعیین تکلیف به وزارت امور خارجه در دوران وزارت نصراله مشیر الدوله ارسال گردید. در ذیل به قسمتی از آن اشاره می شود:

«کارگزاری مهام خارجه مازندران مورخه شهر صفرالمظفر ۱۳۲۲



در باب صید ماهی حلال و حرام که لیانازفها در بعضی جاها که سابقاً معمول نبوده، حالا از هر قسم ماهی صید می نمایند؛ تلگرافاً به معرفی حضور مبارک می رساند، به عرض می رساند که عامل لیانازف ها به همراهی اَكْنَطْ [وابسته سفارت روس] در چند نقطه که در هیچ نهران (عنوان و شکل) معمولی نبوده و دخالت نمی کرده، این اوقات عملجات گذاشته، ماهی حلال و حرام صید ماهی می نماید از جمله در کنار رود خانه بابل که غرب بارفروش است، قریب سه فرسخ به دریا مسافت دارد، مانع از بستن بند و گرفتن ماهی و... شده است. به این جهت، اهالی شهر از روحانیون و ملاکین ... و رعیت به هیجان آمده و سخت مذاکره می نمایند که لیانازفها در هیچ نهران حق دخالت در این کناره رود خانه نداشته و ندارند. از حکومت اظهار شده که لیانازف قرارنامه دوستی در دست دارد، ارایه بدهد که حدود و سامان معین شده... ساکت باشند...»

در تاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۳ ق/ ۳ ژوئن ۱۹۰۵ م.، تجار و عموم اهالی بار فروش عرض حالی در خصوص اقدامات عمال لیانازفها با مضمون ذیل به وزارت امور خارجه (به ریاست نصراله مشیر الدوله) می نویسند و خواستار اقداماتی از سوی دولت مرکزی در این زمینه می شوند:

«عرض حال تجار و عموم اطباق بارفروش [خطاب به مشیرالدوله]

... این ایام [عمال لیانازف ها] از بحر خزر تجاوز کرده، دست تطاول به نه‌های صغیر و کبیر که وارد بحر خزر می شود، دراز کرده و می گوید از گنبد قابوس تا تنکابن و کلاردشت هر نه‌ری که در مازندران است، خواه

کوچک باشد و خواه بزرگ، هر جا ماهی یافت شود، از حلال و حرام از ابتدای آن رودخانه و شهرالی دریا داخل در امتیاز رود های من است و کسی حق ماهی گرفتن را ندارد...»

در تاریخ ربیع الاول سال ۱۳۲۳ ق/ می ۱۹۰۵ م.، از کارگزاری مازندران نوشته ای در خصوص اقدام وابستگان و عاملین لیانازفها در بارفروش نسبت به اهالی صیاد، به وزارت امور خارجه ارسال گردید. در این نوشته اشاره شده که به وابستگان تجاری کنسول روسیه و عاملین لیانازف تأکید شد که با اهالی و صیادان منطقه رفتار مناسبی داشته باشند و سختگیری نکنند. اما لیانازف ها

توجهی به این مسئله ندارند. در آن زمان به خصوص از سال ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م. بنا به گفته لیانازف، حق امتیاز گرفتن ماهی حلال را در رودخانه بابل با توجه به اختیاری که بر طبق قرارداد شیلات داشته، به اعظام السلطنه، حاکم مشهدسر واگذار کرده بود. به هر حال، به نظر می رسد که فشارها و محدودیت ها در زمینه ماهیگیری بر مردم سنگینی می کرده که نامه ها و گزارش هایی از سوی کارگزاری خارجه مازندران و مردم منطقه بارفروش به وزارت امور خارجه ارسال شده است. گزارش زیر از کارگزاری مازندران به وزیر امور خارجه، خود گویای این مسئله است:

«کارگزاری مازندران»

مورخ هشتم صفرالمظفر ۱۳۲۳ق / ۱۹۰۵م

در خصوص منازعه میان اهالی مازندران با لیانازف ... اینکه لیانازف در نزدیکی بارفروش که رودخانه بابل واقع است؛ هر قسم ماهی گرفته، خشک کرده حمل به خارج می نماید؛ از این جهت، ماهی گران شده ... مردم معترض شده اند و مدتی است گوسفند نمی کشند و اهل شهر گوشت ندارند.»

به دنبال نامه ها و گزارش ها و عرض حال های مردم بارفروش و کارگزاری مازندران به وزارت امور خارجه ( وزیر امور خارجه) و درخواست از لیانازف در خصوص مشخص کردن وضعیت شیلات منطقه و اوضاع به وجود آمده، لیانازف عریضه ای را در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵ م. ، برای وزیر امور خارجه وقت (مشیرالدوله) می نویسد و وقایع به وجود آمده را شرح می دهد. در این نوشته، لیانازف اظهار می دارد که اقدامات اهالی و صیادان بارفروش از روی اشتباه کاری بوده و مقرون به صحت نمی باشد. علاوه بر این تأکید می ورزد، با اطلاع به رئیس گمرک خانه مشهدسر و اعظام السلطنه، حکمران بندر مشهدسر، عاملین وی برای تسهیل در امر حمل و نقل در رودخانه بابل به یک سری اقداماتی دست زدند که طبق قرارداد شیلات بوده است.

درگیری و اختلافات بر سر شیلات و صید ماهی تنها در بار فروش نبوده بلکه در سراسر سواحل بحر خزر و رودخانه های آن از آستارا تا اترک وجود داشت. در تاریخ ۲۷ صفر ۱۳۲۳ق. / ۳۰ می

۱۹۰۵م. گزارشی از کارگزاری خارجه استرآباد در خصوص اعتراض طایفه ترکمن جعفربای ساکن خواجه نفس نسبت به قطعه زمینی که متعلق به طایفه مذکور بوده و عاملین لیانازف آن را محل و اطاقه (اختصاص) خود قراردادده و در آنجا ابنیه احداث نموده بودند، به وزارت خارجه ارسال شد. لازم به ذکر است که طایفه ترکمن جعفر بای آن قطعه زمین را ملک آبا و اجدادی خود می دانسته و سال ها در دست این طایفه بود. رئیس شیلات (لیانازف) آن را محل صید گاه خود قراردادده بود، که این اقدام منجر به شکایت و عکس العمل از سوی طایفه مذکور گردید. مشابه چنین تعرضی از سوی عاملین لیانازف ها در حسن کیاده گیلان وجود داشت. در حسن کیاده گماشتگان لیانازف بخشی از اراضی آنجا را جهت تأسیسات خود تصرف کرده بودند که منجر به اعتراض اهالی گردید. به تبع آن چند نفر از مردم آنجا به رشت فرار و نسبت به این اقدام عاملین لیانازف ها و اذیت و آزار آنها به کارگزاری گیلان شکایت کردند.

در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. عریضه ای از سوی صیادان ماهی اهالی انزلی به وزارت خارجه ارسال گردید. این عریضه در مورد صید و فروش ماهی سوف بود. صیادان از اینکه ماهی های صید شده را فقط باید به لیانازف بفروشند، ناراحت بودند. البته فشارهای عاملین لیانازف ها و قیمت پائین ماهیان در این امر تأثیر داشت.

در تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۳ق. / ۲۸ ژوئن ۱۹۰۵، از طرف وزارت امور خارجه نوشته ای به سفارت روسیه در خصوص شکایت نصرالسلطنه (محمد ولی خان تنکابنی) نسبت به مداخله و تصرف هزار ذرع زمین درغازیان توسط لیانازف و عاملین او بدون رضایت مالک آن (نصرالسلطنه)، ارسال گردید.<sup>۵</sup> وزارت امور خارجه بعد از این اقدام، نوشته هایی را برای نصرالسلطنه ارسال کرد و او را مطلع ساخت. سند این نوشته در ذیل آمده است:

«سواد کاغذ وزارت خارجه به نصرالسلطنه سردار معظم

۱۸ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۳/ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۵م

راجع به قرارداد لیانازف و اقدامات مباشرین صید ماهی در اراضی غازیان از آنچه در رقمه جناب مستطاب عالی مرقوم رفته بوده، مستحضر شده و به سفارت روس، بطوریکه لازم بوده مراتب رسماً نوشته شده است. از نتیجه امر بعد از وصول جواب خاطر محترم عالی را مطلع خواهد نمود (نصراله مشیرالدوله)

بعد از این سفارت روسیه طی یک یادداشتی در تاریخ ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۳ق / ۳۱ ژوئن ۱۹۰۵م، به وزارت امور خارجه اعلام می دارد که مطابق فصل چهارم امتیاز نامه (قرارداد) شیلات شمال با لیانازف، دولت ایران متعهد شده است، هرگاه اراضی برای ساختن بنا ها و تأسیسات لازم باشد، در اختیار مستاجرین قرار دهد و دریغ نکند. علاوه بر این، سفارت روسیه در نوشته مذکور تأکید می کند که به موجب نوشته ۱۳۱۳ق / ۱۸۹۵م، جناب بیگلریگی سالار افخم که صاحب منصب دیوانی آنجا (غازیان) و خود را مالک آن اراضی می دانست، می بایست اراضی مزبور را بدون شرط و اخذ وجهی تا مدت انقضای اجاره شیلات، در اختیار لیانازف ها قرار دهد.

به هر صورت اعتراضات و شکوائیه های زیادی به خصوص از سال ۱۳۲۰ق. / ۱۹۰۲م. به بعد نسبت به عملکردهای لیانازف ها و عمال آنها از سوی مردم و اهالی مناطق بحر خزر برخاست. همه آنها ناشی از تأثیر و نقش شیلات در عرصه اقتصادی مردم مناطق مذکور است. این جریان اعتراض آمیز در شرق دریای مازندران و در مناطق مانند خواجه نفس بیشتر ملموس بود و عکس العمل ها و پیامدهای منفی را بدنبال داشت. برخی از اقوام ترکمن شرق دریای مازندران از گذشته های دور از طریق صیادی امرار معاش می کردند و حتی در تجارت ماهیان حلال و حرام فعالیت زیادی داشتند. از زمان واگذاری امتیاز شیلات به لیانازف ها و حق بهره برداری از هر گونه ماهیان به آنها در تمام مناطق ساحلی و رود خانه های آن، وضعیت دشوار و بغرنجی را برای اهالی بوجود آورد؛ که حتی منجر به درگیری و کشت و کشتار گردید.

شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد که بازگو کننده اوضاع نابهنجار شیلات شرق دریای مازندران بعد از واگذاری امتیاز آن به لیانازف ها و به ویژه میان سال های ۱۳۲۸-۱۳۲۳ق. /

۱۹۰۵-۱۹۰۹ م.، است. حتی در این راستا دولت روسیه به پشتیبانی از لیانازف ها از نیروی نظامی قزاق ها استفاده می کرد. نظیر ماجرای تحصن سه هزار نفر ماهیگیران انزلی در تلگراف خانه انزلی علیه لیانازف ها که سرانجام تهدید نظامی دولت روسیه به حمایت از لیانازف ها منجر به عقب نشینی دولت ایران و صیادان گردید.

در تاریخ هشتم محرم ۱۳۲۵ ق. / ۱۹۰۷ م.، تلگرافی از کارگزاری استرآباد به طهران ارسال گردید. محتوای این تلگراف در مورد اعتراض ترکمنها به ویژه طایفه جعفربای نسبت به اقدامات و محدودیت های لیانازف ها و عاملین آنها در مورد صید ماهی در سواحل و رودخانه هایی نظیر رودخانه گرگان است. در قرارداد شیلات با لیانازف اشاره شده که عاملین وی، در هر نقطه های خواستند برای عمل صیادی بنا احداث کنند، نباید ممانعتی صورت گیرد. علاوه بر این، از طرف حکام محلی همه نوع تقویت و همراهی انجام شود. در این رابطه لیانازفها در شرق دریای مازندران و در استرآباد و مناطقی مانند قره سو، ملاکلا و کردمحله قصد احداث بناهایی نظیر پل و یا مکانهایی را برای تأسیسات شیلات داشتند و در جهت پیشبرد کارشان اقداماتی را انجام دادند. این مسئله منجر به اعتراض اهلی گردید.

با اعتراضات زیادی علیه لیانازفها و گماشتگان آنها در زمینه صید انواع ماهی از سوی اهالی کرانه های دریای مازندران از آستارا تا استرآباد برخاسته شد. شواهد فراوانی در این مورد در دست است که حکایت از اوضاع نابسامان زندگی اقتصادی و وابستگی آنها در ارتباط با صید و صیادی است که به برخی از آنها اشاره شده است.

دولت مرکزی با توجه به فشارهای وارده بر مردم از ناحیه لیانازفها، بارها قصد داشت که قرارداد شیلات را فسخ نماید. اما به دلیل خالی بودن خزانه دولت و عدم توان پرداخت حق فسخ از یک طرف و از طرف دیگر حمایت شدید دولت روسیه از مستاجران باعث گردیده که دولت ایران هیچگاه نتواند به چنین اقدامی دست زند. در سال ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م.، از سوی سفارت روسیه نوشته ای به وزارت امور خارجه (نصراله مشیرالدوله) در ارتباط با درخواست ایران مبنی بر فسخ قرارداد شیلات با لیانازفها ارسال گردید. در این نوشته تأکید شد که مطابق با اصل عالی ندرجات

فصل ۶ قرارداد شیلات هر یک از طرفین بخواهند این معامله را قبل از انقضای مدت این کنترات فسخ و باطل سازند، باید مبلغ ششصد هزار فرانک به عنوان وجه خسارت به طرف مقابل پردازد. علاوه بر این سفارت روس در این نوشته تأکید کرد که فسخ آن قبل از انقضای قرارداد غیر ممکن است.

### فاجعه گمش تپه<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۲۶ق / ۱۹۰۸م، چند تور ماهیگیری شرکت لیانازف در سواحل گمش تپه مفقود شد. نیروهای روسی، ناپدید شدن تورها را، بهانه ای برای اعمال فشار به دولت جوان مشروطه ایران قرار دادند و چندین بار به گمش تپه رفته و از اهالی آنجا اخاذی کردند و چندین تن از اهالی آنجا را هم دستگیر کرده و به جزیره آشوراده (پایگاه دریایی خود) بردند.

در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق. / ۲۹ ژوئن ۱۹۱۰م. که حدود سه سال از واقعه مفقود شدن تورها

---

۱- گمش تپه یا گمیشان از توابع استان گلستان (استرآباد) که ساکنان آن اکثر ترکمن هستند.

گذشته بود. "گراسیم گاسپارویچ لیانازف"، رئیس اداره شیلات گمش تپه به همراه دریابگری روس "وانوک" ۲، مترجم آنان و ملاخان، مأمور کنسولگری روسیه در استرآباد (گرگان) و سه قزاق مسلح، عطا حاجی پودراتچی، پیمانکار لیانازف ها در گمش تپه و تاجر باشی محل رفتند و سپس چند تن از سران ترکمن را احضار کرده و به روش خشن همیشگی خود شروع به دشنام و اذیت آنان نمودند.

این سختگیری به حدی رسید که "ملاقربان وردی" نامی از طایفه (کِلته) به اعتراض گفت:

«شما این پول ها را به چه جهت از ما می گیرید؟ شرعاً یا قانوناً حساب دارید یا به زور مطالبه می کنید؟» ملاخان، مأمور کنسولگری روسیه، به یکی از قزاق ها دستور داد تا ملاقربان را با تیر بزند. اما ملاقربان پیش دستی کرده و با کارد به قزاق ها حمله ور گردید و تنفک را از دست یکی از آنان گرفت و شروع به تیراندازی نمود. در جریان این تیراندازی، یکی از قزاق ها در دم جان سپرد و دو نفر دیگر به شدت زخمی شدند به طوری که یکی از آن ها در بیمارستان آشوراده

جان سپرد. گراسیم لیانازف به ناچار با همراهان خود به اداره "خواجه نفس" برگشت. ولی طولی نکشید که با دو کشتی جنگی به دهانه گمش تپه برگشته و شهر را زیر آتش توپ خانه خود گرفت و ده تن از ریش سفیدان و بازرگانان ترکمن را دستگیر نمود و به زندان آشوراده فرستاد و خانه های آنان را هم به آتش کشید.»

وزارت امور خارجه ایران طی یادداشت شماره ۸۴۷۷-۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق به سفارت روسیه، از قتل یک نفر قزاق اظهار تأسف کرد و به رفتار نادرست نیروهای روسی اعتراض نمود و در پایان وعده داد که دستورات لازم جهت رسیدگی به موضوع را صادر کند. در جواب سفارت روسیه چنین پاسخ داد:

«در باب قتل یک نفر قزاق دولت روسیه در گمش تپه، از قراری که به سفارت اطلاع داده اند،

---

۱-Grasim Gasparovich Lianazov.

۲-Vanok.

۳- از توابع گرگان (استان گلستان) است که در حدود ۸ کیلومتر از رودخانه گرگان قرار دارد.

پس از آنکه کنسول دولت روسیه مقیم استرآباد به کارگزاری آنجا تکلیف نموده بود، متفقاً به گمش تپه رفته و شروع به رسیدگی و اقدامات دیگر بنماید. مشارالیه گفته بود که این کار را نخواهد کرد. زیرا به موجب دستورالعمل سری که از تهران به ایشان رسیده، از این اقدام معذور می باشد. لهذا سفارت لازم می داند خاطر نشان کند که در این صورت اولیای دولت علیه به هیچ وجه متعجب نخواهد بود که کارگزار دولت روسیه خود مستقیماً هر گونه اقدامی که در این باب مناسب دانسته، بنمایند.»

وزارت خارجه ایران معتقد بود اگر مباشرین شرکت لیانازف مانند گذشته اختلاف خود را با ترکمانان مرزی، به وسیله کارگزاران محلی دولت ایران حل و فصل می کردند، هیچ وقت یک این چنین اتفاقی نمی افتاد. وزارت امور خارجه، مسئولیت این اتفاق را متوجه دریابگی روسیه می داند و به ورود کشتی های جنگی روسیه، به گمش تپه و دستگیری بازرگانان و تجاری بی گناه، ویران نمود. به مدت پنج ماه، قزاقان روسی و مأمورین شرکت لیانازف هر کاری که دلشان

می خواست کردند. به طوری که شهرهای استرآباد به کل، از آرامش افتاده بودند و یادداشت های متبادله دو دولت نیز همچنان به نتیجه نرسیده بود. سرانجام روز ۲۳ شوال ۱۳۲۸ ق. / ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۰م وزیر مختار روسیه اعلام کرد که قاتل در "چکیشلر" دستگیر شده است ولی به علت طولانی شدن این امر، دیگر حاضر به هیچ گونه مذاکره ای در این بین نیست و اگر دولت ایران مبلغ ده هزار منات بابت خون بهای دو تن قزاق کشته شده را نپردازد. خود برای گرفتن خسارت و خون بها از اهالی گمش تپه، رأساً اقدام خواهد کرد. با وجودی که دولت ایران طبق یادداشت ۹۵۵-۵ ذی الحجه ۱۳۲۸ متقبل شد که، مبلغ ده هزار منات خون بهای قزاق را به سفارت روسیه بپردازد، ولی سفارت روسیه کنسول خود را در استرآباد با دویست نفر قزاق مسلح و جمعی از مأموران سیاسی و مرزی به گمش تپه فرستاد. دو کشتی جنگی خود را نیز در کرانه دریا لنگر انداختند. در مدت چهار روز اشغال گمش تپه، مبلغ چهار هزار و صد تومان خون بها و دو هزار دویست تومان بابت هزینه قشون کشی از اهالی گرفتند. فاجعه گمش تپه در شهرهای بزرگ جهان طنین انداز شد و احساسات جهانیان را هر چه بیشتر به ایران جلب کرد. سفارت ایران در لندن، ترجمه ای از مقاله روزنامه "مورینگ پست" را به تهران فرستاد که خلاصه آن این است:

«چند قزاق به گمش تپه برای پیدا کردن دزدهایی که تور ماهیگیران روس ها را دزدیده بودند، رفتند. یک نفر از طایفه "کلپ" (kelp) یکی از قزاق ها را کشته و دیگری را زخمی کرد. قزاق ها اهالی را مجبور کردند که قاتل را تحویل بدهید، قنسول روس حکم داد که ده طایفه کلپ را تصرف کنند و بعضی از رؤسا را دستگیر نمایند تا قاتل تسلیم نشد آن ها را آزاد نکردند. گمش تپه را هم توپ باران کرده اند و تجار را جریمه نمودند.»

به هرروی، اعتراضات زیادی علیه لیانازف ها و گماشتگان آنها در زمینه صید انواع ماهی ازسوی اهالی کرانه های دریای مازندران از آستارا تا استرآباد برخاسته شد. شکایات زیادی است که حکایت از اوضاع نابسامان زندگی اقتصادی و وابستگی آنها در ارتباط با صید و صیادی است که به برخی از آنها اشاره شده است.



دولت مرکزی با توجه فشارهای وارده بر مردم از ناحیه مستأجران (لیانازف ها) بارها قصد داشت که قرارداد شیلات را فسخ نماید. اما به دلیل خالی بودن خزانة دولت و عدم توان پرداخت حق فسخ از یک طرف و از طرف دیگر حمایت شدید دولت روسیه از مستأجران باعث گردیده که دولت ایران هیچ گاه نتواند به چنین اقدامی دست زند. در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م. ، از سوی سفارت روسیه نوشته ای به وزارت امور خارجه (نصراله مشیرالدوله) در ارتباط با درخواست ایران مبنی بر فسخ قرارداد شیلات با لیانازف ها ارسال گردید. در این نوشته تأکید شد که مطابق با اصل عالی مندرجات فصل ۶ قرارداد شیلات، هر یک از طرفین بخواهند این معامله را قبل از انقضای مدت این کترات فسخ و باطل سازند، باید مبلغ ششصد هزار فرانک (۶۰۰,۰۰۰ فرانک) به عنوان وجه خسارت به طرف مقابل بپردازد. علاوه بر این سفارت روس در این نوشته تأکید کرد که فسخ آن قبل از انقضای قرارداد غیر ممکن است. در مجموع می توان گفت که شیلات نه تنها برای دولتمردان بلکه حتی برای آن دسته از مردمانی که شغل آنها صیادی بوده و از این طریق امرار معاش می کردند، نقش حیاتی داشته است.

علاوه بر این نقش مهمی را در تجارت ایران و روسیه بازی می کرد و صاحبان امتیاز آن سود هنگفتی از طریق تجارت آن به جیب زده اند. پس از پیروزی مشروطه خواهان در جریان انقلاب مشروطه و بعد از آن انقلابیون ایرانی از ترور و مخالفت علیه ماهیگیری، افراط در ماهیگیری، آلوده کردن آب رودخانه ها و نیز توسعه مرداب انزلی کوتاهی نمی کردند.

به طور کل همواره برخوردها و درگیری ها میان مستأجران (لیانازف ها) شیلات با دولت و اهالی تا زمان انقضای قرارداد وجود داشت.

### **حوادث انزلی**

در سال ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م. که لیانازوف رودخانه های مرداب را به میر ابوطالب دریابگی اجاره داد، ماهی گیران تقاضا کردند که طبق وعده، ماهی سوف را جفتی سیصد دینار بخرند اما دریابگی این خواهش را نپذیرفت. لیانازوف و میر ابوطالب به کمک قزاقان مسلح تزاری به گونه

ای خشن و زننده پاسخ درخواست ماهی گیران و کارگران شیلات را دادند و به بازرسی مکرر خانه ها برای یافتن ماهی سوف تأکید داشتند. هر جا ماهی سوف پیدا می کردند، ضبط نموده و صاحبانش را به زندان می بردند. گاه به طور دسته جمعی و ناگهانی به خانه مردم سرازیر می شدند. سرانجام مردم به ویژه ماهیگیران برای اجحافی که برای ماهی سوف به آن ها می شد و کارگران برای افزایش دستمزد، در ذی الحجه ۱۳۲۶ق. به اعتصاب گسترده ای دست زدند که اعتصاب آن ها با یورش نیروی قزاق تزاری سرکوب و به خاک و خون کشیده شد.

سید علی امام جمعه انزلی در نامه ای که از سوی ماهیگیران به وزارت داخله نوشته چنین آورده است: «... امسال لیانازف، شیلات را به مستأجرین پارسال اجاره نداد و به رعایای خارجه (منظور میرابوطالب خان دریاییگی) با تخفیف اجاره داده است!...».

از سوی دیگر، اختلاف میان مردم و لیانازف ها و میرابوطالب همچنان باقی بود امام جمعه نوشته است که میرابوطالب می گوید: «هر ماهیگیر که به میل او تمکین نکند، تورش را پاره می کنیم!»

ماهیگیران در تلگرام ۲۵ محرم ۱۳۲۸ از لیانازف و مستأجر جدیدش به رئیس مجلس شورای ملی شکایت برده و در پایان چنین آورده اند: «اجاره دار تابع خارجه (منظور میرابوطالب دریاییگی) باز به همان قیمت پنج شاهی می خواهد حساب کند. می گوید، دریا مال من است رعیت حقی ندارد! لیانازف ها و میرابوطالب به گونه ای خشن و زننده در برابر درخواست ماهیگیران و به طور کلی در برابر همه مردم ایستادند. در راهها بارهای مردم را به وسیله قزاقان مسلح بازرسی کرده، اگر ماهی می یافتند، ضبط می نمودند، حتی به خانه مردم سرازیر گردیده، هر کس خم ماهی سوف داشت، آزارش می دادند.»

میرزا ابوذر نامی به نمایندگی از جریان ملی انزلی و حبل المتین در حاجی طرخان به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸ به دانه ای سه شاهی ترقی کرد. مبارزه برای افزایش بهای ماهی سوف، انعکاس از پیکار مشروطه خواهان با مستبدان داخلی و عوامل خارجی مانند لیانازف و میرابوطالب است.

در عین حال وابستگی بسیار فشرده مستبدان مرتجع درونی را با استعمارگران بیرونی نشان می دهد.

### روزنامه نسیم شمال و اعتراض به لیانازف

نشریه نسیم شمال در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م قطعه شعری با امضای ماهیگیر به قلم سید اشرف الدین قزوینی (گیلانی) آورده است که مشکلات و مصائب ماهیگیران با شرکت لیانازف را به صورت طنز بیان نموده است که بخشی از آن بدین شرح است:

می خواند خروسی به شبستان، قوقولی قو      می گفت که ای فرقه‌مستان، قوقولی قو

کو بهمن و کورستم دستان، قوقولی قو      اوخ که خزان زد به گلستان، قوقولی قو

فریاد ز سرمای زمستان، قوقولی قو

از سیل فتن شهر و وطن رو به خرابی      ما خفته و مدهوش چو مستان به شرابی

می گفت به مرغان هوا آدم آبی      در شهر بود قحطی انسان، قوقولی قو

فریاد ز سرمای زمستان، قوقولی قو

خون گریه کند مزرعه بر حال دهاتی      سوزد جگر سنگ به احوال دهاتی

عریان و برهنه همه اطفال دهاتی

ای وای ز بدبختی دهقان، قوقولی قو      فریاد ز سرمای زمستان، قوقولی قو

اف باد بر این زندگی و طالع منحوس      تف باد بر این غیرت و این دفتر معکوس

افسوس که تبریز شده دستخوش روس      قزوین شده جولانگه روسان، قوقولی قو

فریاد کشیدند خروسان، قوقولی قو

در انزلی امروز سخن های مخوف است      دعوی لیانازف بر سر ماهی صوف است

در خانه ما مدخل او آلف آلف است

صیاد به دریا شده نالان، قوقلی قو

فریاد ز سرمای زمستان، قوقلی قو

ماهیگیر

## فصل پنجم:

# لغو قرارداد

## شرکت لیانازف و جنگ اول جهانی

با آغاز جنگ اول جهانی روند رو به رشد شرکت لیانازف هم تا حدودی متوقف گردید، تا آنجا که مالکان شرکت لیانازف، توان پرداخت اجاره بهاء سالیانه را در خود ندیدند و از پرداخت آن خودداری کردند. وزارت فواید عامه ایران در ۱۳۱۳ق / ۱۹۱۸م، طی نامه ای از وزارت خارجه درخواست کرد که «تحقیق نماید که آیا شرکت لیانازف اجاره امسال را داده (است) یا نه، و اگر داده به چه کسی داده است؟»

وزارت خارجه در بررسی خود، به نتیجه ای نرسید و از وزارت فواید عامه خواست که از وزارت مالیه و خزانه دار کل پرس و جو کند تا شاید گیرنده اجاره بهاء معلوم شود و در آخر ابراز داشت: «اگر بنا باشد از صاحب امتیاز تحقیق نماییم، همچو تصور خواهد شد که دولت از کماکیف کار خود مستحضر نیست.»

به همین علت از سفارت روسیه خواست که در این مورد تحقیقی بکند و جواب بدهد. سفارت روسیه در تاریخ ۱۲ صفر ۱۳۳۳ ق/ ۷ اکتبر ۱۹۱۵ م به وزارت خارجه ایران نوشت که لیانازف ها طی تماسی که از مسکو با سفارت داشته اند، از طریق این سفارت از دولت ایران تقاضا کرده اند: «که به واسطه ترقی فوق العاده فرانک، با استهمال (مهلت) در تأدیه اقساط بدهی اداره مزبور داده شود یا این که ترتیب دیگری بدهند که رفع ضرر فوق العاده از بابت تفاوت مظنه (ارزش و نرخ) فرانک بشود، سفارت هم می خواهد که به علت اینکه اداره لیانازف تاکنون همه گونه همراهی و خدمت لازمه را نسبت به دولت ایران داشته، با درخواست آنان موافقت بشود.»

ایران پی گیر منافع خود بود و سفارت روسیه تلاش داشت شیلات را در دست اتباع خود حفظ کند. بدین سبب، وزارت خارجه طی یادداشتی مورخ ۲۴ صفر ۱۳۳۳ ق به درخواست لیانازف ها جواب محکم و روشنی داد:

«... دولت علیه موافقت قراردادی که با لیانازف ها دارد، باید هر ساله اقساط مال الاجاره را با پول رایج روسیه یا فرانسه دریافت نماید و لیانازف ها در پرداخت اقساط سنه ۱۹۱۵ م مطابق این قرارداد رفتار ننموده و مبلغی از آن بابت به دولت علیه مقروض می باشند که باید از عهده آن برآیند. اقساط سنه ۱۹۱۶ م. نیز از ماه ژانویه شروع می شود. وزارت مالیه حوالجات خود را همین چند روزمره به آنها ابلاغ و اخطار خواهد نمود. اگر تفاوت وجود پرداختی سنه ۱۹۱۵ م از بابت تفاوت سکه طلا و اقساط سنه ۱۹۱۶ م به سکه پرداخت ننماید، یک نوع تخلف از قرارداد خواهد بود و دولت علیه حق فسخ آن امتیاز نامه را برای خود محفوظ می دارد و خاطر نشان می نماید که سکه طلای روسیه یا فرانسه هیچ یک ترقی فوق العاده ای نکرده، بلکه منات کاغذی روس تنزل نموده است. دولت ایران به هیچ وجه در قرارداد خود معامله به منات کاغذی ننموده است که در ترقی و تنزل آن مستأجرین شیلات از این بابت تقاضای مساعدتی نمایند.»

سفارت روسیه که نقش میانجی یک طرفه را بازی می کرد، ترجمه نامه سارباکوف<sup>۱</sup> وکیل و وصی وارث لیانازف را برای وزارت خارجه فرستاد. در این نامه سارباکف مدعی شده بود:

«امروز ۴ ربيع الثانی ۱۳۳۴/۲۶ نوامبر ۱۹۱۶} مبلغ یک صد و شصت هزار فرانک توسط بانک موسوم به پاریس (برای تجارت خارجه روس) برات نموده ام که به بانک شاهنشاهی ایران در پاریس بابت قسط اول مورخه ۲۸-۱۵ نوامبر به حساب دولت علیه ایران مربوط به اجاره شیلات پردازد، ولی به واسطه مسائل پلیتیکی (سیاسی) این زمان شعبه بانک مقیم پاریس پرداخت وجه برات را موکول به وصول اجاره نامه از وزارت خارجه می داند و به این دلیل تأخیر حاصل شد. بدیهی است، دولت علیه از مراتب فوق مستحضر نموده و خاطر نشان نماید که هرگاه تأدیه وجه در پاریس تا زمان رسیدن اجازه نامه وزارت خارجه به تعویق افتد، ایرادی نگیرد».

مشاورالممالک، وزیر امور خارجه، از وزارت مالیه درخواست نمود در این رابطه نظر خود را اعلام نماید، وزارتخانه مذکور، به شرط دوم قرارداد امتیاز استناد کرد و اعلام نمود:

«از آنجایی که از کمپانی لیانازف خواسته شده که مال الاجاره را به تجارتخانه تومانیاس و برادران، در هر جایی از اروپا که این تجارتخانه بخواهد، پرداخت نماید. بنابراین، حواله ای که کمپانی لیانازف قبل از وصول مکتوب و قبض دولت ایران صادره نمود، چون مخالف با مواد

---

۱- Sarebekove.

کنترات (قرارداد) است، قابل قبول نیست.»

سارابکوف علت وجود این مشکل را، عدم معرفی نماینده تجارتخانه تومانیاس، در پاریس ذکر کرد و اعلام نمود:

« ما از آن ها خواستیم که اقساط را در بادکوبه و در عوض فرانک به مظنه (قیمت) روز منات دریافت کنند. آنها هم پذیرفتند، اما اظهار داشتند که چون از دولت ایرانی سؤال نموده و جواب نرسیده، به همان ترتیب که قسط اولیه را در ماه فوریه پرداخت نموده اید، عمل کنید. به همین خاطر، (لیانازف) هم قسط خود را به بانک روس برای تجات خارجه داده که به بانک شاهنشاهی مقیم پاریس پرداخت نماید. سارابکف از دولت ایران می خواهد که در آینده پرداخت اقساط مستقیماً توسط بانک استقراضی یا بانک شاهنشاهی انجام گیرد تا این اختلافاتی را که توسط تجارتخانه تومانیاس به وجود آمده، دیگر رخ ندهد.»

مارتین لیانازف هم دلیل دیرکرد پرداخت اقساط مال الاجاره و همچنین این نحوه پرداخت به وسیله بانک روس برای تجارت خارجه را، دیر اطلاع یافتن از خواست دولت علیه ایران، توسط تجارتخانه تومانیانس دانست:

«چون امر دولت از جانب دارالتجاره برادران تومانیانس تا پنجم فوریه روس به این دارالتجاره (لیانازف) نرسیده بود، مجبوراً پرداخت ۱۶ نوامبر ۱۹۱۶م را به تنها وسیله ای که ممکن بود، یعنی در پاریس کارسازی نمودیم»

وی همچنین همراهی نکردن دفتر اعتبارات وزارت مالیه روسیه، برای تبدیل منات روسی به فرانک طلا را از دیگر علل دیرکرد در پرداخت اقساط خود ذکر کرد. وی تجارتخانه تومانیانس را به تعلل در ایجاد ارتباط به موقع بین دولت ایران و شرکت لیانازف، محکوم کرد.

به هر حال به موجب قرارداد منعقدہ مابین دولت ایران و لیانازف (۲۵ ربیع الثانی ۱۳۱۱/۱۶ اکتبر ۱۸۹۳) مقرر شده بود که شرکت لیانازف، هر ساله مبلغ بیست و چهار هزار نیم امپریال طلای روسی - هر یک عدد آن برابر بیست فرانک فرانسوی و روی هم رفته چهارصد و هشتاد هزار فرانک طلای فرانسوی می شد - در هر نقطه از خاک اروپا که دولت ایران تعیین کند، پرداخت نماید.

در سال ۱۹۱۶م به علت کمبود منات طلا در بازارهای جهانی، هیأت دولت ایران تصمیم گرفت که به جای ۴۸۰ هزار فرانک طلا، مبلغ ۲۷۰ هزار منات کاغذی، به عنوان اجاره بها از شرکت لیانازف دریافت کند که پس از تبدیل به تومان، مبلغ پنجاه هزار تومان دولت ایران ضرر کرد. به این ترتیب، اگر دولت ایران با این پیشنهاد که به جای ۱۸۰ هزار منات طلا، ۲۸۸ هزار منات کاغذی دریافت کند، مبلغ شصت و چهار هزار و هشتصد تومان از بابت تبدیل منات کاغذی به تومان ضرر خواهد کرد. به همین خاطر، دولت از شرکت لیانازف خواست که مبلغ ۱۸۰ هزار منات طلای اجاره بهای سال ۱۹۱۷م، را در سن پترزبورگ به اداره مرکزی بانک استقراضی بپردازد تا بانک استقراضی تهران منات طلا را به تومان به دولت ایران، تحویل بدهد.



«چون وجه مال الاجاره شیلات بحر خزر مثل کوپن (به معنی سهم) استقراض است، باید به قرار منات طلا کارسازی شود. بنابراین، نه برای بانک استقراضی و نه کمپانی لیانازف عذری در قبول و تأدیه یک صد و هشتاد هزار منات طلا باقی نخواهد ماند و سفارت دولت بهیّه روسیه هم در مقابل لیانازف ها موقع اعتراض نخواهد داشت.»

### تشکیل شرکت سهامی لیانازف

شرکت لیانازف از پرداخت اجاره بهای دولت ایران همچنان خودداری می کرد و در هر زمانی، بهانه ای می آورد. آخرین بهانه آن ها، کمیاب شدن طلا بود که از دولت ایران درخواست نموده بودند اجاره بهای سال ۱۹۱۷ را به منات کاغذی دریافت بکند ولی دولت ایران خواسته آن ها را نپذیرفت. شرکت لیانازف برای وقت کشی، تشکیل شرکت سهامی را مطرح نمود. آنان این پیشنهاد را طبق ماده دوم قرارداد اکتبر ۱۸۹۶م منعقد بین دولت ایران و شرکت لیانازف که مبنی بر آن، وراث لیانازف برای اداره بهتر تجارتخانه خود حق دارند شرکایی را دعوت کنند، تشخیص دادند و تأکید نمودند که این مسأله صرفاً تجارتنی است.

و ثوق الدوله، وزیر خارجه معتقد بود که ماده دوم قرارداد ۱۸۹۳م به هیچ وجه حق تشکیل شرکت "اکسیونی" (سهامی) را نمی دهد مگر این که موافق اظهار نماینده لیانازف ها، مقصود تأسیس شرکت سهامی نبوده فقط

تقسیم سرمایه و منافع بدست آمده بین وراث و سایر اعضاء شرکت لیانازف بوده باشد. وزارت خارجه برای پرسشی پیرامون چند و چون این امر طی گزارش مورّخه ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۵ق/۱۲ فوریه ۱۹۱۷م به احمد شاه چنین نوشت:

«در باب تقاضای سفارت روس راجع به کمپانی لیانازف و کمپانی مذکور تشکیل کمپانی سهامی بنماید به قراردادهای لیانازف مراجعه کرده و مخصوصاً با مسیو گریگوری، نماینده لیانازف ها ملاقات نموده و این صورت مراتب به او تشریح شد که به موجب ماده دوم کنترات (قرارداد) مورخ ۱۸۹۶م مطابق ۱۳۱۴ق که این طور مذاکرات اگر چنانچه برای ترقی کل صیادی شیلات،

مسیوگیورگی لیانازف بخواهد برای خود شرکایی قرار بدهد، لهذا از این تاریخ به بعد مجاز و مختار است که هر وقت از اوقات لازم بداند، از روی قانون مملکتی روسیه در انعقاد و دایر نمودن آن شرکت مختار خواهد بود حق تشکیل کمپانی سهامی داده شده، ولی در کنترات های بعد باید به این مسئله اشاره کرده، بنابراین، همه صلاحیت خود را از دست داده است. او اظهار داشت که اولاً قرارداد ۱۸۹۶م به قوت خود باقی است زیرا که این قرارداد آخرین کنترات قانونی است که با دولت منعقد شده و قرارداد ۱۹۰۶م مطابق ۱۳۲۴ق ضمیمه و تکمیل آن است. به طوری که این ضمیمه مواد قرارداد اصلی را از قوت خود بی اثر نمی کند و ثانیاً در این جا سوء تفاهمی حاصل شده و من ناگزیرم توضیح بدهم که مقصود صاحب امتیاز، تأسیس کمپانی سهامی به معنی حقیقی آن نیست. زیرا به طور قطع در سال ۱۹۲۵م خاتمه خواهد یافت. بنابراین، کدام سرمایه دار سهام شرکت یا امتیازی را که موعده آن هشت سال باشد، اکتیو (بازخرد) خواهد نمود. پس از این توضیح معلوم می شود که مقصود ما تأسیس شرکت حقیقی سهامی نیست بلکه منظور این است که اکنون صغار صاحب امتیاز اصلی کبیر شده و در صدد تفکیک اموال خود بین ورثه و شرکاء هستند و می خواهند این امتیاز را به عهده شرکاء و سرمایه آن ها تقسیم کنند که سهم هر یک معلوم شده و به طرز اداره منظم این کمپانی بقیه مدت امتیاز خود را به خاتمه برسانند. مراتب را به عرض رسانید تا به هر طوری رأی مبارکه متوجه گردد جواب یادداشت سفارت نوشته شود.»

جواب دولت ایران، همان بود که وثوق الدوله در نظر داشت یعنی تنها با تقسیم سرمایه شرکت موافقت داشت. سرانجام روسیه تزاری که همواره شرکت لیانازف را پشتیبانی و حمایت کرده بود، طی نامه ای به وزارت خارجه ایران، تشکیل تجارتخانه لیانازف را اطلاع داد:

«از قراری که از اداره لیانازف ها به سفارت اطلاع می دهند، به موجب ماده دوم قرارداد مورخه دهم اکتبر ۱۸۹۶ منعقد فی ما بین دولت علیه ایران و اداره مزبور، تجارتخانه ها به عنوان تجارتخانه وراث لیانازف ها تشکیل شده و اعضای تجارتخانه مزبور فقط شرکای سابق اند و اسامی آن ها از این قرار است: مارتین و استپان و لئون گئورگیویچ لیانازف<sup>۱</sup> و الکساندر آقا قوفوویچ<sup>۲</sup> و

ملک آزاریانتس و سارابکوف. محض استحضار وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه زحمت افزا شد.»

## لغو قرارداد لیانازف

با وقوع انقلاب ربیع الاول ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م در امپراتوری روسیه تزاری، دشمن اصلی و استقلال و تمامیت ایران، سقوط کرد. پیروزی انقلاب روسیه بارقه امید در دل ملیون و آزادی خواهان ایران بر جای نهاد. کسانی از این گروه که می پنداشتند دوران ستمگری روسیه تزاری در ایران به سر رسیده، بر آن شدند تا نخستین برگ این دفتر را خود بکشایند. از این رو، در روز یکشنبه، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۵ق / ۱۷ آوریل ۱۹۱۷م هشتاد و نه نفر از مشاهیر ایرانی، شامل بعضی از نمایندگان سه دوره گذشته مجلس شورای ملی و وطن دوستان آزادی خواه، تلگرافی به مجلس دومای روسیه فرستادند و در آن پس از ابراز خشنودی از پیروزی ملت بزرگ روسیه، انقلاب روسیه را پرتو درخشانی تشبیه کردند که سرانجام جهان را روشن خواهد کرد و واپسین تاریکی

---

۱- Leon Georgyov Lyanazov

۲- Alexander Agha Kufovich

ها را خواهد زدود. در آن سوی بلشویک های حاکم در شوروی که انقلاب (مشروطیت) ایران را "کلید یک انقلاب سراسری" در شرق تلقی می کردند، برای جلب دوستی ایران به پا خواستند و در نخستین گام "شورای کمیسرهای خلق" در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۵ق / ۳ دسامبر ۱۹۱۷م در بیانیه ای خطاب به مسلمانان و شرق، امپریالیسم تزاری را در ایران محکوم و معاهده ۱۹۰۷م را ملغی نمود و اعلام داشت به محض خاتمه مخاصمات، نیروهای روسی فوراً از ایران خارج خواهد شد و حق ایرانیان در تعیین سرنوشت خویش تضمین خواهد گشت. دلگرم کننده تر از این بیانیه، یادداشت مورخ ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ق / ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸م تروتسکی، وزیر خارجه شوروی به دولت ایران بود که علاوه بر الغای قرارداد ۱۹۰۷م تمام معاهدات منعقد شده بین دو کشور که حقوق مردم ایران را در یک موجودیت آزاد و مستقل به نحوی محدود ساخته یا در آن مداخله می کردند، ملغی ساخت. این زمان، بهترین فرصت، برای دولت ایران بود که خود را از

زیر سلطه صد ساله دولت روسیه رها سازد، ولی ایران قدرت و توان لازم برای این کار را نداشت؛ چرا که با وجود اعلام بی طرفی در جنگ اول جهانی به اشغال درآمده بود. با وجود این، تمام تلاش خود را برای گسستن برخی از بندهای این سلطه به کار گرفت و در این میان یکی از موارد که توجه دولت ایران را به خود جلب کرد، شیلات شمال کشور بود. این قرارداد سال ها با حمایت و پشتیبانی روسیه تزاری منابع طبیعی دریای ایران را به غارت می برد. شرکت لیانازف و در کشاکش جنگ اول جهانی و انقلاب روسیه بهای شیلات را به دولت ایران نپرداخته بود. به همین خاطر از سفارت روسیه تزاری خواست که به دولت ایران خبر دهد که به علت "فرس مازور" (حکومت نظامی) در روسیه و مختل شدن امور بانک ها هیچ گونه اقدامی برای فرستادن حوالجات صورت نمی گیرد و امکان دارد نتواند اجاره بهاء را سر موقع به دولت ایران پرداخت نمایند، بنابراین، از دولت ایران چهار ماه فرصت می خواهد، تا بتواند کاری انجام بدهد.

«دولت ایران با وجود خالی بودن خزانه، با تقاضای آن ها موافقت نمود و آخرین مهلت پرداخت اجاره بهای آنان را ۱۷ شعبان ۱۳۳۶ ق / ۲۷ مه ۱۹۱۸ م اعلام نمود و هشدار داد که در آن تاریخ، لیانازف ها می بایستی بدون هیچ عذر و بهانه ای اجاره بهاء تعیین شده را به علاوه تنزیل چهار ماه مهلت بپردازد و در صورت تخلف، اولیاء دولت ایران نظرات خودشان را راجع به شیلات به موقع اجاره خواهند گذاشت.»

باز هم لیانازف ها اجاره بها را نپرداختند و این بار فرصتی بیشتر از دفعه قبل یعنی تا پایان انقلاب روسیه، درخواست نمودند. سفارت روسیه تزاری که همچنان از این تعلل لیانازف ها حمایت می کرد، طی نامه ای در شعبان ۱۳۳۶ ق مجدداً تقاضای فرصت و زمان بیشتری را نمود. ولی دولت ایران آن را بر خلاف قراردادی با لیانازف بسته بود تشخیص داد و درخواست سفارت روسیه را رد کرد.

نجف قلی صمصام السلطنه بختیاری، در ۱۹ رجب ۱۳۳۶ ق / ۳۰ آوریل ۱۹۱۸ م به جای میرزا حسین خان مستوفی الممالک به ریاست الوزرا منصوب گردید. بعد از جریان هایی که بر سر اجاره بهای شیلات صورت گرفته بود، پس از مذاکراتی پیرامون آن در هیأت دولت و وزارت

فواعد عامه انجام شد، در تاریخ ۱۲ شعبان ۱/۱۳۳۶ ژوئن ۱۹۱۸، مشاورالملک وزیر فواعد عامه، رسماً قرارداد را لغو نمود. و بلافاصله طی نامه ای به سفارت روسیه تزاری الغای قرارداد لیانازف را به طور رسمی اعلام نمود:

«دولت ایران با وجود عدم پرداخت مال الاجاره شیلات توسط مستأجر آن، خود را در فسخ اجاره ذیحق دانسته و بعد از چهار ماه مهلتی که برای پرداخت مال الاجاره نظر به خواست سفارت روسیه به مستأجر داده شد، دولت دیگر اظهارات لیانازف ها را قابل اعتماد ندانست. به علاوه نظر به اینکه مستأجر شیلات در مقابل میلیون ها منافع و فوایدی که در این سنوات برده و دولت علیه همواره ضرر فاحش در این معامله داشته، برای حفظ احترام خود تحمل نموده و مستأجر بر خلاف مساعد نهایی دولت علیه در این چند ساله اخیر به عناوین مختلف و تشبیهات غیر مریضه (بهانه های واهی) از ادای وجه طلا که شرط قرارداد آن ها بوده، استنکاف کرده و ثلث اجاره حقیقی را به دولت نپرداخته و هذمه السنه علاوه بر مراتب فوق، بلکه از تأدیه مال الاجاره در موقع خود و بعد از موقع تقاضا شده، خودداری و استنکاف نموده است و وزارت امور خارجه به موجب همین یادداشت فسخ و ابطال قرارداد شیلات را اعلام داشته و آن را فسخ شده می داند و به مأمورین دولت علیه امر به توقیف و ضبط ادارات شیلات در تمام سواحل بحر خزر خواهد داد و از اولیای آن سفارت سنیه تقاضا دارد که مراتب را به اداره لیانازف ها اخطار و مقرر فرمایند که هر قیمت و از اسباب و لوازم و واتگه های متعلق به شیلات و صید ماهی در خاک ایران دارد، به وزارت خارجه بدهد که اگر در بین آن ها موافقت حاصل گردید و الا مطابق شرط هفتم اداره کلیه ملزومات خود را جمع نموده و در مدت معین از ایران خارج نماید. بدیهی است دولت علیه ایران هر گونه حقوقی را تا این تاریخ مطابق قرارداد شیلات که بر عهده اداره، لیانازف ها باقی مانده مطالبه خواهد نمود.»

پس از اینکه دولت ایران به طور رسمی قرارداد را لغو نمود و به سفارت هم ابلاغ کرد، برای وصول طلب خود و اتباعش، اموال لیانازف ها در سواحل دریای مازندران را توقیف نمود. پس از این که خانواده لیانازف (که در این زمان در روسیه بودند) اطلاع یافتند، به سوی ایران حرکت

کردند و از سفارت روسیه تزاری درخواست کردند که به این اقدام دولت ایران اعتراض کرده و بخواهد در تصمیم خود تجدید نظر بکند. سفارت روسیه در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ق، به این اقدام دولت ایران اعتراض کرد و آن را بر خلاف قرارداد و بدون رضایت لیانازف ها، عملی اشتباه دانست.

«اولاً مسئله الغای امتیاز بدون رضایت مشترک طرفین، نمی توانست صورت بگیرد؛ خصوصاً در صورتی که ماده دوم امتیاز نامه ۱۷ صفر ۱۳۲۴ق به طور وضوح نوشته شده است که دولت ایران متعهد است بدون رضایت لیانازف ها مقررات کتبرات (قرارداد) را فسخ و متروک ندارد، ثانیاً آن وزارت جلیله مرقوم داشته اند که با وجود میلیون ها منافع که لیانازف ها برده اند، از پرداخت مال الاجاره تعلل می ورزد. سفارت متمنی است که آن وزارت جواب دهد که آیا تصور می رود به سبب مسامحه در پرداخت مال الاجاره سالیانه که دولت علیه آن را مبلغ نازلی می داند، لیانازف ها خود را علی العمده چار خطر از دست دادن منافع که دولت علیه آن را فوق العاده می داند، بنمایند، آیا ممکن است تصور مسامحه اداره مزبور از تعهدات خود با ورود صاحب اداره به طهران موافقت کند. ثالثاً وزارت خارجه به مهلتی که داده شد، اشاره می نماید و در صورتی که به یاد داشت سفارت هیچ جوابی داده نشده بود و فقط شانزده روز قبل از اتمام چهارماه دولت علیه اطلاع می دهد که حاضر است چهار ماه مهلت مزبور را بپذیرد و خود آن وزارت اطلاع دارند که مخابرات با روسیه در این موقع چه قدر وقت لازم دارد.... رابعاً برای دولت جلیله پوشیده نیست که با اوضاع حالیه نمی توان به آسانی تحصیل پول نمود زیرا غیر از پرداخت پول به کارگران، هیچ از بانک های حالیه نمی توان جز از یک مبلغ منات معین خیلی مختصر در هر ماه پردازد و مکرراً وجهی را که لیانازف ها تهیه کرده و به ایران می فرستادند، در بین راه ضبط شده است و فقط همین فرس مازور (حکومت نظامی) سبب عدم پرداخت مال الاجاره لیانازف ها بوده و هیچ ربطی به اعتبار اداره مزبوره و مساحی (حساب) آن ها در تحصیل وسایل نداشته است. خامساً نظر به مراتب فوق، سفارت جداً از قبول قانونی بودن الغاء امتیاز لیانازف ها استنکاف ورزیده و با تمام وسایل ممکنه حفظ حقوق اداره آن ها را خواهد نمود.»

سفارت روسیه در آخر به سختی مشکلات عملیات صید ماهی اشاره کرده و خواستار تجدید نظر دولت ایران در این مسئله شد.

البته در خود وزارت امور خارجه هم کسانی پیدا می شدند که با این تصمیم دولت مخالف ورزند، از مهم ترین آن ها "نصرالسلطنه، رئیس اداره تحریرات روسی وزارت خارجه" بود. به عقیده وی با توجه به انقلابات روسیه و نبودن وسایل حمل و نقل در این مملکت، مستأجر جدیدی برای شیلات پیدا نمی شود، علاوه بر این، مقدار زیادی اسباب و لوازم برای اینکار لازم است که در این موقع نمی توان از روسیه تهیه کرد و بدون وسایل مزبور، نه دولت و نه هیچ مستأجر دیگری نمی تواند این کار را اداره نماید. همچنین لیانازف ها بعد از این که قراردادشان لغو شد، به هیچ وجه به مستأجر جدید اجازه استفاده از تأسیسات شان را نخواهد داد. ....»

ثانیاً با وضعیت کنونی گیلان و سواحل بحر خزر اگر اولیای دولت فرضاً به فسخ قرارداد و الغای کنترات لیانازف ها شامل شود، آیا خواهد توانست آزادانه شروع به عملیات جمع آوری عایدات دولت نماید.»

از نظر وی مهمترین مسئله ای که دولت بایستی به آن توجه کند، این است که لیانازف ها دو قرارداد دارند که اولی در سال ۱۹۲۰م خاتمه می یابد و فعلاً دو ماه از آن باقی مانده و دومی از سال ۱۹۲۱م شروع و در سال ۱۹۲۵م منقضی می شود:

«آنچه این بنده استنباط می کنم این است که این آقایانی که به تهران آمده اند، چندان هم بی میل نیستند که به سبب اوضاع جنگی و انقلابی روسیه و ضرر کلی که به آن ها به این خاطر به آن ها وارد می شود، دو سالی کار شیلات در دست آن ها نباشد و بعد دوباره از ابتدای سال ۱۹۲۱م به موجب قرارداد جداگانه ای با دولت، شیلات را بدست گیرند. با وجود این تصور می کنم که اولیای دولت در این مدت دو سال جز ضرر و خسارت و اختلال امر شیلات نتیجه دیگری از قرارداد لیانازف ها نخواهد برد.»

نصرالسلطنه از دولت خواست که قبل از اینکه تصمیم قطعی درباره الغاء قرارداد لیانازف بگیرد و در جلسه ای با حضور نماینده وراثت لیانازف و سفارت روسیه و دولت ایران مجدداً آن را مورد

بررسی قرار دهد. دولت ایران همچنان بر روی تصمیم خود پافشاری می نمود و راضی بود بیشتر از این ها ضرر بکند ولی دوباره پای اتباع دولت روسیه را در دریای مازندران باز نکند.

مارتین لیانازف که به عنوان وکیل وراث لیانازف معرفی شده بود، طی نامه ای به وزارت خارجه ایران در مورخه ۲۲ ذی القعدة ۱۳۳۶ ق / ۳۰ اوت ۱۹۱۸ م، آمادگی خود را برای مذاکره پیرامون عقد یک قرارداد جدید با دولت اعلام نمود و یادآور شد:

«برای تأسیس تجارتخانه شیلات در سواحل دریای مازندران چندین کرور تومان خرج کرده و اگر به خاطر طول مدت اجاره نبود، هرگز چنین کاری نمی کرده است و از طرف دیگر تهدید کرد به هیچ وجه از اثاثیه و ملزومات خود، چیزی به مستأجر جدید واگذار نخواهد کرد.»

مارتین لیانازف پیشنهادهایی برای بدست آوردن دوباره امتیاز، به دولت ایران داد که مهمترین آن ها به این صورت بود:

« قبل از اینکه قرارداد جدیدی راجع به شیلات با اولیای دولت علیّه منعقد گردد، قرارداد حالیه اعتبار دارد و اعتراضات لیانازف به فسخ آن به قوت خود باقی خواهد بود. مال الاجاره عقب افتاده موافقت شرایط کنترات تمام و کمال بدون تأخیر پرداخت می شود. برای قرارداد جدید مال الاجاره به قرار زیر است:

پنج سال اول از قرار سالی یکصد و پنجاه هزار تومان.

پنج سال دوم از قرار سالی یکصد و هشتاد هزار تومان.

پنج سال سوم از قرار سالی دویست و ده هزار تومان.

پنج سال چهارم از قرار سالی دویست و چهل هزار تومان.

پنج سال پنجم از قرار سالی دویست و هفتاد هزار تومان.

پنج سال ششم از قرار سالی سیصد هزار تومان.



به اضافه مال الاجاره مذکوره فوق، هر ساله از منافع خالص شیلات صدی بیست به دولت علیّه واگذار خواهد شد از منافع خالص شیلات، سالیانه صدی دو، برای مصرف خیریه و توسعه معارف در تحت اختیار هیأت دولت پرداخته می شود. به لیانازف حق داده می شود که برای خود شرکایی دعوت نماید و تشکیل شرکت بدهد یا کمپانی اسهام تأسیس نماید که اتباع ایران حق داشته باشند در آن کمپانی شرکت نموده و از اسهام آن خریداری نمایند. لیانازف حاضر است در صورتی که هیئت محترم دولت نظریاتی در خصوص این پیشنهاد داشته باشد، داخل مذاکره شده، نظریات هیئت دولت را تحت مذاقه گرفته و عقیده خود را راجع به آن به عرض برساند.»

سرانجام نامه نگاری ها و پیشنهادهای مارتین لیانازف به نتیجه رسید و دولت ایران حاضر شد که امتیاز شیلات شمال را مجدداً به آن ها واگذار نماید. قرار واگذاری شیلات به این ترتیب تهیه شده بود که بین وزارت تجارت و فواعد عامه از یک طرف و آقای مارتین لیانازف نماینده تجارتخانه برادران لیانازف از طرف دیگر، قراردادی منعقد شود، ولی مارتین لیانازف زیر بار نرفت و اعلام داشت:

«باید نوشته بین اعلیحضرت سلطان احمد شاه پادشاه ایران از یک طرف و مارتین لیانازف از طرف دیگر، این قرارداد منعقد گردد. هرچه اولیای دولت به مارتین می گویند که ایران امروز، غیر از دیروز است، الآن مشروطه است، دارای قانون اساسی است و شاه هیچ مسئولیتی ندارد، نشد که نشد و وی زیر بار نرفت و مذاکرات به هم خورد.»

بعد از اینکه مذاکرات مارتین لیانازف با دولت ایران به شکست انجامید، وی درصدد برآمد که با کشاندن پای تجار بزرگ ایرانی در سهام شرکت لیانازف، از توان و قدرت سیاسی و اقتصادی آنان برای گرفتن امتیاز از دولت ایران استفاده کند. به همین سبب، در اوج کشمکش بر سر لغو قرارداد لیانازف، سه سهم از سهام کمپانی لیانازف را به «حاج معین التجار بوشهری»<sup>۱</sup> فروخت ولی این ترفند هم به نتیجه ای نرسید.

به علت ممنوعیت شرکت لیانازف از صادرات، مقدار زیادی ماهی های صید شده به علت گرمای هوا در حال فاسد شدن بود. سفارت روسیه طی نامه ای مورخه ۸ شوال ۱۳۳۶ به وزارت امور خارجه ایران نوشت:

« چون به علت نبودن اسید تمامی ماهی های یخ زده در حال فاسد شدن است، بنابراین، از شما تقاضا داریم که فوراً حکم تلگرافی صادر گردد که از حمل امتعه مزبور ممانعت ننماید» هیأت دولت بعد از بررسی موضوع دستور داد:

« که آن مقدار ماهی که از تاریخ الغای اجاره صید شده بود حمل شود و آن مقدار که بعد از تاریخ مزبور است، متعلق به دولت ایران بوده و قیمت آن باید به خزانه برسد و در این موضوع هیچ گونه مسئولیتی متوجه دولت نمی تواند گردد و دولت در اقدامات خود محق بوده است.»

### رسیدگی دولت ایران به بدهی شرکت لیانازف

شرکت لیانازف هم به دولت ایران و هم به دیگر تجار، ماهی گیران و کارگران ایرانی و روسی شرکت، مبالغ زیادی بدهکار بود. از طرف دیگر، دارایی شرکت اعم از منقول و غیر منقول، در

---

۱- حاج محمد معین التجار بوشهری از بازرگانان سرشناس عصر ناصری بود و املاک و تأسیسات تجاری گسترده ای در ایران داشت.

معرض غارت و نابودی قرار داشت. ادارات صیادی در طول سواحل دریای مازندران، از آستارا تا خلیج حسین قلی بدون سرپرست مانده بود و مدیران و کارگران سابق، آنچه را که می توانستند از ادارات به غارت می بردند. ادارات شیلات در تمام سواحل دریای مازندران در بلا تکلیفی قرار داشت. دولت ایران برای تنظیم کار شیلات و تصفیه بدهی لیانازف ها تصمیم گرفت میرزا مجید خان آهی، کمیسر شیلات را برای رسیدگی به این امر به انزلی بفرستد. در تاریخ ۵ شعبان ۱۳۳۷ق/ ۶ مه ۱۹۱۹م بر حسب دعوت میرزا مجید خان آهی، کمیسیون مرکب از عبدالرحمن عیسوی فرهادی، کنسول روسیه در انزلی و شاهزاده نادر میرزا، حکمران و آقای معین التجار، معاون حکمرانی انزلی و همچنین مسیو باغدان، مترجم کنسولگری تشکیل گردید تا در مورد ضبط و برداشتن صورت دارایی تجارخانه به مذاکره پردازند.

پس از صورت برداشتن از اموال لیانازف، مجید خان آهی اقدام به فروش قسمتی از آنها نمود و سپس در انزلی اعلانی داد:

«دولت علیه به موجب دعاوی اتباع ایران و سایر تجارتخانه ها نسبت به تجارتخانه لیانازف ها، برای تأمین این مطالبات مصمم شده که دارائی و ماشین آلات تجارت خانه مذکور را توقیف کند، لهدا تمام اشخاص که مطالبات و دعاوی نسبت به تجارتخانه مزبور دارند، باید هر چه زودتر به میرزا مجید خان آهی رجوع کنند و مقدار طلب و اسناد خود را اطلاع دهند. به همین منظور، وزارتخانه در ۲۴ رجب از کنسولگری می خواهد که به لیانازف ها اطلاع دهد که به علت توقیف بودن اموال، آن ها حق فروش و یا انتقال آن به دیگری را ندارند.»

بر اساس برآورد وزارت امور خارجه، بدهی شرکت لیانازف به دولت ایران، مبلغ ۴۸۰۰۰ فرانک طلا، معادل ۱۲۰۰۰۰ تومان بود. همچنین مهمترین طلبکاران شرکت لیانازف، حاجی رحیم اتحادیه ۸۰۰۰ تومان، تجارت خانه تومانیانس ۸۰۰۰ تومان و میرزا بوطالب دریابگی ۱۱۵۰۰ تومان بود.

در میان اموال به مزایده گذاشته شده در انزلی، پنج بار کابل بزرگ و کوچک و مقداری مواد کفنی قابل استفاده بود که مجید خان آهی حاضر نشد آن را به فرستاده دینکن<sup>۱</sup> روسی بفروشد و اعلام داشت که تنها آن را به دولت می فروشد و در تلگرافی به وزارت خارجه، دولت را از اهمیت حیاتی این بار برای رفع حوایج نظامی و اداری و محلی آگاه کرد.

سفارت منحل شده تزاری به شدت به این کار میرزا مجید خان آهی اعتراض نمود که چرا مجید خان از فروش این مواد برای پرداخت حقوق کارگرها، که تعداد آن ها چندین هزار نفر است، جلوگیری می کند. سفارت روسیه تزاری در ۱۷ شوال ۱۳۳۷ طی نامه ای به وزارت خارجه اعتراض خود را چنین شرح داد:

« اولاً به ملاحظات پلیتیکی و برای حفظ امنیت عمومی باید علیحده قبلاً مسئله استرضای عملجات در تمام شیلات لیانازف ها در ایران حل و تسویه شود. ثانیاً برای این مقصود فقط باید

در رشت کمیسینی از نمایندگان روس و انگلیس و لیانازف ها تشکیل گردد. ثالثاً برای استرضای خاص عملجات باید اشیای متعلقه به لیانازف ها از قبیل تخته و میخ و کنف که در انزلی و جزو صورت منظور است، به طور حراج به فروش برسد. با وجود این تصمیم قطعی متخذة حضرت اشرف، آقای رئیس الوزرا و دوستدار و مأمورین دولت علیّه در رشت و انزلی دائماً با این تصمیم موافقت نمی کنند. این عمل را که لزوم حل فوری آن از طرف حضرت اشرف معظم له و دوستدار به یک طریق اتخاذ شده به عهده تعویق می گذارند. در آخر هم سفارت می خواهد که حراج تنها در انزلی باشد چون خریدار آن آماده است.»

میرزا مجید خان آهی در گزارشی به تاریخ ۲۰ ذی الحجه ۱۳۳۵ق نامه ای به وزارت خارجه نوشت و اعلام داشت که تا کنون با حراج اموال تجارتخانه لیانازف ها، مبلغ چهل و سه هزار تومان به دست آورده، دو هزار و پانصد نفر از کارگران ایرانی حقوق خود را کاملاً دریافت داشتند و در حدود چهل و پنج نفر از آن ها هنوز باقی مانده که بعد از فروش بقیه اموال،

---

۱- Dinkin.

حقوقشان داده می شود.

از طرف دیگر کنسولگری روسیه تزاری در انزلی هم بی کار نشست؛ برای پرداخت حقوق اتباع خود، اقدام به فروش اموال تجارت خانه لیانازف ها نمود. این اقدام کنسولگری، موجب نگرانی مجید خان آهی شد و از ریاست الوزراء در خواست کرد که به سفارت روسیه در تهران امر کند تا زمانی که، کلیه بدهی شرکت به دولت و اتباع ایران داده نشده است، از هر گونه اقدامی جهت فروش اموال لیانازف خودداری کند.

در این میان، هنگامی که لئون لیانازف و سارابکوف انزلی را به قصد باکو می خواستند ترک کنند، به علت اقدامات غیر قانونی شرکتشان در قاچاق ماهی ایران، به دستور میرزا مجیدخان آهی بازداشت شدند که تنها با وساطت وثوق الدوله، رئیس الوزراء و سفارت روسیه تزاری به

آنان اجازه حرکت داده شد. از طرف دیگر، همزمان با اقدام دولت ایران برای فروش اموال لیانازف ها در انزلی، واحدهای ارتش سرخ شوروی که در تعقیب نیروهای ضد انقلابی ژنرال دینکین<sup>۱</sup> بودند، وارد انزلی شدند و طولی نکشید که سرتاسر گیلان را به اشغال خود درآوردند.

دولت ایران چه در مسکو و چه در جامعه ملل متحد، نسبت به نقص تمامیت ارضی تجاوز به خاک ایران اعتراض کرد ولی اعتراضش به جایی نرسید. مسکو مصرانه جواب می داد که اشغال گیلان یک اقدام تأمینی است که توسط جمهوری شوروی آذربایجان صوت گرفته و دولت شوروی هیچ گونه نظارت و نفوذی بر اقدامات آن جمهوری ندارد. قوای شوروی به مجرد پیاده شدن در انزلی، با میرزا کوچک خان جنگلی که در رأس قوای علیه دولت وقت قرار داشت، تماس برقرار کردند. همچنین نیروهای شوروی با تصرف ادارات صیادی لیانازف ها در انزلی و حسین کیاده، اقدام به بهره برداری و قاچاق ماهیان خاویاری آنجا نمودند. تنها در یک مورد که کارگزار انزلی گزارش کرده است، مقدار بیست و پنج هزار پوند از ماهی خاویار شرکت مزبور را با زور اسلحه گرفتند و به باکو فرستادند.

### قرارداد شیلات پس از کودتا

روز ۵ اسفند ۱۲۹۹ش (۲۴ فوریه ۱۹۲۱م) احمد شاه با نخست وزیر سید ضیاء الدین طباطبایی موافقت کرد. در کابینه وی، رضا خان به وزارت جنگ منصوب شد. دولت ضیاء قول نظم داخلی، اصلاحات اجتماعی و استقلال ملی را به مردم داد.

دولت پس از کودتا، قاطعانه تصمیم داشت روابط خود را با دو قدرت جدید ایالت متحده و اتحاد شوروی بهبود بخشد تا بدین طریق وابستگی ایران به بریتانیا در سال های ۱۹۲۱-۱۹۱۸م را جبران کرده باشد. به همین خاطر، بر عهدنامه ای که پنج روز بعد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی بسته شده بود، صحه گذاشت.

آمدن یک هیئت ایرانی به پایتخت شوروی (مسکو) با تغییر در سیاست خارجی شوروی که در اواخر ۱۹۲۰م روی داد، همزمان بود. دولت ایران، تصمیم گرفت که با همسایه شمالی خود به مذاکره بپردازد. به همین جهت مشاور الممالک (علی قلی خان انصاری اشغلی) نماینده پیشین ایران در کنفرانس صلح پاریس را، مأمور انجام مذاکره با مسکو گردانید.

مشاور الممالک بعد از مدتی مذاکره توانست، عهدنامه ایران و شوروی را که مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ ماده بود با گئورگی واسیلیویچ چیچرن<sup>۱</sup> و میخائیل کارخان<sup>۲</sup> در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ برابر ۷ اسفند ۱۲۹۹ یعنی چند روز بعد از کودتا در مسکو به امضاء رساند.

بر اساس فصل اول این عهدنامه، دولت شوروی به سیاست جبارانه روسیه تزاری نسبت به ایران خاتمه داد و رسماً کلیه معاهدات و مقاولات و قراردادهایی را که دولت امپراتوری سابق با دولت ایران منعقد نموده و حقوق حقه ملت ایران را تضييع کرده بود، به کلی لغو و باطل می شمارد. با وجود این، تنها امتیازی که باطل دانسته نمی شد و سرنوشت آن را به مذاکرات بعدی موکول شد، امتیاز شیلات شمال بود که در فصل چهاردهم چنین آمده بود:

«با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اشاعه دولت روسیه، دولت ایران پس از انتضای اعتبار قانونی قرارداد فعلی خود نسبت به شیلات مزبور حاضر است که با اداره ارزاق

---

۱- Georgiy Vasiluvich Chichern.

۲- Mikail Karkhan.

اتحاد جمهوری شوروی قراردادی در باب استفاده از شیلات با شرایط مخصوصی که تا زمان معین خواهد شد، منعقد نماید. همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی داخل مطالعه وسایل حالیه که نیز تا رسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رسانیدن مواد شیلات مزبور را به شوروی با نظر ادارات ارزاق جمهوری شوروی تأمین بنماید، بشود.»

علل اصلی اهمیت شیلات ایران برای دولت شوروی را باید در عمق زیاد آب سواحل ایران و نقشی که در پرورش و تکثیر ماهی داشت و همچنین اهمیت محصولات شیلات ایران در معاش مردم روسیه، دانست. به همین سبب بود که واحدهای ارتش سرخ شوروی بعد از پیاده شدن در انزلی، تأسیسات اداره لیانازف را در حسن کیاده و بندر انزلی به تصرف درآوردند.<sup>۱</sup>

پس از کابینه سید ضیاء، قوام السلطنه را مأمور تشکیل کابینه شد. نمایندگی دولت شوروی که بعد از قرارداد مودت توسط دولت ایران به رسمیت شناخته شده بود، در یکی از اولین اقدام های خود طی نامه ای به تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۲۱م به وزارت خارجه ایران، خواستار اجرای فصول عهدنامه مودت و واگذاری شیلات به دولت متبوع خود شد.

« اکنون که امتیاز صید ماهی متعلق به شرکت لیانازف و وانسیسوف اختیار قانونی خود را از هر حیث از دست داده اند، با توجه به اینکه موقع صید ماهی زمستانی نزدیک شده، با کمال احترام خواهشمند است که در اسرع اوقات سه نفر مأمور مختار خود را برای قطع و فصل این مسئله تعیین نموده و داخل مذاکره گردانید تا به فوریت قرارداد لازمه را تصویب نموده و خاتمه دهند.»

دولت قوام السلطنه نسبت به مذاکره پیرامون انعقاد قرارداد شیلات با دولت شوروی، اظهار رضایت کرد ولی در عمل هیچ گونه جوابی به یادداشت نمایندگی شوروی نداد. نمایندگی شوروی که از این مماشات دولت ایران به ستوه آمده بود، در یادداشتی با عنوان "آقای وزیر امور خارجه" به وزات امور خارجه، نسبت به این اقدام دولت ایران اعتراض شدیدی می نمود:

«راجع به مراسله ۱۵ میزان هذه السنه (۷ اکتبر ۱۹۲۱م) دوستدار در خصوص اجاره شیلات سواحل بحر خزر به دولت متبوعه دوستدار زحمت افزا می شود که با کمال تأسف تا کنون نایل به جواب آن نگردیده، اگر چه در این مدت دوستدار کراراً به توسط همکاران خود با بعضی از اعضای محترم دولت داخل مذاکراتی گردید ولی جز اشاره به کمیسیون هایی که می یابد این مسئله را انجام دهند و در هیچ یک از آن ها نماینده ای از طرف دوستدار حضور نداشت، نتیجه ای حاصل نمود. بنابراین، دوستدار مجدداً خاطر محترم اولیای دولت جناب عالی را به مدلول قرارداد فی مابین متوجه می نماید که به موجب آن دولت علیّه ایران متعهد گردید که در خصوص ترتیب صید ماهی بتوسط اداره مربوطه دوستدار داخل مذاکره گردد و دوستدار به هیچ وجه نمی تواند تصور نماید که اولیای دولت علیّه نمی خواهد بر طبق بعضی مواد قرارداد مزبور رفتار فرماید و در صورتی که تعهدات از این طرف دیر زمانی است که به موقع اجرا گذارده شده است و دولت علیّه بدون انتظار ترتیب رسمی و رعایت آداب و رسوم بین المللی، تمام ادارات

متعلق به روس را به حیظه تصرف درآورده است. بدیهی است دوستدار معامله متقابله نمی نمایند ولی به دوستدار اختیار داده شده است که به طور قطع از دولت جناب مستطاب عالی تقاضای اجرای تعهداتی را که در ضمن آن مسئله ترتیب صید ماهی در سواحل بحر خزر است، بنماید. لهذا با کمال احترام خواهشمند است که هر چه زودتر جواب قطعی این مسئله را ارسال فرماید که آیا دولت علیه بدون فوت وقت با اتفاق همکاران دوستدار حاضر است داخل در ترتیب اجاره شیلات که به ملت ایران واگذار شده است بشود یا خیر»

سرانجام با پافشاری و اصرار نمایندگی شوروی و به دستور قوام السلطنه، کمیسیون هایی در ۱۸ ربیع الاول تا ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۰ق برای حل مسئله شیلات در دربار تشکیل گردید. از طرف دولت ایران آقای ناظم العلوم، معاون وزارت فلاحت و تجارت و فواعد عامه، آقای عزت الله خان هدایت، مدیر کل فلاحت و تجارت، آقای منصور السلطنه و آقای اسحاق خان رهبر، مدیر اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه و مسیو هوئن<sup>۱</sup>، رئیس سابق گمرکات انزلی برای شرکت در این کمیسیون ها معرفی شدند و دولت شوروی نیز مسیو پنا<sup>۲</sup>، مستشار سابق سفارت روس و مسیو بلیکف<sup>۳</sup>، نماینده تجارته روس در اداره ارزاق و آقای احمداف<sup>۴</sup>، رئیس دوایر خود را به

---

۱- Howen.

۲- Pener.

۳- Belikov.

۴- Ahmadov.

کمیسیون شیلات معرفی نمود.

در طی مذاکرات، نمایندگان دولت ایران پیشنهاد تشکیل شرکت شیلات را دادند؛ به طوری که صدی ۵۵٪ سهم دولت ایران و ۴۵٪ سهم دولت شوروی باشد. ابتدا نمایندگان شوروی با این پیشنهاد موافقت کردند. اما پس از بیانات کراسیم درباره مشکلات ماهیگیری و اینکه قسمت عمده زحمات آن متوجه دولت شوروی است، ضمن مخالفت با آن، خواستار واگذاری شیلات به عنوان اجاره شدند که با مخالفت نمایندگان ایران، مذاکرات قطع و کمیسیون های شیلات منحل گردید.



دولت اول قوام السلطنه گرچه در خصوص مسئله شیلات و قرارداد لیانازف به نتیجه قابل توجهی دست نیافت، ولی بهبود بخشیدن به روابط ایران و شوروی، مهمترین کامیابی دولت وی بود که در نتیجه آن، دولت شوروی از مداخلات بی رویه و ارسال مهمات و سایر ضروریات برای جنگلی ها خودداری کرد و آن طور که وعده داده بود، در انقلاب گیلان دخالت ننمود. علاوه بر این، دولت وی توانست عهدنامه مودت ایران و شوروی را در ماه دسامبر ۱۹۲۱/آذر ۱۳۰۰ش در مجلس مطرح و در ۲۳ همین ماه به اتفاق آراء به تصویب برساند.

پس از قوام السلطنه، مشیرالدوله پیرنیا به نخست وزیری رسید. هیأت دولت در خصوص شیلات تصویب نامه ای مورخ ۲۰ رجب ۱۳۴۰ق/۲۰ مارس ۱۹۲۲م اجازه داد برای صید بهاری سال ۱۳۴۰ق در دریای مازندران حق انحصاری خرید ماهی سوف و سازان و سُم در انزلی و آستیرو سورگاده در حسین کیاده به دولت روسیه شوروی واگذار گردد و همچنین قرار شد از صیادان بومی که از حدود قدیمی خود در مرداب انزلی تجاوز می کنند، موقتاً جلوگیری شود. در مقابل دولت شوروی مبلغ ۵۰ هزار تومان بابت حق خرید ماهی به ایران پرداخت نماید.

دولت شوروی به وسیله همین اجازه نامه، صید ماهی بهاری را آغاز کرد و بدون اینکه ریالی بابت حق گمرکی و حق اجاره به دولت ایران پرداخت نماید، ماهی های صید شده را به روسیه حمل می کرد. در ۱۰ شوال ۱۳۴۰ق، اداره گمرک انزلی، کشتی باری شوروی را در بندر متوقف نمود و حقوق گمرکی دولت ایران را درخواست کرد، بلافاصله روتشتین، وزیر مختار دولت شوروی نسبت به این اقدام گمرکی انزلی اعتراض و اظهار داشت که بر طبق مذاکرات قبلی، دولت ایران حق گرفتن حقوق گمرکی را ندارد از دولت ایران تقاضا نمود که از حمل محصولات اداره شیلات روسیه در انزلی و حسن کیاده، جلوگیری نکند.

وزارت فلاح و تجارت و فواعد عامه طی یادداشتی جوابی محکم و قاطع به نمایندگی شوروی در تهران داد به این شرح:

«...اولاً اینکه اشعار داشته اند روس ها تقاضا کرده اند اجازه داد شود شیلات لیانازف حمل به خارج گردد، به هیچ وجه مفهوم نمی شود که مقصود از جمله شیلات لیانازف چیست؟ شیلات که عبارت از صیادی بحر خزر است، متعلق به دولت علیّه می باشد و ربطی به لیانازف ندارد و قرارداد آن ها و کلیه حقوق آن ها که از این بابت می گرفتند، ملغی شده است. فقط لیانازف در سواحل بحر خزر ادارات و اموال منقول و غیر منقول دارد که در مقابل قروض آن ها به دولت و اتباع دولت اشغال شده است. پس از تصفیه امور آنجا هنوز هم ادارات مذکور غاصبانه در دست روس ها باقی است و این امور یکی از موضوعات شکایات لیانازف ها می باشد البته پس از ختم این فصل صید به تصفیه این عمل هم اقدام خواهد شد. ثانیاً قراردادی در باب صید هذّه السنه با روس ها منعقد شده، فقط حق خرید ماهی های سوف و سازان و سم در انزلی و آستیر و سوردگاه در حسن کیاده برای هذّه السنه منحصرأ به روس ها واگذار شده است که مبلغ ۵۰ هزار تومان بابت حق انحصار خرید ماهی های پنجگانه فوق در هذّه السنه به دولت کارسازی دارند، ماهی های مزبور فقط از مالیات مقرر هذّه السنه معاف است ولی در موقع خروج باید حقوق گمرکی کارسازی دارند. سوای این ماهی ها، هر قسم ماهی دیگر یا هر نوع خاویاری اعم از اینکه متعلق به این ماهی ها باشد یا نباشد صید گردد، باید حقوق مالیاتی و گمرکی را مطابق حکم عمومی پردازند.»

### قوام السلطنه و مسئله شیلات و قرارداد لیانازف

کابینه جدید قوام السلطنه برنامه دولت خود را همان برنامه دولت قبلی اعلام کرد:

« چون در کابینه قبلی بحران هایی مانع اجرای تمام مواد آن گردید و عملیاتی که نسبت به بعضی از مواد آن شروع شده بود، ناقص و ناتمام ماند؛ لذا دولت حاضر در نظر دارد همان پروگرام

برنامه) را که در دو نوبت به تصویب مجلس رسیده است، تعقیب و تکمیل نماید و بیش از پیش ساعی خواهد بود که روابط حسنه را با کلیه دول متحابه محفوظ و برقرار دارد.»

پس از اینکه دور اول مذاکرات راجع به شیلات به شکست انجامید و قرار موقت حق انحصاری خرید ماهی های پنج گانه به ضرر ایران تمام شد، دولت قوام السلطنه بر آن شد تا برای شیلات ایران یک مشتری جدید از یک کشور بی طرف پیدا کند. حسین خان علاء، که در این زمان وزیر مختار ایران در واشنگتن بود، طبق دستور دولت ایران با دستیاری مورگان شوستر<sup>۱</sup> برای یافتن یک مشتری آمریکایی برای شیلات شمال به فعالیت پرداخت. مورگان شوستر که مدتی خزانه داری کل و ریاست مالیه ایران را داشت برای جلب توجه سرمایه داران کشور بسیار تلاش نمود و سرانجام توانست مسیو هانس<sup>۲</sup> آمریکایی را که در آلمان تجارتخانه داشت، تشویق کند که تقاضای اجاره شیلات شمال ایران را بنماید. گزارش فعالیت علاء و مورگان شوستر، محرمانه به دولت ایران می رسید. اگر چه دولت پیوسته می کوشید که این فعالیت را مخفی نگه دارد ولی خبر آن در روزنامه ستاره ایران (شماره ۵۱) و طوفان (شماره ۱۳) مورخه ۱۲ صفر ۱۳۴۱/۱۱ میزان ۱۳۰۱، منتشر گشت و این خود طوفانی در روابط ایران و شوروی پدید آورد. نمایندگی شوروی در تهران، مسیو چایکین<sup>۳</sup>، پس از شنیدن این خبر به شدت به دولت ایران اعتراض کرد و درخواست کرد که دولت ایران هر چه سریعتر مسئله شیلات را حل کند تا دیگر چنین اتفاقاتی رخ

---

۱- Morgan Shoster.

۲- Hans.

۳- Chikin

ندهد. وراث لیانازف از این خبر نه تنها ناراحت نشده بلکه با فرستادن نماینده خوشان به نزد رابن سن<sup>۱</sup>، معاون اداره تجارت سفارتخانه آمریکا، امیدواری خود را برای کشف راهی که سرمایه داران آمریکای را به این کار علاقمند کند تا به این وسیله امتیازشان را نجات دهند، ابراز داشتند.

سفارت آمریکا در تهران این زمان درگیر امتیاز نفت شمال بود و نمی خواست که در معرکه ای دیگر با دولت شوروی وارد شود، به همین سبب دکتر الف.د.هاراند<sup>۲</sup>، سفیر وقت آمریکا به

دولت ایران اطلاع داد: «محال است بتوان تجار آمریکایی را در قضیه صید ماهی بحر خزر اعم از اینکه متعلق به ایران باشد یا روسیه علاقمند نمود... زیرا اوضاع آن به غایت متزلزل است و این کار جبراً به قضیه نفت (شمال)<sup>۳</sup> شباهت ندارد که در حال مذاکره هستیم.»

روزنامه ایران در دی ماه ۱۳۰۲ در مخالفت با بستن قراردادی جدید در مورد شیلات شمال نوشت: «... آیا شما می دانستید سالانه سه میلیون تن ماهی به قیمت چهار کرور تومان (۲۰ میلیون قران) به وسیله حکومت دیتاتوری فعلی روسیه مفت و مجانی و بلاعوض به روسیه حمل می کنند؟ آیا می دانید روسها ماهیگیری بندر انزلی و حسن کیاده و سفید رود را که قیمت آن بالغ بر ۴ کرور تومان می شود با تمام ماشین آلات واردات صید ماهی ضبط کرده میلیون ها ماهی می گیرند و همه را به روسیه حمل کرده و می فروشند، بدون اینکه دیناری به دولت ایران بدهند. در حالی که زمان تصدی لیانازف ها عایدی خالص حداقل بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان بود..... خلاصه ما نمی توانیم در یک مقاله پرده از روی این اسرار برداشته و به دنیا نشان دهیم رژیم دیکتاتوری روسیه با ملت نجیب و بی آزار ایران به چه سختی و خشونت معامله می کند و چگونه به نام آزادی خواهی دارد رنجبران و ضعفای ایرانی را از هستی ساقط می دارد..... آقایان بلشویک چون ابتدای کار هیچ دولتی به آن ها اعتنا نمی کرد، قرارداد معروف ۱۹۲۱ را با ایران منعقد و چند فقره مؤسسه روسیه تزاری را عوض ۳۰۰ میلیون خسارتی که زده بودند واگذار کردند و در

---

۱- Rabensen.

۲- A.D.Harand.

۳- همزمان با مذاکرات در مورد شیلات شمال دولت قوام مشغول مذاکره با شرکت امریکایی استاندارد اوپل در مورد واگذاری امتیاز نفت دریای مازندران (شمال) بود که به خاطر مخالفت دولت شوروی به نتیجه نرسید

عوض اولین فایده شناختن حکومت سویت از طرف دولت ایران این بود که حتی دولت متزلزل کمالیون که خود آن هم هنوز رسمیت نداشت، جرئت نمی کرد آن ها را به رسمیت بشناسد..... هر کدام از این مؤسسات که ضایع و بی مصرف بوده از قبیل بانک استقراضی، که جز مشتی طلب آن هم به عنوان پول منات که قیمت حقیقی ندارد، و یا راه شوسه خراب که پول مستخدمین آن را سالهاست نپرداخته اند، تحویل داده اند ولی پُرت انزلی، قصبه فیروزه و شیلات

را تحویل نداده اند و در حالی که کم ترین حقی نسبت به آن نمی توانند ابراز دارند؛ صاف و ساده، همانطور که در داخله خاک خود اموال مردم را عنفاً ضبط کرده اند، شیلات را نیز تصرف و هر روز کشتی های پر از ماهی از سواحل ایران به مملکت خود حمل می نمایند.»

## اختلافات داخلی وراث لیانازف

وراث لیانازف همزمان با جنگ اول جهانی، درصدد برآمدند با تشکیل یک شرکت سهامی و فروش سهام آن سرمایه ای بدست آوردند. که با مخالفت دولت ایران مواجه شدند ولی سفارت تزاری در ۱۹ ذی الحجه ۱۳۳۵ ق/۶ اکتبر ۱۹۱۶م تشکیل این شرکت را به دولت ایران اعلام کرد:

« تجارتخانه ای با عنوان تجارتخانه وراث.ق.س.لیانازف ها تشکیل و اعضای تجارتخانه مزبور فقط شرکای سابق اند و اسامی آن ها از این قرار است: مارتین، استپان و لئوف لیانازف و الکساندر آقانوویچ و ملک آزار یانتس و سارابکوف»

پس از لغو قرارداد بر سر اموال شرکت، میان ورثه لیانازف کشمکش و درگیری سختی به وجود آمد که در همه این دعواها، سفارت روسیه تزاری از لئون لیانازف در مقابل مارتین لیانازف پشتیبانی می کرد. مارتین لیانازف در سال ۱۳۳۹ ق/۱۹۲۰م، با فروش اموال شیلات قره سو<sup>۱</sup> توانست سهام دیگر اعضای تجارتخانه، سارابکوف و ملک آزار یانتس را بخرد و سهام خود را به تنهایی برابر با دیگر اعضای تجارتخانه بکند. لئون لیانازف به این اقدام مارتین به سفارت روسیه تزاری شکایت برد. سفارت هم کیف مارتین لیانازف را که حاوی اسناد مهم تجارتخانه بود، توقیف کرد.

همزمان دولت ایران تصمیم گرفت، برای وصول طلب خود و کارگران اداره شیلات، قسمتی از اموال منقول تجارتخانه را بفروشد. سفارت روسیه از دولت ایران درخواست نمود هرگونه تصمیم

۱- قره سو یکی از مهمترین مراکز شیلات بحر خزر بود که دارای ساختمان های متعدد و بیمارستان ها و برای کارگران و انبارهای پر از لوازم ماهی بود.

در مورد تجارتخانه، باید با رضایت و موافقت همه اعضا (لئون، مارتین، ورنیکا) صورت بگیرد تا «هیچگونه حیف و میل اموال به صورت تنهایی از طرف افراد انجام نشود که در آینده عواقب آن متوجه دولت ایران گردد.»

با این حال، وزارت فواعد عامه که مسئول فروش اموال تجارتخانه بود، تنها مارتین لیانازف را در جریان ماقع گذاشت و به نماینده خود شاهزاده نادر میرزا در استرآباد دستور داد که مبلغ ۱۹۵۸۷

تومان به مارتین لیانازف پرداخت کند. مجموعه این عوامل سبب به وجود آمدن اختلاف بین اعضای تجارت خانه گردید. از طرف دیگر سفارت روسیه، لئون، ورنیکا و حتی وزارت امور خارجه به این اقدام وزارت فواید عامه اعتراض کردند. وزارت امور خارجه به عامل خود در استرآباد دستور داد که از فروش اشیاء اداره شیلات جلوگیری بکند. لئون لیانازف هم طی نامه ای به وزارت چنین نوشت:

«بدون اطلاع این جانب (لئون و ورنیکا) که شریک کامل الحقوق تجارتخانه ق.س. لیانازف می باشیم و بدون حضور نماینده قانونی تجارتخانه، کمیسیون مخصوص شیلات در استرآباد مشغول فروش اموال مشترکمان می باشد. سفارت روس و وزارت جلیله خارجه مستحضر است که مارتین لیانازف که یک نفر شریک کامل الحقوق است، به هیچ وجه حق ندارد که به تنهایی از اسم تجارتخانه اقدامی نماید تا چه رسد به اینکه اختیاراتی که خود دارای آن ها بوده، به کسان دیگر واگذار نماید. (پاول نیکلایویچ ساکالوف<sup>۱</sup> و مسیور تشکویچ<sup>۲</sup>) لهذا با کمال احترام تقاضا می نمایم که تعلیمات لازمه جهت جلوگیری از فروش بشود.»

کار گزار بندر جز (گز) استرآباد اظهارات لئون را تأیید کرد و اظهار داشت:

« این دو نفر (سوکالوف و تشکویچ) با نامه جعلی وزارت فواید عامه به کارگزاری آمده و گفته که دولت دوباره شیلات را به لیانازف ها واگذار کرده، ما از طرف مارتین لیانازف آمده ایم که مقداری از اموال قره سو را فروخته و حقوق کارگران و طلبکاران را بدهیم. وی از وزارت خارجه درخواست کرد در خصوص این افراد تحقیق کند.»

---

۱- Pavel Wikolavich cacalovand.

۲- Retershklivich.

وزارت فواید عامه ادعای این دو نفر را خالی از اعتبار دانست و اعلام داشت: « هیچ شخصی را بدون داشتن معرفی نامه معتبر از طرف آن وزارت خانه در عمل شیلات دارای اهمیت نمی شناسد.»

پس از تأیید اظهارات لئون توسط کارگزار بندرجز، وزارت امور خارجه ایران به لئون اطمینان داد که اشخاص مزبور بدون اجازه نمی توانند اقدامی نمایند و موضوع حراج که اخیراً وزارت فواید عامه اجازه آن را صادر کرده، در تقسیم اموال تجارتخانه بین اعضاء، اگر حقوق آن ها کاملاً رعایت نشود، وزارت خارجه دخالت خواهد کرد و از وی خواست اگر مدرک موثقی در مورد تضييع اموال تجارتخانه دارد، به وزارت خارجه بفرستد تا در مورد آن تصمیم گرفته شود. وزارت امور خارجه که قانوناً نمی توانست در امر فروش اموال تجارتخانه وارد گردد، طی یادداشتی به وزارت فواید عامه، تذکراتی در این مورد داد:

۱- هر اقدامی راجع به فروش اشیاء و کلیه عمل شیلات باید با رضایت و دخالت شرکاء سه گانه به عمل آید.

۲- حقوق کلیه طلبکاران ایرانی رعایت شود.

۳- در صورت تخلف از دو ماده فوق، وزارت خانه اقدامات آن وزارت خانه را "کان لم یکن" دانسته و مستقیماً مداخله خواهد کرد.

و به صورت جدی به وزارت فواید عامه هشدار داد به علت عدم دخالت این وزارتخانه و زیر مجموعه آن در امر حراج، هر گونه خسارتی که بر اثر سوء اقدامات آن وزارتخانه به دیگر اعضاء وارد شود، مسئولیت آن متوجه وزارت فواید عامه خواهد بود. وزارت فواید عامه به این تذکرات، به شدت اعتراض نمود و اعلام داشت:

« تا کنون هیچ اقدامی که موجب تضييع حقوق کسی شده باشد، از طرف این وزارت خانه صورت نگرفته و یا کسی بر ضد این وزارت خانه شکایت نکرده است تا در صورت حقانیت، این وزارت خانه را بتوان مسئول دانست»

سرانجام لئون لیانازف از وزارت خارجه درخواست نمود که کیف اسناد مارتین لیانازف را که در سفارت تزاری توقیف هست، پس بگیرد زیرا اسناد جنایات مارتین نسبت به تجارتخانه در آن موجود است و تلاش مارتین برای پس گرفتن این کیف به همین سبب بوده است.

پس از اینکه وزارت خارجه ایران توانست کیف حاوی اسناد را از سفارت تزاری بگیرد، «آقابوبف»<sup>۱</sup>، نمایندهٔ مارتین از وزارت خارجه درخواست کرد، چون اسناد و نوشتجات موجود، مربوط به دعوی دو برادر است، تنها با حضور مدعی و نماینده و رسمی دولت باید تفتیش شود.

سرانجام دولت ایران تصمیم گرفت که دعوای دو برادر را به محکمه ای با حضور دو طرف دعوی، نمایندگان وزارت خارجه و فواید عامه و سفارت روسیه، برای رسیدگی واگذار کند. پس از بررسی اظهارات طرفین، محکمه، مارتین لیانازف را به پرداخت مبلغ پانزده هزار تومان به دیگر اعضاء محکوم کرد و پس از آن، این دو برادر با هم صلح کردند و کیف اسناد را هم وزارت خارجه در ۲۵ آوریل ۱۹۲۳ به مارتین لیانازف تحویل داد.

### **انحلال شرکت لیانازف و تقسیم اموال آن**

پس از اینکه اختلافات دو طرف دعوی با پادرمیانی وزارت امور خارجه حل و فصل گردید. وراث لیانازف تصمیم گرفتند اموال و تأسیسات تجارتخانه را بین خود تقسیم کنند، به همین سبب، صورت تقسیم نامه ای را در ده ماده در تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۲۲، تنظیم کردند. به موجب ماده اول این تقسیم نامه و با رضایت کامل طرفین تجارتخانه مزبور را منحل کردند و طی ماده دوم، کلیه اموال منقول و غیر منقول ادارات صیادی واقع در تمام سواحل دریای مازندران از آستارا سرحد شوروی تا رودخانه اترک سرحد ایران، بین اعضاء تقسیم گردید.

کلیه حقوق امتیازی و اموال منقول و غیر منقول تأسیسات فنی ادارت شیلات واقعه در بندر انزلی تا ده "ورستی"<sup>۲</sup> شرق بندر انزلی به انضمام جزیره غلام هدی واقع در مرداب انزلی و بارکاس (قایق)های ماهیگیری (لوا)(آریل) سهم مارتین گیورگویج لیانازف شد. از ده ورستی شرق

۱- AghBobov.

۲- ورستی (verst) واحد طول روسی معادل ۱۰۶۰ متر.

غازیان با تمام نواحی تنکابن در شرق آن (قسمت سفیدرود که اداره مرکزی آن در حسن کیاده می باشد) با همان حقوق و مزایا، همچنین بارکاس های ماهیگیری (مرتیا) و (راپورت نیک) و بارکاس های گئورگی لیانازف با کشتی آهنی موسوم به استفان تارسنویچ<sup>۱</sup> که در دریاچه ارومیه



بود، سهم لئون گورگویچ لیانازف شد. مشابه همان حقوق در قسمت استرآباد و مشهدسر (بابلسر) از شرق تنکابن تا رودخانه اترک به علاوه بارکاس های (سفیدرود) (بگون یا گیلان) از آن ورثه استپان لیانازف (ورنیکا و نیکلا لیانازف) گشت.

همچنین مقرر شد که اجاره بهای دولت ایران چهار قسمت شود که دو قسمت را مارتین و دو قسمت دیگر را لئون و ورنیکا پردازند. علاوه بر این که مقرر گشت که هر کدام از وراث کلیه تعهدات و قروض ادارات سهم خود را بر عهده بگیرند. همچنین مارتین لیانازف ملزم گشت که قروض مربوط به تجارتخانه حاجی رحیم لطفعلی اتحادیه و میرابوطالب میرباقراف دریاییگی را پرداخت نماید و ورنیکا هم می بایست قروض برادران تومانیاس و برادران رمضان اف پردازد.

در آخر هم این صورت تقسیم نامه به امضاء وراث لیانازف و نمایندگان آنان (آنتوان فئوریچ خوشاب-نیکلابویچ مارکوف-رایکن الکساندرویچ کاس مینوسکی-رفائل آلکساندرویچ آقابیوف) و همچنین عمیدالسلطنه وزیر تجارت و فواید عامه و فطن السلطنه رئیس اداره امتیازات وزارت فواید عامه رسید.

### **فروش سهام مارتین لیانازف به شوروی**

دولت شوروی که هم زمان با جنبش گیلان و اعزام واحدهای ارتش خود به شمال ایران، ادارات صیادی شرکت لیانازف را در انزلی، حسن کیاده و سفیدرود به تصرف درآورده و با وجود امضای عهدنامه مودت ۱۹۲۱م، هم چنان ادارات مزبور را تخلیه نکرده و بدون اجازه دولت اقدام به صید ماهی خاویاری و قاچاق آن به شوروی کرده و حتی پرچمی با نشان ستاره سرخ (علامت جمهوری سوسیالیستی شوروی) بر روی ساختمان آن ادارات نصب کرده بود. دولت ایران در

---

۱- این کشتی آهنی در اسکله اطراف دریاچه ارومیه ساخته شده بود و متعلق به شرکت لیانازف بود.

این مدت بارها به این اقدام غیرقانونی روس ها اعتراض کرده و آن را بر خلاف روح عهدنامه مودت می دانستند و خواستار تخلیه هرچه سریع تر این ادارت بودند وزارت خارجه ایران در

دولت دوم قوام السلطنه به نمایندگی مختار شوروی طی یادداشتی اعتراضی به این اقدام آنان اعتراض نمود:

« به طوری که خاطر اولیاء نمایندگی مختار مستحضر است کلیه اموال و دارایی لیانازف ها در تمام سواحل جنوبی بحر خزر پس از انقضای قرارداد شیلات توقیف و تحت نظر دولت ایران درآمده است، مأمورین دولت جمهوری شوروی بر خلاف مدلول عهدنامه ۱۹۲۱م و حق حاکمیت ایران، آن ادارات را تحت استیلاي خود درآورده و متأسفانه تا کنون با توجه به اظهاراتی که مکرراً در این باب شده از تسلیم ادارات مزبور به مأمورین دولت علیّه امتناع نموده اند. نظر به اینکه ادامه این ترتیب، گذشته از اینکه مخالف شرایط همجواری و مناسبات و دادیه بین دوالتین است، متضمن مسئولیت های سنگین در مقابل صاحبان آن ها و طلبکاران خواهد بود. لهذا وزارت خارجه با حفظ مطالبه هر نوع خساراتی که از این وضعیت غیر عادی متوجه شود، مصرأ خواستار تخلیه آن هستیم.»

دولت شوروی برای توجیه این اقدام خود، در تلاش بود که سهام یکی از اعضای لیانازف را خریداری کند، حتی در زمانی که "رتشتین" در تهران بود از وراث لیانازف خواست که سهام خود را به قیمت یکصد و پنجاه هزار تومان بفروشند، که با اطلاع وزارت فواید عامه، نتوانست به نتیجه دلخواه برسد.

پس از تقسیم اموال تجارتخانه لیانازف در ۶ نوامبر ۱۹۲۲م بین اعضاء آن، نمایندگان دولت شوروی برای خرید سهام آنان سخت به تکاپو افتادند و حاضر بودند برای جلب نظر آن ها هر قدر وجه نقد لازم باشد، پردازند. دولت شوروی مصمم بود که مارتین لیانازف را به طور قاچاقی و محرمانه به روسیه بفرستد و در آنجا برای معامله اموال دارایی اش با وی توافق برسد. با وجودی که از طرف وزارت خارجه به کارگزاری سرحدی و اداره گمرک انزلی دستوری در ممانعت از عبور مارتین لیانازف از مرز ایران، داده شده بود، مأمورین شوروی توانستند وی را شبانه و با

لباس ناشناس و به کشتی جنگی که قبلاً به سواحل بندر انزلی آورده بودند، ببرند و از ایران خارج و در آنجا وی را راضی به فروش کلیه سهام خود به دولت شوروی بکنند.

در اوت ۱۹۲۴م، دولت ایران قراردادی با وراثت دیگر لیانازف (لئون لیانازف و مادام ورنیکا)، متعهد شد که در مدت شش ماه مسئله واگذاری سهام شرکت به شوروی را حل و فصل نماید.<sup>۵</sup> کمیسیون شیلات نتوانست کار خود را به اتمام برساند و بر حسب درخواست وزارت مالیه دوباره قرارداد مزبور در ۲۱ شعبان ۱۳۴۳ق برای مدت شش ماه دیگر تمدید شد و این بار هم دولت ایران نتوانست کاری از پیش ببرد و تسلیم خواسته دولت شوروی گردید و لایحه واگذاری امتیاز شیلات به شوروی را به مجلس داد. وراثت لیانازف در نامه ای سرگشاده که به مجلس و وزارت خانه های مختلف فرستادند، از این عمل دولت ایران ابراز تعجب و تأسف کردند و به نمایندگان مجلس شورای ملی چنین نوشتند:

« اولاً بر حسب رأی حاکمیت شیلات سواحل بحر خزر تا مدت ۱۵ سال متعلق به فدویان است. ثانیاً دولت مستلزم است که املاک و اموال ما را از تصرف عدوانی غاصبین تخلیه و به ما واگذار نماید که بیشتر از این خسارات فوق العاده به اینجانبان و خود دولت وارد نشود تا بیش از ۱۵ هزار نفر ایرانی از اهالی سواحل بی معاش و گدا نمانند. بر حسب ماده ۴ قرارداد ۱۸۹۳م که ذیلاً معروض می داریم: در همه عرض مسافت از سرحد آستارا الی سرحد ترکستان، دولت علیّه تعهد می کند و به مستأجرین مذکور اطمینان می دهد و حق می دهد که در عرض این مساحت مزبور هر قدر ادارات واتکه ها و ابنیه ها دایر نموده و در آتیه هم دایر نماید. احدی حق تعرض و دست اندازی نخواهد داشت. دولت علیّه کلیه خساراتی را که از تصرف عدوانی غاصبین به املاک و اموال این جانبان داده شده را مسئول است. ثالثاً تصدیق خواهد فرمود که آن روزی که ما یقین کنیم دولت علیّه ایران نسبت به تعهدات خود وفا نخواهد نمود و به طور قطعی حقوق فدویان با ظلم و تقبیح پایمال خواهد گشت، اینجانبان حق خواهیم داشت که در آن روز به حکم اجبار و دفاع از خود این مملکت را ترک کرده و با صدای بلند به عالمیان بفهمانیم که در ایران قانون نیست، عدالت نیست، انصاف نیست، زیرا که نه فقط حقوق حقه ما را تضییع بلکه

املاک طلق ما را بدون هیچ مجوز قانونی به غارت می برده اند. به علاوه در محکمه بین المللی در مجمع اتفاق ملل و به هر مرجعی که از حقوق مظلومین دفاع نماید، عارض و ادعای خسارت وارده ذیل از دولت علیه خواهیم نمود:

۱- قیمت املاک منقول و غیر منقول که از شیلات سفید رود و تنکابن و استرآباد و مازندران بر حسب صورت هایی که از طرف خود نمایندگان دولت علیه به امضاء رسیده است: ۲۰- ۱۳,۷۲۲,۶۴۸ (سیزده میلیون و هفصد و بیست و دو هزار و ششصد و چهل و هشت تومان و بیست قران)

۲- حق استفاده از املاک مذکوره بر حسب صورت حسابی که به مقام وزارت های محترم مالیه - خارجه فواعد عامه از طرف اینجانبان تقدیم و بر آن هیچ اعتراضی نشده بود. ۳۰-۹,۴۴۵,۲۰۹ (نه میلیون و چهارصد و چهل و پنج هزار و دویست و نه تومان و سی قران)

۳- حقوق استفاده از آب های صیادی یعنی پنجاه نفع از شیلات بر حسب میزانی که دولت علیه در قرارداد خود

وانیسف معین نموده، ۳۷,۰۰۰,۰۰۰ (سی و هفت میلیون قران)

جمع: ۵۰-۵,۱۶۷,۸۵۷-۶۰ قران»

طبق برآورد دولت ایران، بدهی لیانازف ها به دولت ایران، به دو قسمت تقسیم می شد. مبلغ ۸۵,۹۴۵ تومان که دولت آن را بخشیده و مبلغ ۴۴,۵۰۰ تومان تا ۱۸ محرم ۱۳۴۴ ق بود. که از این مبلغ سهم لئون لیانازف

۲۰,۴۱۷ تومان و ورونیکا مبلغ ۲۳,۰۸۳ تومان می باشد. علاوه بر این، وراث لیانازف به اشخاص و شرکت های دیگری هم بدهکار بودند که مهمترین آن ها از قرار زیر است:

۱- انتن پولیانسکی، پزشک اداره لیانازف در سفید رود، مبلغ ۱,۱۳۲ تومان

۲- عطاء حاجی از نمایندگان و مباشران اداره لیانازف در گمش تپه، مبلغ ۷,۳۸۰ تومان

۳- تجارتخانه و اتحادیه برادران، مبلغ ۲۳,۷۳۰ تومان بابت قرضه ای که در سال ۱۹۲۰م به اداره داده بود.

۴- میرزا عین الله خان باقراف و برادرانش، مبلغ ۶۰۰۰ تومان

۵- حاج محمدرضا تاجر استرآبادی، ۷۰۰۰ تومان

۶- میر ابوطالب خان دریاییگی، مبلغ ۱۵ هزار تومان

۷- آقایان آرشومانیان و کاراریان، مبلغ ۶,۹۹۷ تومان بابت فروش برنج به اداره

۸- صیادان دریای مازندران، مبلغ ۲۲,۶۰۰ تومان

۹- علی حسین زاده آستارایی وکیل لیانازف ها، حقوق ماهیانه خود را از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ ق ماهی ۷۵ تومان

این موارد، تنها بخشی از بدهی وراثت به دولت و اتباع ایران بود. با این حال، تا زمان عقد قرارداد شیلات، که شوروی رسماً اختیار شیلات سواحل دریای مازندران را بر عهده گرفت، لیانازف ها از تلاش برای به دست آوردن امتیاز خود دست برنداشتند. آنان حتی در اواخر ۱۳۰۵ش به تعمیر ساختمان های ادارات خود در طولش پرداختند و درصدد برآمدند که مجدداً سیستم مخابراتی بین بندر انزلی (پهلوی) و حسن کیاده را راه اندازی کنند. این اقدام لیانازف ها مورد اعتراض شدید یورنیف، سفیر کبیر شوروی در تهران قرار گرفت و آن را گویای عدم توجه دولت ایران داست.

با انعقاد قرارداد شیلات ایران و شوروی و طبق صورت مجلس شماره ۲ ضمیمه آن، کلیه دارایی تجارتخانه سابق لیانازف به شوروی فروخته شده بود، به عنوان سهام دولت ایران در سرمایه عمومی شرکت مختلط محسوب شد و دولت ایران رضایت داد که تأسیسات شیلاتی که دولت شوروی از مارتین لیانازف مطابق ماده ۲ قرارداد ۱۰ اوت ۱۹۲۵م خریداری کرده بود، به عنوان سهام دولت شوروی در سرمایه شرکت محسوب گردد. از طرف دیگر، بر اساس صورت مجلس

سوم ضمیمه هرگونه دعاوی اتباع ایران نسبت به مارتین در صورتی که در محکمه قضایی ثابت شود، متوجه دولت شوروی است.

بدین ترتیب، مسئله شیلات دریای مازندران که به صورت که به صورت مشکلی در روابط ایران و شوروی درآمده بود، حل گردید و دولت ایران هم متعهد گردید که هر ساله مبلغی را به بازماندگان استپان مارتینویچ لیانازف بپردازد.

### **نتیجه گیری**

دولت ایران از آغاز قرن نوزدهم با کشورهای اروپایی روابط منظم و دیپلماتیک برقرار نمود و در صحنه سیاست بین المللی قرار گرفت؛ ولی به علت جهل و بی اطلاعی اولیای امور، قادر به استفاد از رقابت های موجود میان قدرت های اروپایی نگردید. در کشمکش جدی قدرت های بزرگ برای نفوذ در ایران، روسیه (تزاری) در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نقش ثابت و پایداری در عرصه سیاست ایران ایفا کرد. شیلات شمال ایران در عصر قاجار بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و جایگاه ویژه ای در مناسبات ایران و روسیه داشت. یکی از اقلام صادراتی ایران از طریق دریای مازندران، انواع ماهیان به ویژه ماهیان خاویاری و خاویار بوده که به روسیه و اروپا صادر می گردید. از آنجایی که عمیق ترین قسمت دریای مازندران در سواحل ایران است و نیز به واسطه تعدد رودخانه های آب شیرین که به این دریا می ریزد و نیز به دلیل آب و هوای معتدل آن، صید ماهی در این قسمت نسبت به دیگر مناطق از امتیاز خوبی برخوردار بود، به طوری که بیشترین ماهی در نواحی ایران (کرانه جنوبی دریای مازندران) صید می شد.

پس از عهدنامه ترکمنچای صنعت تولید و سرمایه داری روسیه که همپای فئودالیسم رو به گسترش نهاده بود، باعث شد سرمایه داران توانگری پیدا شوند. تا سال ۱۲۶۴ق/۱۸۴۵م که محمد شاه به موجب فرمانی کلیه اجاره های تنظیم شده را باطل اعلام نمود، افرادی چون سوجایف،

قراسیموف [گراسیموف]، ساطورخان، میرابوطالب دریا بیگی، گفتانیکوف، میرباقروف، عنایت ترکمان و بسیاری دیگر اجاره رودخانه های مختلف را از حکام محلی در دست داشتند. حاج میرزا آقاسی که فرمان مذکور را مبنی بر اجاره تمام شیلات شمال ایران، از شاه به نام خود گرفته بود، به ابراهیم خان دریاییگی و سپس برادرش میرصادق اجاره داد که موجب اعتراض و کشمکش سخت شد، در ضمن اجاره داران سابق روسی هم که از شیلات دست بر نمی داشتند. با حمایت کنسول که از ایشان سخت دفاع می کرد، مانع کار او می شدند. رفتن گراف مدم و آمدن دالگورفکی، سفیر جدید نیز نه تنها مشکلی را حل نکرد بلکه آن را شدت بخشید تا جایی که آقاسی حاضر نشد به خاطر مستی آب شور کام شیرین دولت را تلخ کند و شیلات را به عبدل نامی تبعه روس اجاره داد. با روی کار آمدن امیرکبیر، چون عبدل و میرزا ابراهیم خان دریاییگی اقساط شیلات را به موقع پرداخت نمی کردند، قرارداد آنان فسخ گردید و با میرزا اسماعیل آقاسی گیلان و محمد ولی بیگ قرار اجاره جدید گذاشته شد. پس از امیرکبیر نیز رفتارشان بیشتر اوقات دوباره موهن گردید.

از دهه های پایانی قرن نوزدهم که همزمان با توسعه رقابت های استعماری در جهان بود، دولت روسیه منافع خود را در این دید که با تحصیل امتیازهای سیاسی و اقتصادی، مواضع خود را مستحکم کند بنابراین، برای پیشبرد منافع خود روش ملایمی در پیش گرفت. دولت روسیه پس از تسلط همه جانبه بر کرانه های شمال، شرق و غرب دریای مازندران بر آن شد تا بر کرانه های جنوبی آن نیز سیطره پیدا کند. از مهمترین ابزارهای روسیه یکی ایجاد پایگاه های دریایی در جزایر ایرانی مانند "آشوراده" و دیگری به دست آوردن امتیاز ماهیگیری در سواحل ایرانی دریای مازندران بود. دولت روسیه در سایه نفوذی که در زمامداران قاجاری داشت، توانست امتیاز انحصاری صید ماهی در سواحل جنوبی دریای مازندران را برای یکی از اتباع خود به نام "استپان مارتین لیانازف" بگیرد. این امر ناشی از این واقعیت بود که روس ها وسایل و امکانات صیادی بیشتری داشتند. چراکه خود سازنده و تولید کننده آن بودند. از طرف دیگر میزان اجاره آنها بالا بود. از طرف دیگر اوضاع بحرانی و بغرنج دولت مرکزی ایران از لحاظ مالی

سبب گردیده که از این منابع ملی و خدادادی به خوبی استفاده نشود. بسیاری از برخوردها و تصادمات بعدی ناشی از عدم اطلاع و توجیه اهالی نسب به متن قرارداد لیانازف بود.

مارتین لیانازف با تأسیس تجارتخانه ای بزرگ در مدت تقریباً پنجاه ساله حیات خود به عنوان یک واسطه سیاسی و اقتصادی بین دولت ایران و روسیه عمل می کرد. دولت روسیه هم با حمایت آشکار خود لیانازف را در غارت هر چه بیشتر منابع غنی آبرزی یاری می کرد. حمایت هایی که گاه با ورود مستقیم نیروهای قزاق (فاجعه گمش تپه) شکل می گرفت. اگر دولتمردان و دست اندرکاران به جای تکیه بر بیگانگان و امتیازداران روسی، به فکر ایجاد تشکیلات منظم و منسجم شیلات شمال می افتادند، شاهد چنین سردرگمی و نابسامانی نبودیم.



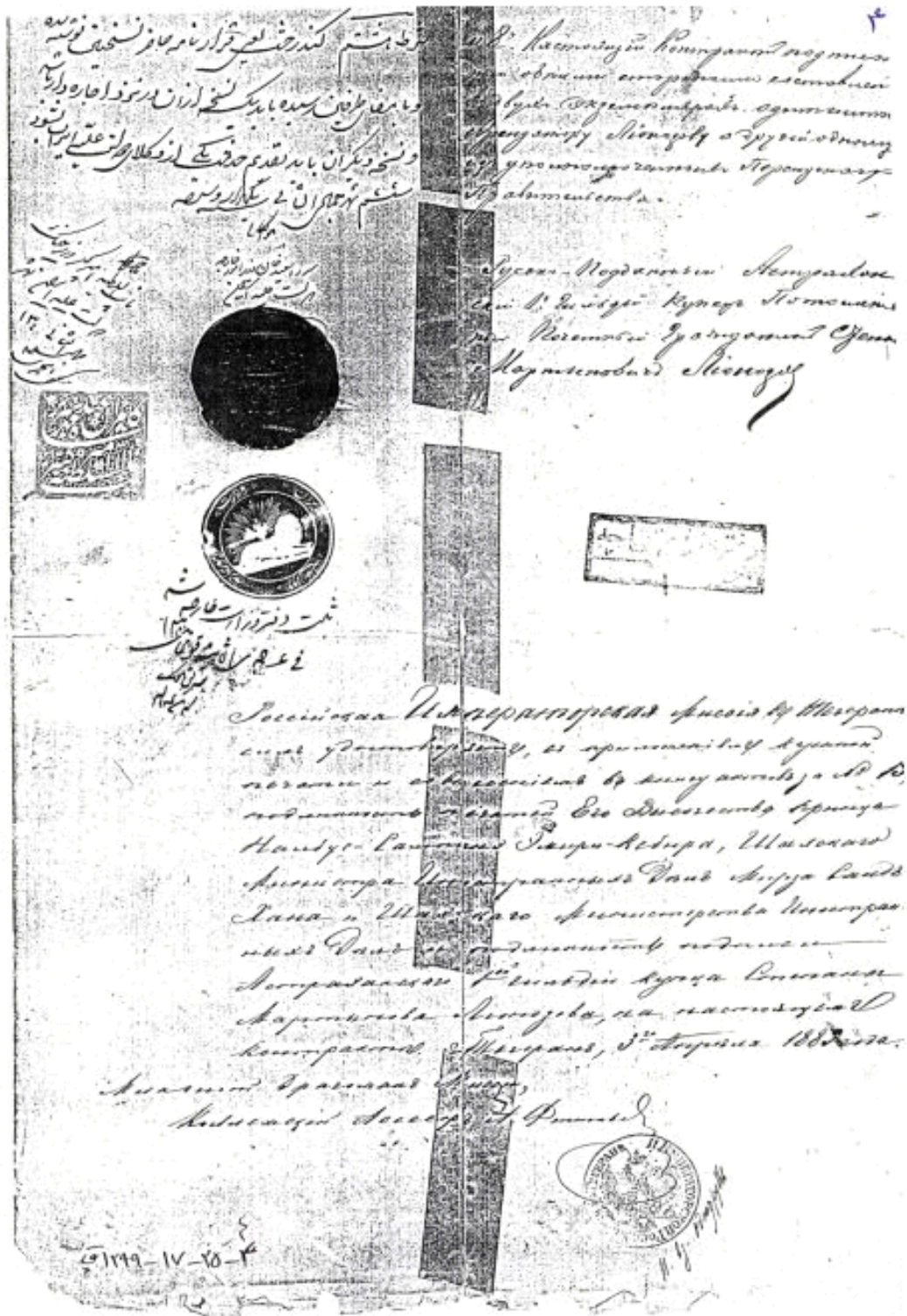
در این باب که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب اول که در مورد تعلیم است و در باب دوم که در مورد تربیت است و در باب سوم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب چهارم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب پنجم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب ششم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب هفتم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب هشتم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب نهم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب دهم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب یازدهم که در مورد تعلیم و تربیت است و در باب بیستم که در مورد تعلیم و تربیت است

سند در مورد واگذاری امتیاز شیلات شمال به میرزا حسین خان سپهسالار ( مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، کارتن ۱۵، پرونده ۱۰، اسناد ۱۲۹۳ ق، سند شماره ۲)









قرارداد شیلات شمال با لیانازف روسی (همان، کارتن ۱۷، پرونده ۲۵، اسناد ۱۲۹۹ هـ. ق، سند شماره ۲ و ۳ و ۴)

ای قنول رودی در آباد است از آنجا است در فاصله کمتر از یک فرسخ در راه است در صبح آنجا ۱۴ فرسخ است  
 در آباد است که در پیشانی آنجا به تیره شده و نهاده بر آنکه در تمام او در گذر از مرز غیر مرز محو آنه می باشد هر امر  
 در غیر ما شری که کم کم بگذر که صلح است دارد یا فلفل شخصی صلح است نیست در آنکه فلفل می نهد یا فلفل در آن  
 خواجه ای که تا نه در آن فلفل کار برقرار در آنجا یا فلفل در آنجا هم چنین است شخصی که در تمام ای طور از مرز  
 نه اشک می باشد با سر که اسرا و علق موضوع دارد اگر تعاقب که کرد و بر فلفل میرود که هر دو در تمام  
 است و با بر هم نیز چیزی بر تیره در خصوص آن است و با او است و قنول لکنر تعبیر با نایب که آنجا نشسته است  
 حق نیست عی بر آنکه در آنجا بر صحرای با کمال احترام آمده و در آنجا هم حبس کرده است  
 در آنجا پس در آنجا قنول کرد و قنول کارکنان نایب بر سر کارکنان آنجا که در آنجا نشسته است  
 را با قنول که بر تیره و صحرای نایب در آنجا بر سر کف نیمه بعد و اصله صحرای نایب  
 هر روز بعد از آنکه در آنجا بر صحرای نایب قنول لکنر است و در آنجا قنول کارکنان  
 دست مدخله در آنجا قنول در سر صحرای نایب و در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول  
 به کنگر در آنجا قنول در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول  
 دفته عاقبت بود و تمام سر را در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است  
 در تمامی آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است  
 نصد آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است و در آنجا قنول لکنر است

نمونه ای از سند اختلافات و درگیری ناشی از قرارداد شیالت شمال در جنوب شرقی دریای مازندران و در ارتباط با تراکمه (ترکمن ها) (همان، کارتن ۱۴، پرونده ۵، اسناد ۱۳۲۵ق، سند شماره ۲۴).

قرارداد عین الدوله با گئورگی لیانازف

قرارداد عین الدوله با گئورگی لیانازف  
۱۳۲۴ / ۱۹۰۶

نمونه (۱)



اداره

ع

وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه

سواد گورگی لیانازف  
مورخه ۳۳ مورخه ۱۳۲۴ اداره وزارت  
که اصل آن بنسبت بر آزاره لغیر وزارت فلاح و تجارت  
۱۹۰۶

بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت  
بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت

این قرارداد در تاریخ ۱۳۲۴ مورخه ۳۳  
در وزارت گورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت

صد عظمی عین الدوله در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت  
بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت

بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت  
قرارداد عین الدوله با گئورگی لیانازف

بمفاد گئورگی لیانازف در صد عظمی عین الدوله  
صالح محمد مراد عین الدوله با صد عظمی دولت  
قرارداد عین الدوله با گئورگی لیانازف



وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه

سواد ..... نمبره ..... مورخه ..... وزارت اداره ..... که اصل آن بشماره ..... ثبت شد

وزار و افسر سواد

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار

۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار  
۱۸۹۳ء - فریب و غیره در قلمرو سواد سوار در پانزدہم آگست ۱۸۹۳ء در سوار و افسر سواد سوار





III

وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه

سواد ..... نمبره ..... مورخه ..... وزارت اداره که اصل آن بشماره ..... ثبت شد

این نوع نازف کفایت فرزند را فتح نماید  
 در سیدان ۲۲ مورخه در راه گورگ این نوع نازف را ممبر بر هم عهد کفایت  
 ۱۸۹۴  
 در سید پنج این بر سر نه ازاد و سقده و دود و سقا این سید کفایت این بر سر ازاد و سقده و دود

مورخه و کردار که و سید  
 در راه گورگ این نوع نازف بر مورخه کردار رفعت مورخه این نوع نازف  
 مرابا به سید برودار (اسک) مورخه به و گورگ نازف سید در راه سقده این نوع  
 در اخذ نازف در عهد سید و ان بود از غوه این سید ازاد و سقده در راه گورگ  
 این نوع نازف از لطف در عهد سید برودار این نوع نازف در راه سقده این نوع  
 کفایت این نوع سید فرموده که لعل کفایت در راه سقده و دود و سقا این سید



وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه

۱۳

سواد..... نمبر..... مورخہ..... وزارت  
ادارہ..... کہ اصل آت بشعرہ..... ثبت شد

دارت سر رہیم راجہ سنگھ صاحب چوراسی پٹی، پٹی عمده امداد داری در آستانہ زیر بحال  
مست آثر خود بمنظر ترحمہ پرک عمداً ثبت کجود عبداللطوف خانہ. ایچ جاردار در ۵۵۰

فوتہ سر..... ایچ جاردانہ ۵۵۰ در ۱۳۲۴.....

مکرم دفتر وزارت ارضیہ

ایچ جاردانہ در موضع بھو بیک غولانہ پتہ..... وزارت ارضیہ خط سہ.....  
دہر او بیہ..... نازف دادہ خولہ..... ۱۳۲۴.....

تبتہ در ۵۵۰ وزارت ارضیہ سر..... ۲۵..... ۱۳۲۴.....

یادداشتہ  
۵۵۰ وزارت ارضیہ سر





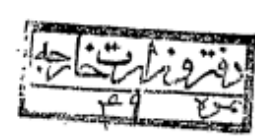
بہ ذریعہ انہی خبریں کی مرکز کے ذریعہ کہ از آنکہ خبریہ کہ میں جو ارادے سے اپنے وقت میں رام اللہ پور میں  
 آئے تھے نہ  
 ذرا کہ انہی سے ہم ان تکلف سے بہ میدے رہا ہے انہی سے پانچ سو فیصد پہلے دریا کے  
 قمر کے مطابق ہمہ از ان مطابق خبر سے بہا ذریعہ شوق بہا شوکت و غم کے ذریعہ  
 دیگر کہ نہ تکلف جو اسے سے ہر وجہ سے ارادے سے کار کے از آنکہ انہی سے  
 کہ یہ بہتر کار برد از غن کے کار ہر کار کہ کے بہ بہ از ان سے نہ ان کے کہ جو خبریہ  
 در آن کار نہ اور جس کے وہ جو وہ ہے جس کے اسے وہ ہمہ ہر سہم سے  
 موافق در اسے کہ یہ بہتر کہیں کار کے از آنکہ انہی سے غرانی سے انہی سے  
 یک قسمی از قبیلے در کہ سے ماہی کیوں ہم کہ در سے ہائے ۹ افراد کے  
 در وہ بہت سے عموماً در اسے سے اسے انہی سے ہر وجہ سے وہ اسے  
 انہی سے ہمہ کہ بعضی پر دہ سے در ہی نہ ہم نہ انہی سے کہ اسے انہی سے وہ بہتر  
 بہ انہی سے عموماً در وہ کے جو نہ انہی سے وہ انہی سے وہ بہتر  
 نفاذ سے رو کی جو اسے سے نہ ہم در ہر وجہ سے وہ کار کے از آنکہ انہی سے  
 رہا ہے قمر کے انہی سے ہر وجہ سے انہی سے وہ بہتر کہ اسے نہ ہم  
 رہا ہے از طرف از ان سے صلیب ہے اسے نہ ہم از انہی سے وہ بہتر  
 نہ ہم سے ہر وجہ سے انہی سے وہ بہتر کہ اسے نہ ہم  
 ما کہ ہے وہ بہتر کہ اسے نہ ہم کہ ہم نہ ہم وہ بہتر

ترتیب در تفریق و خروج ممالک و اموال و غیره قضا می کند بجز در امور که در حقش است  
 اقله کما یتدریج در صلح این دو هم میفرمایند که در رد ذریعگی می بیند این دو در منافعه کارایی نمود  
 در ۱۰ ماه حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰

چون بر این ممالک  
 در آن زمان که  
 هم در آن زمان که  
 در آن زمان که  
 در آن زمان که

در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰

در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۲۰ ماه بنگران جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰  
 در ۳۰ حبس جواز بنگران و کارکنان آنرا که در ۱۰



Handwritten signature or mark.

در وقت نشسته بر کرسی رخسار در زینت زینت کعبه اطباء بهیچ وجه مایلند  
بهیچ نوعی لطیفی و زینتی

نگار و تصویر

تا هرگز که در وقت و صبح در وقت صبح بر سر خورشید و وقت صبح

تا در صبح و صبح و صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

تا در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح در وقت صبح

عریضه (نامه) لئون و ورونیکا لیانازف به مجلس شورای ملی

عریضه سرگاده

۲-۸-۵۸ - ۱۳۳۷

از طرف لیون لیانازف  
و ورونیکا لیانازف

مقام مجمع مجلس مقدس شورای ملی شریف و الله برکات

مقام منیع ریاست و وزراء عظام دامت عظمه

مقام منیع وزراء ثروای خارجه - داخله - جنگ - عدلیه -  
پست و تلگراف - مالیه - معارف و اوقاف و اوقاف فرایه عامه و غیره

مقام رفیع حضرات عظام حجج اسلام مدظلهم

خدمت مدبران محترم کلبه جراید یا نیتت دامت بركات

با کمال توقیر و احترام معروض میداریم

از زمان صدور مرسوم مهربانانه سپهسالار...  
ایمان، حد و سپین نفس و بعد ما خود اینجا بنام بوده است...  
شاید و اندک و خود فدایان قواستیلر موفق کرده که ادارات متبندی آهنگی ایران قبل و بهترین ادارات مساجد...  
بر آنک دنیا داور داره و غایب...  
تجزیه آنها پلیس احقی...  
کار میکرده اند و در همه عمارت جمع ایران بنامی که در ادارات ما یا اعمال را حل امر مناسبت میکرده اند...  
و بعد اول بودجه سالانه ادارات فدویان در ایران سالیکه ملتیز و وضعیت...  
مالی کلیم اشخاص را بر جانکه که با فدویان طرف جمع متحابه بوده اند...  
و سایر کلی...  
شکایت بد و در زمان فدویان ملحق نموده

در سال ۱۹۱۷ انقلاب روسیه شد و مکرید و چون شما و تمام فدویان پیشین میسر که در وسط راه...  
که عملی و جبران نموده است...  
در این مکرر که تا حالا نموده با اولیای خود...  
در این مکرر که تا حالا نموده با اولیای خود...

۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰





استقامت را از نمایندگان محترم سفارتهای خارجه که نسبت بحکم از طرف خود میخواستیم تعیین نماییم غیر رسماً  
رکوده و آقای خندان و هتک که نمایندگان شریفه الت معرفت و دولت است حکم مشترک دولت علیه بشماره ۱۰۰  
ایجابان با وجود اینکه اکثریت حکمها ایرانی بوده اند و همه آنها بلا استثناء از خدمت در تعلیه بوده اند  
استظهار شده اند و حال و مقامات و با تکالیف عدالت گسری و ولت و خلعت و صلاح ملک موجب ایران  
حکایت ضا داده حکما سه روز تاریخ ۱۳۰۱ بترتیب ذیل تدوین و با مضای طرفین رسید

### « حکنامه »

در نتیجه تعلقات وزارت لیا نرف از الفای قرار دادهای سنوات (۱۸۹۳ و ۱۸۹۶) سه رایج بود  
شیلات سواحل بحر خزر و تقسیم قطعی دولت برفع فظم آنا و ارجاع امر بکمیسیون مخصوص مرکب از آقایان ذیل  
آقای حاج محسن السلطنه وزیر معارف و اوقاف آقای شام السلطنه وزیر عدلیه  
آقای حمید السلطنه وزیر وراثت و عمارت آقای دکتر علی قزوینی رئیس دیوانعالی عمیر  
آقای حاج سید نصرالله مدعی العموم دیوانعالی عمیر  
با حضور وزارت لیا نرف و وکلای آنها که ذیل نوشته میشود  
مسیر لوزن لیا نرف مسیر لوزن لیا نرف ما دام در بنک لیا نرف مسیر کوس مدیسی  
مسیر آقا با عرف

و کذا که در نتیجه برای کمیسیون مذکور که در تاریخ ۱۳۰۱ در تهران تشکیل شد و از آنجا که در تاریخ ۱۳۰۱  
توسعه این سرعیت ارجاع شود در صورتی که دولت «در شهر زنده برای کمیسیون و انتخاب آقای شام السلطنه از طرفین  
و انتخاب آقایان حاج سید نصرالله و دکتر علی قزوینی از طرف دولت و سایر آقایان ختساب  
از طرف وزارت لیا نرف امضا کنندگان ذیل علیهم السلام بموجب تصویب هیئت محترم دولت (در شهر ماوراء)  
از یکطرف و شام و ختساب از طرف وزارت لیا نرف از طرف دیگر طرف حکایت و اعتبارات حکما را بطریق ذیل تعیین و  
تصدیق نمایند

اولاً - حکما با اراجه بدو سید کمیسیون دلواچی که از طرف وزارت لیا نرف و وزارت فواید عامه  
تنظیم و در کمیسیون فرق الذکر مطرح شده است و همچنین در صورت ضرورت با ارجاع تراضیات ششماهی  
از وزارت فواید عامه و در وقت لیا نرف از تاریخ امضای این توافقنامه مدت ده روز تعیین خواهند کرد که آیا  
توافق دولت حق داشته است حقوق وزارت لیا نرف را نسبت با اجازه آجای صیادی ایران که بموجب  
قراردادهای سنوات ۱۸۹۳ و ۱۸۹۶ و ۱۹۰۶ ما را مجوز ملحق نماید یا خیر

ثانیاً - در صورت حقیقت و در شری لیا نرف و تشخیص این که الفای قرار دادهای آنها بر خلاف  
حقیقت هیجده و از این راه خسارتی متوجه آنها نشود است از تاریخ امضای این توافقنامه مدت ده روز  
تعیین خواهد کرد که بجهت وسیله میتوان خسارتی که به لیا نرف از این راه وارد شد حیران نمود  
ثالثاً - وزارت لیا نرف آنها تعهد نمینماید که هر قراریکه با اتفاق یا با اکثریت چهارم برای صادر شود بقیه  
در دولت عمل تقبل و بیاید موجبات اجرای آنها فراهم نماید

مراجعه - مفاد مواد ۷۱ و ۷۲ قانون اصول محاکمات نسبت بطریق ذیل و حکم کامل  
در تاریخ ۱۳۰۱ - امضای وزارت فواید عامه و وزارت لیا نرف  
وزیر فواید عامه  
وزیر لیا نرف

حکومت ایران دولت را قبول کرده  
در خرداد ۱۳۰۱ قمری / تهران

بنام این مکتوب مستند که با قبولی کرده  
در خرداد ۱۳۰۱ قمری / تهران

حکومت ایران طرف دولت را قبول کرده  
است: نخستین - ملایکو  
مجلس تکیه اطلاع این مکتوب را هر چه میسر شد از این مکتوب مطلع خواهد شد  
ایران در روز ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ که در بالا ذکر میشود

در مکتوب این مکتوب را هر چه میسر شد از این مکتوب مطلع خواهد شد  
ایران در روز ۲۵ خرداد ۱۳۰۱ که در بالا ذکر میشود

ایران در مقابل استیضاحی که در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱  
ایران در مقابل استیضاحی که در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱

مآلی حکمیت

در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۰۱ چون ایران طرف حکمیت را قبول کرده  
در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۰۱ چون ایران طرف حکمیت را قبول کرده

ایران در مقابل استیضاحی که در ۲۵ خرداد ۱۳۰۱



سال ۱۹۰۶ بیاضی برضای لیا نازف ها با شکر و قند با شکر لیا نازف ها را می بردند و سالها بعد در خرابی  
 و ادغام طایف از احتیاط ایشان مایع انفرادی مال الاجاره شده با شاق امرار کم بشده و مستندانی با اجاره شکر  
 از طرف دولت نیز حق بوده است - اما مسئله دوم که بهاء چه ان خسارت وارده بود در شکر ها باشد چون لیا نازف  
 آنها رسیده اند که در تغییر الماء و قرار داد شکر - زمانی متوجه انداخته که قسمتی از آنرا قسطنطنیه و منقول ماندن  
 عملیات صیقلی و تقویت استفاده آنها از شکر در لیا نازف چهار سال بل متوجه نیز می باشد و در تغییر قرضت و دستگاه های  
 آنها با آنها وارد آمد است در این خصوص پس از استیضاهات لازم از خود یا فرزندان و در نهایت فراد عامه احیای  
 محقق شد که خسارت با آنها وارد آمده و لیکن از آنجا که مسلم بود عینت شکست محظوظ باشند خبر اجاره بدهند که دولت  
 حکم با دای صلیبی بفران خسارت نماید و از طرف دیگر خط رویداد آنرا نیز ان خسارت وارده به لیا نازف ها هم محقق  
 عین جازای تریه جاسه کار بسطر رسید که دولت قرار داد جدیدی با لیا نازف ها در خصوص صید ماهی مستند این بیع عاید است  
 بطرفی که برای دولت در آن ضرر و مصلحت باشد و فراد آنها و اولاد آنها به که از راه انتقال کسب شکر خسارت  
 خود را نیز می بیند و محتاجی هم بدولت نشود و چون در تاریخ الماء و قرار داد لیا نازف ها عده هفت سال و کسری از آنجا  
 آنها باقی بوده مدت قرار داد جدید با آنها نیز هفت سال باشد پس از آنکه بسطرتی برای جبران خسارت لیا نازف ها  
 عمل توافقی حکم باشد و امر عملی نامل گردید با این معنی که چون تقصیر مبلغ خسارت وارده به لیا نازف ها در خصوص  
 میزان مایع کسب شکر در سنوات آنها می نماید آنها می تواند بود برای حکم در طرف دولت طلب کسب ممکن بود و کسب  
 دولت هم حاصل شده است که مدت زمانه هفت سال را که حق لیا نازف ها است چقدر را اختیار کنند و اساسی قرار داد جدیدی  
 در خصوص سهم دولت لیا نازف ها در عمل صیقلی بر چه قرار دهند تا جازای تریه وضع بلورین را حثت شد و پس از استیضاهات  
 با شکر لیا نازف ها در خصوص جبران خسارت می تواند قرار داد و مدت است در باره مدت و مقدار آنرا استمراری است  
 در خصوص مدت لیا نازف ها توافق کرده من حیث المجموع از این تاریخ مدت قرار داد را بیست سال قرار دهند و آن در  
 فراد عامه که در این ضمن نامیده دولت می باشد در این خصوص بنوعی بیاید و کسری از آنرا که در این خصوص دولت خود را  
 عمل آید و معلوم شد که در این مدت فراد عامه را چهارده سال معاف کنند - با این حال در هفت کسب با قاف آید مدت قرار داد در این  
 حیثا مجموع پانزده سال می دادند - اما در خصوص اساسی قرار داد در خصوص شکر و قند در این مدت که لیا نازف  
 از الماء و شکر شکر بفران برود و استیضاهات حق خود را از دولت مطالب می نمودند و در این خصوص لیا نازف ها  
 قرار داد جدیدی بدولت پیشنهاد کرده و اساسی پیشنهاد می نمایند بر این قرار داد بودند که صدی پنجاه از عایدات خالص را بدولت  
 بدهند برای اینکه حق الامکان در نهایت ضرر دولت عمل آید تا آنکه لیا نازف فراد عامه استیضاهات که در خصوص این پیشنهاد  
 و معاضات آن با ضرر و مصلحت دولت چه نظر دارند - در اینجا می گویند که این پیشنهاد فراد عامه با این سؤال داده بودند صدی پنجاه را قبول  
 کرده و خشتا قرضت می رود که اگر آنها باین حکم ها این برای آنها امتیاز نماید که علاوه بر مصلحت ضایع بطرف مال الاجاره ثابت لیا نازف ها  
 سالی پنجاه هزار تومان بدولت بدهند و این در این تاریخ نیز در نهایت خواهد بود و در صورتی که اتفاق لیا نازف در این خصوص حاصل شود  
 مطابق پیشنهادی که خود لیا نازف ها داده بودند ممکن است امتیاز لیا نازف فراموشند - در این خصوص بیع حکم ها با حشر طریقی شده  
 خصوص صدی پنجاه توافقی حاصل ولیکن در باب پنجاه هزار تومان اکثر بیگ چیا سولی بدست نیامد علیحدگی اخیر عمل اتفاق  
 گردید و نسبت که قرار داد جدیدی بدولت پانزده سال بین دولت و لیا نازف ها در خصوص صید ماهی است که اساس آن بر صدی پنجاه عاید است  
 خالص سهمی بدولت باشد و این برای در هر روز شکر اعطای ۱۳۰۱ داده شد و عمل کسب قائم بافت و من بعد دعای که در این  
 بکده بکر داشتند از هر چند ساقط است و نیز تعدادی قرضت می شود که چون بوجوب قرار داد جدید سهم دولت در این اجاره حسنه به  
 عایدات مقرر می شود و البته دولت در این شکر شکر (کا نازف) خواهد داشت - اما در این خصوص ملک ملی است  
 - دکتر و فی احمد خا - خشاب - سال ۱۹۰۶

در این خصوص در نظر وزارت جنگ و امور خارجه و شکر و قند و سایر امور که در این خصوص خواهد بود و در این خصوص  
 در هر چند مخالفت نماید که خسارت دولت عشر رسیده و قطع ملاحظه آن با سایر دولت بناچار اتفاق در دولت و در خصوص جبران  
 و شکر با آن کسریه این مند و باین همیشه متعلق مبرای می کرده و باین و باین دعای قطعی بند آمده است که تروق ما ما  
 محظوظ کرده و برای حکم را مبرای اجرا خواهد گد است - در این بین فراد ما مانع لیا نازف که از این من است





<p>فصلی این قسمه را در کتابت رعایت نمودیم</p>	<p>... в начале предыдущих ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>بیشتر از غیر</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>شروط اول</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>نکات کتابت این اثر است که در هر سال ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>نکات دوم در هر یک از دولت ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>در این کتاب ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>در هر یک از این ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>در هر یک از این ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>در هر یک از این ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>
<p>در هر یک از این ...</p>	<p>... в начале ... ... в начале ... ... в начале ...</p>

ملت پرست، عبدالله، تاریخچه و فعالیت صید و صیادی شیلات در شمال کشور، تهران، مؤسسه

تحقیقات شیلات شمال، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸



مجلس  
وزارت اقلات و تجارت و نوایه عامه

۲۱-۲۰

بعضی: مری گریگوریا نیتوف درین گریگوریا نیتوف و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
استیاسیا نیتوف و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
درجه اولت درین از طرف مری گریگوریا نیتوف و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف

بعضی: درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف

درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف

مجلس  
وزارت اقلات و تجارت و نوایه عامه

مجلس  
وزارت اقلات و تجارت و نوایه عامه

۲۱-۲۰

بعضی: درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف

بعضی: درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف  
و درین از طرف مری گریگوریا نیتوف



وزارت امور خارجه

اداره  
شماره  
تاریخ  
پیوست

رئوس وقت تقسیمات و وزارت ک - بین • لیانازف  
صورت تقسیمات کلیه اموال منقول و غیر منقول تجارتخانه وراثت ک • بین • لیانازف در ایران و حقوق جاریه اموی سهامی  
ایران

شهر تهران مورخه ششم نوامبر ۱۳۲۲

ما اینست گفته گان له پل وراثت منحصراً کورگی استیفاء بیچ لیانازف که علائقهای تازه و صاحبان سهام منحصراً  
لعلی تجارتخانه ک • بین • لیانازف میبایستیم • مارتین کورگی بیچ لیانازف ولکن کورگی بیچ لیانازف و وزارت استان  
کورگی بیچ لیانازف منقول یعنی زیرمقام مرحوم ویرینیک را خاریونالیانازف که مشارالیهها از طرف خود اصالتاً و از طرف اولاد  
صاحب خود تملکهای استیفاء بیچ لیانازف بعنوان تسمیت در اموال و شخصیت مشارالیه قرار داد له پل را با اتمام مشروطه  
آن بین خود منقسم نمودیم •

ماده باریک - طبق ماده ۹۰ قرارداد تشکیل تجارتخانه وراثت ک • بین • لیانازف مورخه ۲۰ مارس ۱۳۱۲ که قرارداد  
تمام شد و ثبت استناد مسکولاً لوتترا (تجارتسکن) مورخه ۲۱ مارس ۱۳۱۲ طبق ثبت شماره ۴۲ • همصدی ثبت گردید و نیز  
لوتترا بطریق اولی مورخه ۲۷ مارس ۱۳۱۲ طبق ثبت شماره ۲۷۶۱ و نیز لوتترا علیس لوتکوس مورخه ۴ مارس ۱۳۱۲ طبق ثبت  
شماره ۵۲ • ثبت و صدی کردید بشرطی کلیه ماها یعنی شرکتنامه و صورتساز کردید بد تصمیم گرفتیم و قرار کردید که از این  
تاریخ برای همیشه تجارتخانه مذکور منحل نسازیم •

ماده بد ص - کلیه امانتیه منقول و غیر منقول بدین استثناء متعلق به ارمیاد و سهامی سواحل بحر خزر از رود آستارا  
مرحد و ولت روسیه عالی رود اترک مرحد و ولت باد شاهن ایران که متعلق به پنج تنساز وراثت ک • بین • لیانازف میباشد  
و بعد منتقل به تجارتخانه وراثت ک • بین • لیانازف که طبق ماده ۹۰ این قرارداد منحل گردید و شد ماست و همچنین کلیه

## جداول

میزان واردات و صادرات بنادر تجاری دریای مازندران در سال ۱۳۲۹-۱۳۲۸ق

اسم بندر	واردات (بر حسب مَن)	صادرات (بر حسب مَن)	مجموع (بر حسب مَن)
انزلی	۲۴,۷۲۶,۵۲۵	۲۴,۱۸۱,۴۶۴	۴۸,۹۰۷,۹۸۹
آستارا	۵,۱۰۳,۳۱۹	۵,۲۰۹,۳۵۲	۱۰,۳۱۲,۶۷۱
مشهد سر (بابل سر)	۳,۹۷۱,۳۴۲	۱,۸۹۷,۱۲۱	۵,۸۶۸,۴۶۳
بندر جز (گز)	۲,۹۵۱,۳۷۸	۳,۹۷۱,۶۲۹	۶,۹۲۳,۰۰۷

جمال زاده، گنج شایگان، ص ۳۹

رفت و آمد کشتی ها در بنادر مازندران سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ق

خارج از بنادر		وارد به بنادر			نوع کشتی	
ملاح و مستخدم	مجموع بارگیری	عده	ملاح و مستخدم	مجموع بارگیری		عده
۵۲۰۰۸	۸۰۰۴۰۳	۲۱۶۹	۵۲۴۴۳	۸۰۳۱۷۵ تن	۲۱۷۱	کشتیهای بخاری .....
۲۸۲۴	۱۵۳۸۰/۷۵	۵۸۲	۲۸۳۴	۱۵۲۴۵/۷۵	۵۸۴	کشتیهای شراعی .....
۵۴۸۳۲	۸۱۵۷۸۳/۷۵	۲۷۵۱	۵۵۲۷۷	۸۱۸۴۲۰/۷۵	۲۷۵۵	مجموع

جمال زاده، گنج شایگان، ص ۶۵

عایدات بندرهای گمرکی شمال و مصارف اداری آن ها در سال (۱۳۲۹-۱۳۲۸)

نام مکان	عایدات به قران	مخارج به قران	باقی مانده به قران
آستارا	۱,۶۷۰,۰۰۵,۷۵	۲۱۸,۱۸۸,۰۰	۱,۴۵۱,۸۱۷,۷۵
انزلی	۷,۱۵۹,۷۳۰,۷۵	۴۴۱,۷۷۶,۶۰	۶,۷۱۷,۹۵۴,۱۵
مشهد سر	۱,۷۰۸,۸۷۸,۸۰	۱۲۱,۳۱۶,۲۰	۱,۵۸۷,۵۶۲,۶۰
بندر جز	۱,۶۱۰,۳۴۶,۵۰	۱۶۹,۴۶۱,۸۰	۱,۴۴۰,۸۸۴,۷۰

در سال ۱۳۳۲-۱۳۳۲ق

نام مکان	عایدات به قران	مخارج به قران	باقی مانده به قران
آستارا	۲,۲۴۵,۲۲۱,۴۰	۲۵۶,۲۰۶,۷۵	۱,۹۸۹,۰۱۴۶,۶۵
انزلی	۱۰,۱۴۲,۸۹۹,۷۰	۵۳۴,۴۴۳,۸۰	۹,۶۰۷,۴۵۵,۹۰
مشهدسر	۲,۵۸۹,۵۹۶,۷۵	۱۳۹,۱۰۴,۵۵	۲,۴۵۳,۴۹۲,۲۰
بندرجز	۱,۵۲۸,۲۳۵,۱۵	۲۰۱,۴۳۹,۸۵	۱,۳۲۶,۷۹۵,۳۰

جمال زاده، همان، ص ۴۳

میزان صید ماهی در دریای مازندران

محل	تعداد کشتی	ماهی شور	خوایار
ساری	۱۰ کشتی	۲۰۰۰۰ پوند	۶۰۰۰ پوند
استرآباد	۴ کشتی	۱۵۰۰۰ پوند	۱۰۰ پوند
بندرگز و آشوراده	۶ کشتی	۲۰۰۰۰ پوند	۲۵۰ پوند
روسیه		۲۵۰۰۰۰ پوند	۴۵۰۰۰ پوند

مکنزی، سفرنامه شمال، ص ۲۰۲

میزان سرمایه گذاری لیانازف ها در شیلات

سال	مدت امتیاز	سالانه	کل
۱۸۸۸-۱۹۰۱	۱۳ سال	۴۰۰,۰۰۰ فرانک	۵,۲۰۰,۰۰۰ فرانک
۱۹۰۱-۱۹۱۰	۱۰ سال	۴۶۰,۰۰۰ فرانک	۴,۲۰۰,۰۰۰ فرانک
۱۹۱۱-۱۹۱۹	۹ سال	۴۸۰,۰۰۰ فرانک	۴,۳۳۰,۰۰۰ فرانک
۱۹۲۰-۱۹۲۵	۵ سال	۵۰۰,۰۰۰ فرانک	۲,۵۰۰,۰۰۰ فرانک
جمع	۳۷ سال	۱,۸۴۰,۰۰۰ فرانک	۱۶,۲۳۰,۰۰۰ فرانک

کیخسرو، نبی الله، پایان نامه وضعیت اقتصادی استرآباد در دوره قاجار، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰

میزان بهای ماهی سوف در زمان های مختلف

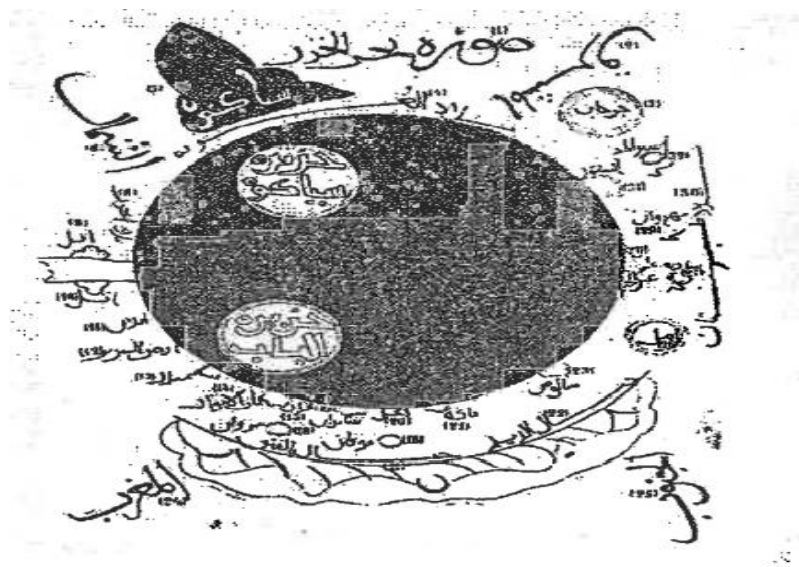
ردیف	مراحل مبارزات ماهیگیران	تغییرات بهای یک عدد ماهی سوف به قران
۱-	تا پیش از مشروطیت	۰/۰۵۰
۲-	در گرما گرم پیکار آزادیخواهان با لیانازف ها و عین الدوله سال ۱۳۲۴	۰/۷۰
۳-	پیش از پیروزی مشروطه خواهان بر اثر پیکار ماهیگیران	۰/۰۷۵
۴-	بر اثر امتناع دسته جمعی ماهیگیران از فروش به لیانازف ها و پادرمیانی مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۵	۰/۱۲۵
۵-	بر اثر مقاومت خشن تزاریان در همین سطح باقی ماند	-
۶-	تا سال ۱۳۳۱ بر اثر پیکار مداوم دکتر وثوق زمانی، ابولفتح، متن و دفاعیه شرکت سهامی شیلات ایران در دادگاه لاهه	۰/۱۵۰

ملت پرست، عبدالله، تاریخچه و فعالیت صید و صیادی شیلات در شمال کشور، تهران، مؤسسه

تحقیقات شیلات شمال، ۱۳۸۵، ص ۵۳

## تصاویر

نقشه دریای مازندران، ولایت و ایالت کرانه آن ترسیم شده توسط ابوزید بلخی در ۳۰۹ ق.



ملت پرست، عبدالله، تاریخچه و فعالیت صید و صیادی شیلات در شمال کشور، تهران، مؤسسه

تحقیقات شیلات شمال، ۱۳۸۵، ص ۶



استفان لیانازف



مارتین لیانازف



لئون لیانازف

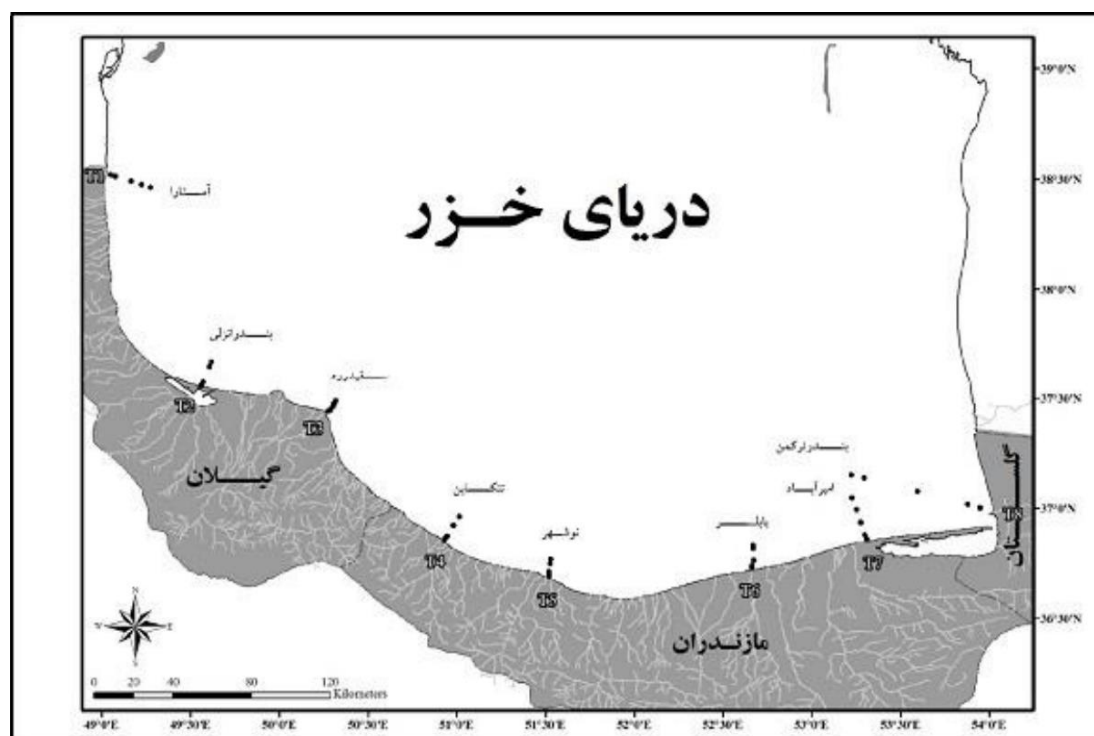


ورونیکا لیانازف

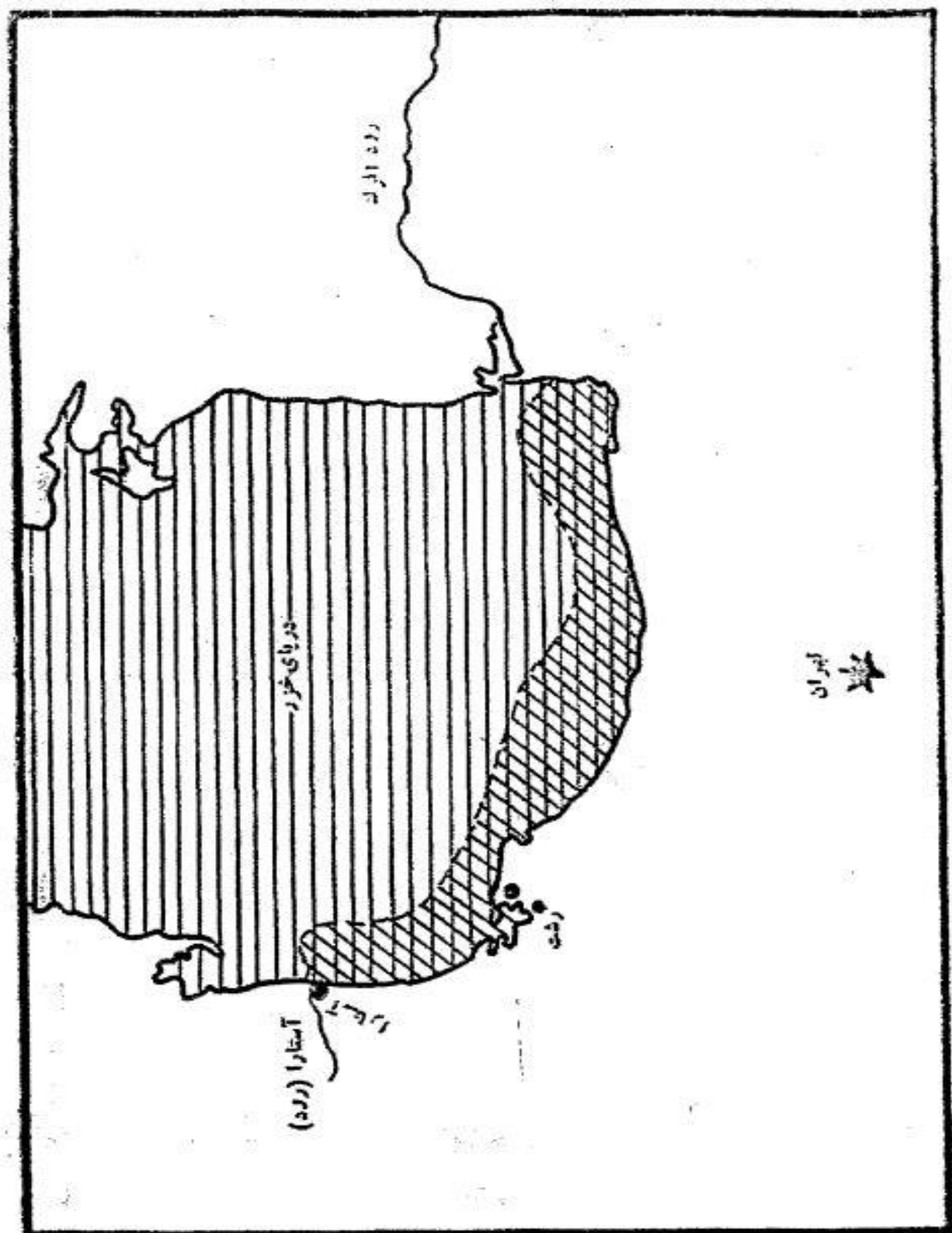




نقشه فضایی دریای مازندران (کاسپین)



نقشه جغرافیایی دریای مازندران (مازندران)



منطقه ماهیگیری لیانازوف ها (از آستارا تا اترک) در دریای مازندران  
 (کتاب ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمايگی نوشته ویلهلم لیتن)



فیل ماهی یا بلوگا *Huso huso*



تاس ماهی ایرانی یا قره برون *Acipenser Persicus*



تاس ماخی روسی یا چالباش *Acipenser gueldenstaedtii*



شپپ یا تاس ماهی شکم برهنه *Acipenser nudiiventris*



اوزون برون یا سوروگا *Acipenser stellatus*



اسکویی، مهرداد، گیلان به روایت کارت پستال های تاریخی، ۱۳۹۳، نشر فرهنگ ایلیا، ص ۹۶



مردان قرکهن

ویلس، چالز جیمز، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله، ۱۳۶۳، انتشارات طلوع، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیک نام، ص ۱۲۶



تصویر سد ماهیگیری

گملین، ساموئل گتلیب، ۱۳۹۳، سفر به شمال ایران، ترجمه غلام حسین صدری افشار، نشر فرهنگ ایلیا، ص ۳۰۸

## منابع و مؤاخذ

### الف- کتب

- ۱- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹
- ۲- ابن حوقل، محمد بن علی، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷
- ۳- ابن اسفندیار، بها الدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۶۶
- ۴- اتحادیه، منصوره، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، انتشارات سیامک، ۱۳۸۱
- ۵- آدمیت، فریدون، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، انتشارات آگاہ، ۱۳۵۶
- ۶- آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲
- ۷- آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر، چ - ۲، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵
- ۸- اصلاح عربانی، ابراهیم، کتاب گیلان، ج - ۳، چ ۱، تهران، انتشارات گروه پژوهشگران جوان ایران، ۱۳۷۴
- ۹- افشار، یزدی، محمود، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید ضیاءالدین ده شیری، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۵۸
- ۱۰- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، انتشارت - دنیای کتاب، ۱۳۶۷
- ۱۱- انصاف پور، غلامرضا، تاریخ اقتصادی روستائیان و طبقات اجتماعی ایران، تهران، نشر اندیشه ، ۱۳۵۵

۱۲- انتر، ماروین، روابط بازرگانی روس و ایران، ترجمه احمد توکلی، انتشارات ادبی و تاریخی  
۱۳۶۹،

۱۳- اوین، اوژن، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات زوآر، ۱۳۶۲

۱۴- اورسل، ارنست، سفر نامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات پژوهشگاه  
علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲

۱۵- اولتاریوس، آدام، سفرنامه آدام اولتاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ج  
۱، ترجمه احمد

بهبور، تهران، انتشارات ابتکار نو، ۱۳۶۳

۱۶- بازن، پادری، نامه های طیب نادرشاه، ترجمه علی اصغر حریری، انتشارات نی نا، ۱۳۷۸

۱۷- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۲

۱۸- براون، ادوارد گرانویل، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهدی قزوینی، انتشارات کویر، ۱۳۸۰

۱۹- براون، ادوارد گرانویل، تاریخ مطبوعات و ادبیات مشروطه ایران، ترجمه محمد

عباسی، تهران، انتشارت معرفت، ۱۳۳۶

۲۰- بروگش، هنریش. سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه محمد حسین کردبچه، انتشارات  
اطلاعات، ۱۳۶۷

۲۱- بشیری، احمد، کتاب آبی، انتشارات نشر نو، ۱۳۶۲

۲۲- پاینده، محمد، فرهنگ گیل و دیلم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳

۲۳- پرتو، افشین، تاریخ شیلات در خزر، رشت، انتشارت فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۱

- ۲۴- پولاک، ادوارد یا کوپ، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱
- ۲۵- تاد، داریسی، *سفرنامه مازندران (مندرج در کتاب سفرنامه های خطی فارسی)*، محقق و مصحح هارون و هومن، تهران، انتشارات اختران، ۱۳۸۸
- ۲۶- ترکمان، اسکندربیک، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به تصحیح ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲
- ۲۷- تفضلی، فریدون، *تاریخ عقاید اقتصادی*، نشر نی، ۱۳۷۵
- ۲۸- تیموری، ابراهیم، *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳
- ۲۹- جمال زاده، محمدعلی، *گنج شایگان*، انتشارات کتاب تهران، ۱۳۶۲
- ۳۰- حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، به تصحیح حمید سیاح، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹
- ۳۱- حائری، عبدالهادی، *نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*، امیرکبیر، ۱۳۶۷
- ۳۲- حسنی، سید رحمان، *تاریخ شیلات شمال (بر اساس اسناد آرشیوی)*، تهران، انتشارات مروارید بحر علوم، ۱۳۹۶
- ۳۱- حسینی قره آغاج، حسین، *نگاهی به ترکمنچای*، تهران، انتشارات تالش، ۱۳۶۹
- ۳۲- دالمانی، هانری رنه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه علی فره وشی، امیرکبیر، ۱۳۳۵
- ۳۳- دروویل، گاسپار، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، انتشارات شباویز، ۱۳۷۰
- ۳۴- دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، انتشارات عطار، ۱۳۷۱
- ۳۶- رایینو، ه.ل، *مازندران و استر آباد*، ترجمه وحید مازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳



۳۷- رابینو، ه. ل، وقایع مشروطیت گیلان، به انضمام وقایع مشهد ۱۹۱۲، به کوشش محمد روشن، چ  
۱، رشت، انتشارات طاعی، ۱۳۵۱

۳۸- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۶۴

۳۹- رضا، عنایت، نام دریای شمال ایران، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، سلسله  
انتشارات کتابخانه، ۱۳۸۷

۴۰- رزاقی، ابراهیم، آشنایی با اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۷۶

۴۱- رنه دالمانی، هانری، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه علی فره وشی، انتشارات امیر  
کبیر، ۱۳۳۵

۴۲- ژوبر، پیر آمده، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علی قلی اعتماد مقدم، بنیاد فرهنگ  
ایران،

۱۳۵۰

۴۳- سالور، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار،  
انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴

۴۴- سایکس، سر پرسی، تاریخ ایران، ترجمه محمد تقی فخر دانی گک یلانی، انتشارات افسون،  
۱۳۸۰

۴۵- سپهر، احمد علی، خاطرات مورخ الدوله سپهر، تهران، انتشارات نامک، ۱۳۷۴

۴۶- سرتیپ پور، جهانگیر، ریشه یابی واژه های گیلکی رشت، نشر گیلکان، ۱۳۷۴

۴۷- سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، نشر چشمه، ۱۳۷۳

۴۸- سرنا، کارلا، مردم و دیدنی های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، انتشارات نو، ۱۳۶۳

۴۹- شاردن، ژان، سفرنامه شاردن در ایران، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، ۱۳۷۲

- ۵۰- شاکری، خسرو، پیشینه های اقتصادی اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد، تهران، اختران، ۱۳۸۴
- ۵۱- شایسته، فریدون، ایران عصر نادرشاه در سفرنامه ژان اوتر، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۲
- ۵۲- شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره افشاریه و زندیه، انتشارات سمت، ۱۳۷۸
- ۵۳- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷
- ۵۴- شهبازی فراهانی، داریوش، تاریخ سکه (دوران قاجاریه)، انتشارات پلیکان، ۱۳۷۸
- ۵۵- شیل، مری، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابو ترابیان، نشر نو، ۱۳۷۶
- ۵۶- صفایی، ابراهیم، یکصد سند تاریخی، چاپخانه شرق، انتشارات بابک، ۱۳۶۰
- ۵۷- طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان، تهران، چ ۱، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۷
- ۵۸- طویلی، عزیز، تاریخ اجتماعی انزلی، ج ۲، چ ۱، ناشر فیض کاشانی، ۱۳۸۳
- ۵۹- عزالدوله، عبدالصمد، سفرنامه ایران و روسیه (نواحی شمال ایران)، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳
- ۶۰- علیزاده، ح، مقدمه ای بر ویژگی های دریای مازندران، انتشارات نوربخش، ۱۳۸۳
- ۶۱- عیسوی، چالز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۲
- ۶۲- فرمانفرما، فیروز میرزا، سفرنامه کرمان و بلوچستان، تصحیح منصوره اتحادیه، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۰
- ۶۳- فخرایی، ابراهیم، گیلان در جنبش مشروطه، چ ۳، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱

- ۶۴- فریزر، جیمزبیلی، سفرنامه فریزر (معروف به سفر نظامی)، مترجم منوچهر امیری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۴
- ۶۵- فلور، ویلم، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، ۱۳۶۶
- ۶۶- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، انتشارات اشراقی، ۱۳۵۶
- ۶۷- فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا، ۱۳۹۲
- ۶۸- فوروکاوا، نوبویوشی، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب زاده، انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۸۴
- ۶۹- فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، انتشارات علم، ۱۳۸۵
- ۷۰- قادری، حاتم، پژوهشی در روابط ایران و شوروی، ج ۲، تهران نشر بی نا، ۱۳۵۹
- ۷۱- قاسم اف، ح. و، دریای مازندران ترجمه: یونس عادل، مرکز تحقیقات شیلاتی استان گیلان، ۱۳۷۰
- ۷۲- قاضی ها، فاطمه، اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه، ج ۱، تهران، انتشارات اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰
- ۷۳- کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، نشر مرکز، ۱۳۹۰
- ۷۴- کاتوزیان، محمد علی همایون، دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار استقرار پهلوی، نشر مرکز، ۱۳۷۹
- ۷۵- کاساکوفسکی، ولادیمیر آندری یویچ، خاطرات ژنرال کاساکوفسکی، ترجمه عباس قلی جلی، انتشارات کتاب های سیمرغ، ۱۳۴۴

- ۷۶- کاظم زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴ - ۱۸۶۴)، ترجمه منوچهر امیری،  
انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴
- ۷۷- کالتر، میرزا محمد، روزنامه میرزا محمد کلانتر فارسی، به تصحیح عباس اقبال، انتشارات  
طهوری، ۱۳۶۲
- ۷۸- کرزن، جرج نایتل، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات علمی و  
فرهنگی، ۱۳۸۰
- ۷۹- کرمانی، ناظم الاسم، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴
- ۸۰- کروسینسکی، یوداش تادیوش، ده سفرنامه، ترجمه محراب امیری، انتشارات مجد، ۱۳۶۹
- ۸۱- کمال زاده، محمود، جعفری، فریده، شناخت دریای مازندران و پیرامون آن، تهران، نشر  
دبیزش، ۱۳۸۴
- ۸۲- بروگش، مسافرت از تهران تا استرآباد (ضمیمه کتاب سفریبه دربارسلطان صاحب قران  
)، ترجمه مهندس کردیچه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸
- ۸۳- لاکهارت، الرنس، انقراض سلسله صفوی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات علمی و  
فرهنگی، ۱۳۸۳
- ۸۴- لاوت، برسفورد، سفرنامه کلنل لاوت (مندرج در کتاب استرآبادنامه)، به کوشش مسیح  
ذبیحی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸
- ۸۵- لمبتون، آن ماری، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی  
و فرهنگی، ۱۳۶۲
- ۸۶- لیتین، ویلهلم، ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمايگی، ترجمه مریم میراحمدی، چ ۱،  
تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۷

- ۸۷- مارکس و انگلس، مکاتبات مارکس و انگلس در باب ماتریالیسم تاریخی، ترجمه ایرج اسکندری، حزب توده، ۱۳۵۸
- ۸۸- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، ج ۱، انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۳
- ۸۹- مستوفی، حمد الله، شرح زندگانی من، انتشارات زوار، ۱۳۸۴
- ۹۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی، یک جلدی، تهران، انتشارات راه رشد، ۱۳۸۴
- ۹۱- مکنزی، چالز فرانسیس، سفرنامه شمال (گزارش چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد)، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، نشر گستره، ۱۳۵۹
- ۹۲- مکی، حسین، نطق های تاریخی مصدق در مجلس پنجم و ششم، ج ۱، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۴
- ۹۳- ملت پرست، عبداهلل، تاریخچه و فعالیت صید و صیادی شیالت در شمال کشور، تهران، مؤسسه تحقیقات شیالت شمال، ۱۳۸۵
- ۹۴- ملگونف، گریگوری، کرانه های جنوبی دریای مازندران، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران، انتشارات کتاب سرا، ۱۳۷۶
- ۹۵- منشور گرگانی، محمد علی، رقابت روسیه (شوروی) و انگلیس در ایران، به کوشش محمد رفیعی مهر آبادی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۸
- ۹۶- مینورسکی، ولادیمیر، ایران در زمان نادرشاه، ترجمه علی اصغر عبداللهی، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۷
- ۹۷- نصیری، محمد، تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، بانک ملی ایران، ۱۳۳۸

- ۹۸- نوازنی، بهرام، عهدنامه ایران و شوروی (۲۶ فوریه ۱۹۲۱)، تهران، انتشارات همراه، ۱۳۶۹
- ۹۹- نیکیتین، بازیل، خاطرات و سفرنامه (ایرانی که من شناختم)، ترجمه علی فرهوشی، چ - ۲، تهران، نشر کانون معرفت، ۱۳۵۶
- ۱۰۰- واتسن، رابرت گرن، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه وحید مازندرانی، امیر کبیر، ۱۳۴۸
- ۱۰۱- ویشارد، جان، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، انتشارات نوین، ۱۳۶۳
- ۱۰۲- هانوی، جونس، سفرنامه هانوی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۸۳
- ۱۰۳- هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات، انتشارات زوار، ۱۳۸۵
- ۱۰۴- یغمایی، اقبال، شهید آزادی سید جمال واعظ اصفهانی، انتشارات توس، ۱۳۵۷

## ب- مقالات

- ۱- وثوق زمانی، ابوالفتح، تاریخچه شیلات شمال، مجله آبریان، ش ۴، اردیبهشت ۱۳۶۴
- ۲- اشرف، احمد، ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسالمی، نامه علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی ۱۳۵۳ شماره ۴
- ۲- اسماعیل راین، یک ایرانی مؤسس شیلات، مجله تهران مصور، ش ۳۲۶، آبان ۱۳۲۸
- ۳- حسنی، سید رحمان، پژوهشی در جایگاه شیلات شمال و در مناسبات ایران و روسیه با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۳۵-۱۲۴۳ق/۱۸۲۸-۱۹۲۶م)، فصلنامه آرشیو ملی، شماره ۱
- ۴- سلیمانی، کریم، نگاهی به عصر مشروطیت از منظر اسناد قراردادها، فصلنامه گنجینه اسناد ۶۶، تابستان، ۱۳۸۶
- ۵- صالحی، حسن، بررسی مسائل زیست اجتماعی به منظور، مکان یابی فعالیت های شیلاتی در محدوده، استان های گیلان، مازندران و گلستان، ۱۳۹۵، ص ۲

۶-فروزش، سینا، مازندران از نظر سفرنامه ها و متون جغرافیایی عهد قاجار، فصلنامه علمی و پژوهشی، مسکویه، سال ۵، شماره ۲، صص ۷۵-۱۱۲

## پ- پایان نامه ها

- ۱- آقا محمدی، بهرام، اقتصاد سیاسی ایران و طبقات اجتماعی در دوره قاجاریه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، زمستان ۱۳۹۳
- ۲- انگوپا، فاطمه، تاریخچه شیلات شمال ایران (از قرارداد لیانازف تا چگونگی ملی شدن)، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده تاریخ، شهریور ۱۳۸۳
- ۳- حداد عراقی، ثریا، بررسی تطبیقی اوضاع اقتصادی و اجتماعی گیلان و مازندران در سفرنامه های عصر قاجار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، گروه ایران شناسی، شهریور ۱۳۹۴
- ۴- رحمانی خانقاهی، علیرضا، زندگی روزانه در والیات جنوبی دریای مازندران: از اواخر دوره صفوی تا پایان دوره قاجاریه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، تیر ۱۳۹۵
- ۵- صدرخانلو، رجبعلی، آلات و روشهای صید ماهی در دریای مازندران، پایان نامه (رساله) دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده دامپزشکی، سال ۱۳۵۰
- ۶- عزیزی، امید، جایگاه قرارداد لیانازف در روابط ایران و شوروی (۱۳۰۶-۱۲۹۶ق/۱۹۲۷-۱۹۱۷م)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تیر ۱۳۸۵

## ت- روزنامه ها

روزنامه جبل المتین، چاپ کلکته، شماره ۲۳، مورخه ۱۰ ذی الحجه ۱۳۱۵

روزنامه همشهری، گزینه های چهار گانه تقسیم دریای مازندران، ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۱

روزنامه جبل المتین (۱۰ ذی الحجه ۱۳۱۵ق)

روزنامه ستاره ایران (شماره ۵۱) مورخه ۱۲ صفر ۱۳۴۱/۱۱ میزان ۱۳۰۱

روزنامه طوفان (شماره ۱۳) مورخه ۱۲ صفر ۱۳۴۱/۱۱ میزان ۱۳۰۱

## ث- مجلات

مجله گنجینه اسناد تابستان ۱۳۸۶، شماره ۶۶.

مجله تاریخ اسالم و ایران، دوره جدید بهار ۱۷ شماره، ۱۳۹۲.

مجله علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، شماره ۵۶

مجله پژوهش های تاریخی، دوره جدید سال هفتم پاییز ۱۳۹۴، شماره ۳ (پیاپی ۲۷).

مجله گنجینه اسناد، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۶۷.

مجله دانشکده علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، صص ۱۰۰ و

۹۹

مجله تهران مصور، شماره ۲۶، آبان، ص ۲

مجله آبریان، ش ۴، اردیبهشت ۱۳۶۴، ص ۵۳

## ج- اسناد

۱- بایگانی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ایران مربوط به شیلات

۲- اسناد بایگانی سازمان اسناد ملی ایران



### چ - منابع خارجی

- 1- Archambault, Paul (2002). "Herodotus (c. 480 – c. 420)". In della Fazia Amoia, Alba; Knapp, Bettina Liebowitz (eds.). Multicultural Writers from Antiquity to 1945: a Bio-bibliographical Sourcebook. Greenwood Publishing Group.
- 2- Asher, A. The Itinerary of Rabbi Benjamin of Tudela, London and Berlin, 1840.
- 3- Fazli, H., Zhang, C. K., Edward Hay, D. and Lee, C. W., 2009. Stock assessment and management implications of anchovy kilka (*Clupeonella engrauliformis*) in Iranian waters of the Caspian Sea. Fisheries Research
- 4- Fish catching methods of word , by Dr Andres Von Brandt 1964 London.
- 5- Genis, V. (2000). Krasnaya Persiya (red Persia). Moscow.
- 6- Keith Edward Abbott, Cities and trade: consul Abbott on the economy and society of Iran, 1847-1866, London: published by Ithaca press for the Board of the faculty of oriental studies, Oxford university, 1983.
- 7- Lambton, A. K. S (2007). Land and Tenure and Revenue Administration in the Nineteenth century. In P. Avery, G. Hambly and Ch. Melville: The Cambridge History of Iran (vol. 7), Cambridge university press.
- 8- Nasrollahzadeh, A. (2010). Caspian Sea its Ecological Challenges. Caspian Journal of Environment Science
- 9- Watson, James and Hill, Anne (2006). Dictionary of Media and Communication Studies, 7th Edition, Hodder Arnold Publication.



Author

Mohammad Mohsen Pileh Savarchi

